

خواندن و درک مطلب فارسی

برای زبان آموزان غیر ایرانی

دوره ی پایه

پدید آورندگان

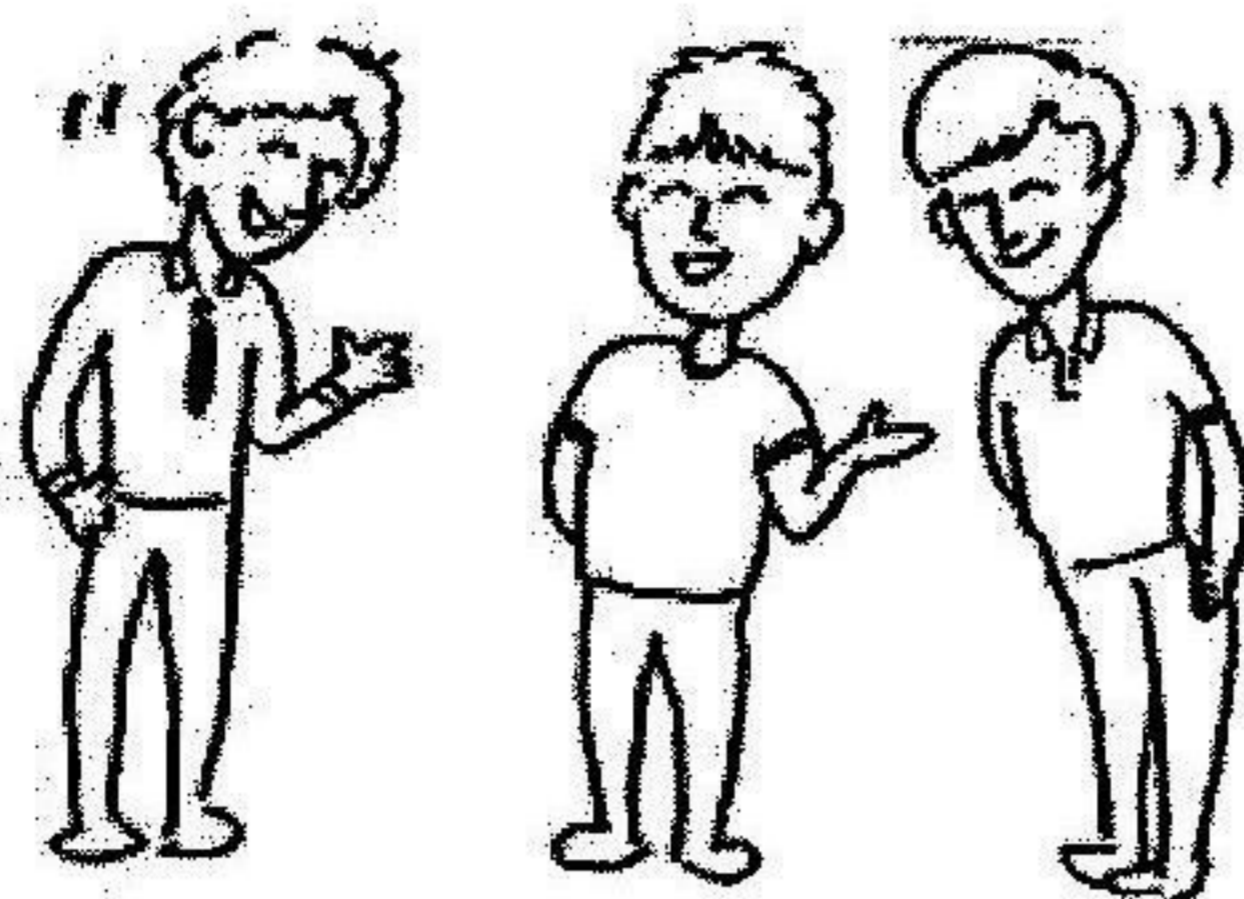
فاطمه جعفری - اعظم السادات نوایی - حمید ابراهیمی

اثر حاضر ویژه ی استفاده در مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه امام خمینی (ره) است و

چاپ و تکثیر و کاربرد آن در مراکز آموزشی و توسط افراد دیگر منوط به اجازه ی پدید آورندگان این اثر

است

معرفی کردن



پرسش های پیش از خواندن

۱. شما کجایی هستید؟
۲. الان کجا و با چه کسی زندگی می کنید؟
۳. چند سال دارید؟
۴. خودتان و دو نفر از همکلاسی هایتان را معرفی کنید.

واژه های جدید

مطالعه کردن	تماشا کردن	مُجَرَّد	دانشگاه
خوردن	صحبت کردن	هم اتاقی	هم کلاس
معرفی کردن	برگشتن	چند ماه پیش	غذا
خواهر	طبقه	زندگی کردن	مُتَأَهِّل
درس خواندن	تاریخ	ازدواج کردن	دوست
ماندن	دانشجو	خوابگاه	خارجی
		رستوران	کتابخانه

زندگی دانشجویی

امروز من با مینا به دانشگاه رفتم. من سارا هستم و مینا خواهر من است. ما تهرانی هستیم. هر دوی ما دانشجو هستیم. او در شیراز دانشجوی تاریخ است و آنجا زندگی می‌کند. او متأهل است. چند ماه پیش او با هم کلاش بهروز ازدواج کرد. آنها الان در طبقه ی دوم خانه ی پدر بهروز زندگی می‌کنند. اما من در خوابگاه زندگی می‌کنم. چون مجرد هستم و در شهر یزد درس می‌خوانم. مینا دیروز از شیراز پیش من آمد. او چند روز اینجا می‌ماند و هفته ی آینده با هم به تهران می‌رویم.

امروز با مینا به دانشگاه رفتیم. من مینا را به دوست هایم معرفی کردم. ما باهم در رستوران دانشگاه غذا خوردیم و بعد به کتابخانه رفتیم. دو ساعت آنجا مطالعه کردیم و بعد به خوابگاه برگشتیم. من مینا را به هم اتاقی ام معرفی کردم. هم اتاقی من یک دختر خارجی است. او آلمانی است. ۳۷ سال دارد و دانشجوی تاریخ است. کاترین خیلی خوب فارسی صحبت می‌کند. مینا و کاترین چند ساعت با هم درباره ی تاریخ حرف زدند. چون هر دوی آنها دانشجوی تاریخ هستند. اما من تاریخ دوست ندارم. به همین دلیل تلویزیون تماشا کردم.

بخش اول: درک مطلب

الف) با توجه به متن پاسخ درست را با علامت «د» و پاسخ نادرست را با علامت «ن» مشخص کنید.

- ۱. مینا دانشجوی تاریخ است.
- ۲. سارا همسر بهروز است.
- ۳. کاترین یک دختر خارجی است.
- ۴. سارا تاریخ دوست دارد.
- ۵. مینا و خواهرش در رستوران دانشگاه غذا خوردند.
- ۶. کاترین و مینا هفته ی بعد به تهران می‌روند.

ب) با توجه به متن به پرسش های زیر پاسخ دهید.

۱. مینا کجا زندگی می کند؟

..... -

۲. دوست سارا کجایی است و چند سال دارد؟

..... -

۳. سارا و خواهرش چه کارهایی کردند؟

..... -

۴. چرا مینا و کاترین با هم زیاد حرف زدند؟

..... -

بخش دوم: تمرین واژگان

الف) واژه های ستون اول را به هم معنی شان در ستون دوم وصل کنید.

۱. مُتَأَهِّل □ کسی که ازدواج نکرده است

۲. هم کلاس □ کسی که با او در یک اتاق زندگی می کنیم

۳. خوابگاه □ حرف زدن

۴. مُجَرَّد □ نگاه کردن

۵. صحبت کردن □ کسی که با او در یک کلاس هستیم

۶. هم اتاقی □ کسی که ازدواج کرده است

۷. تماشا کردن □ جایی که در زمان دانشجویی در آن زندگی می کنیم

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

کردن - بودن - خواندن - زدن

زندگی مُتَأَهِّل ازدواج.....
 مجرد..... درس..... معرفی.....
 مطالعه..... صحبت..... حرف.....

پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

- ۱.
- ۲.
- ۳.
- ۴.
- ۵.
- ۶.
- ۷.
- ۸.
- ۹.

ت) درباره ی زندگی دانشجویی چه کلمه هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ث) درباره ی خانواده چه کلمه هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ج) جاهای خالی جمله های زیر را با واژه ی مناسب پر کنید.

خوابگاه - تاریخ - هم کلاس - هم اتاق - دانشجویهای

۱. استاد این کلاس با خوب کلاس صحبت کرد.
۲. دانشجوهای این دانشکده، این رشته را خیلی دوست دارند.
۳. ما نزدیک دانشگاه است.
۴. من خارجی است، ما با هم در یک اتاق زندگی می کنیم.
۵. ایرانی من خیلی خوب درس می خواند.

چ) جاهای خالی جمله های زیر را با مصدرهای زیر پر کنید.

زندگی کردن - ازدواج کردن - ماندن - معرفی کردن - برگشتن - صحبت کردن - تماشا کردن -
دوست داشتن

۱. مینا و برادرم همدیگر را دوست داشتند. آنها دو سال پیش با هم
۲. دیشب دوستم را به مادرم.....
۳. خواهرم دیشب در اتاق من
۴. ما غذاهای رستوران دانشگاه را خیلی
۵. او سال پیش سه ماه در این خوابگاه
۶. مادرم در سفر بود. دیشب به خانه
۷. ما همیشه در کلاس با دوست هایمان می مانیم و
۸. امروز در تلویزیون یک فیلم قشنگ

ح) در جمله های زیر کلمه ها یا واژه های اریب به کدام کلمه یا واژه در متن بر می گردند؟

۱. روز گذشته نزد استادمان رفتیم.
۲. او همیشه روزنامه ی صبح را مطالعه می کند.....
۳. او دوباره از مدرسه به خانه رفت.....
۴. او همیشه در کلاس با دوستش حرف می زند.

۵. دوستم با کسی که با او در یک اتاق زندگی می کند، به سفر رفت.

بخش سوم: خواندن بیشتر

ماه مهر امسال برای ما خیلی مهم است، چون همه چیز برای ما تازه است. همه چیز عجیب است. من و خانواده ام با هم در در یک کشور خارجی زندگی می کنیم. پدرم در این کشور کار می کند. امسال من و برادرم در یک مدرسه ی خارجی درس می خوانیم. هم کلاس های ما جدید هستند. مدرسه و معلم ها هم جدید هستند. همه چیز سخت است. درس های جدید، معلم های جدید، هم کلاس های جدید و زبان جدید. من کمی زبان انگلیسی بلد هستم. چون هنوز به کلاس زبان انگلیسی می روم. اما در این کشور مردم مثل معلم قبلی ما حرف نمی زنند. زبان آنها عجیب است. خیلی تند حرف می زنند. وقتی بچه ها یا معلم انگلیسی حرف می زنند، من فقط به آنها نگاه می کنم، آنها هم به من نگاه می کنند. بچه ها می خندند و معلم جدید من هم می خندد. خنده ی او مثل معلم زبان قبلی من است. من فقط خنده های آنها را کاملاً می فهمم. من هم می خندم. همه چیز خوب است. من خنده ی آنها را می فهمم، پس زبان آنها را هم می فهمم.

بخش اول

الف) از روی متن درس رو خوانی کنید (۲ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

ب) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (۲ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان بنویسید.

.....

ب) برای جواب های زیر یک پرسش مناسب بنویسید.

۱.؟

- چون او و خانواده اش در یک کشور خارجی زندگی می کنند.

۲.؟

- چون همه چیز در آنجا جدید بود.

۳.؟

- چون او خنده ی آنها را می فهمد.

زمان



پرسش های پیش از خواندن

۱. شما کدام روز هفته را دوست دارید؟ چرا؟
۲. شما چه فصلی را دوست دارید؟ چرا؟
۳. در کشور شما هوا در هر فصل چگونه است؟
۴. در هر فصل سال چه کارهایی انجام می دهید؟

واژه های جدید

کار	خواب	باعجله	زمستان
هوا	پاییز	تابستان	رسیدن
دوچرخه	هر روز	دوباره	دوست داشتن
آخر هفته	فردا	دیر	فکر کردن
ساعت	بهار	زود	بیدار شدن
صبحانه	به موقع	دوش گرفتن	فصل

لباس پوشیدن

آخر هفته

پیمان کارش را دوست دارد. اما همیشه از روز شنبه به آخر هفته فکر می کند. او در روزهای شنبه، یکشنبه، دوشنبه، سه شنبه و چهارشنبه ساعت هفت و نیم از خواب بیدار می شود. با عجله صبحانه می خورد، دوش می گیرد، لباس می پوشد و به اداره می رود. او هر روز دیر سر کارش می رسد، اما دوباره روز بعد ساعت هفت و نیم بیدار می شود.

پیمان روزهای آخر هفته را دوست دارد. به همین دلیل همیشه زود بیدار می شود. صبحانه می خورد، دوش می گیرد و لباس می پوشد. او همیشه پنجشنبه و جمعه ساعت شش و نیم بیدار می شود و به موقع پیش دوست هایش می رود. پیمان و دوست هایش پنجشنبه صبح به خارج از شهر می روند. او فصل های بهار و تابستان را خیلی دوست دارد. چون در این فصل ها هوا خوب است و او با دوچرخه پیش دوست هایش می رود. اما در فصل های پاییز و زمستان او پیاده پیش دوست هایش می رود.

بخش اول: درک مطلب

الف) با توجه به متن پاسخ درست را با علامت "د" و پاسخ نادرست را با علامت "ن" مشخص کنید.

- ۱. پیمان هیچ وقت به موقع سر کار نمی رود.
- ۲. پنج شنبه ها و جمعه ها زودتر از روزهای دیگر بیدار می شود.
- ۳. پیمان کارش را دوست ندارد.
- ۴. پیمان در فصل های پاییز و زمستان با دوچرخه پیش دوست هایش نمی رود.
- ۵. پیمان هیچ وقت به موقع پیش دوست هایش نمی رود.

ب) با توجه به متن به پرسش های زیر پاسخ دهید.

۱. پیمان وقتی بیدار می شود چکار می کند؟

..... -

۲. پیمان چه روزهایی ساعت هفت و نیم بیدار می شود؟

..... -

۳. پیمان کدام فصل را خیلی دوست دارد؟

..... -

۴. او روزهای پنج شنبه چکار می کند؟

..... -

بخش دوم: واژگان

الف) واژهای ستون اول را به هم معنی شان در ستون دوم وصل کنید.

۱. شنبه به حمام رفتن

۲. باعجله بیرون

۳. خارج خیلی تند

۴. به موقع روز اول هفته

۵. دوش گرفتن سَر وقت

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

گرفتن - داشتن - شدن - کردن

دوش.....

فکر.....

دوست.....

بیدار.....

پ) با هریک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

۱.

۲.

۳.

۴.

ت) درباره ی زمان چه کلمه هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ث) درباره ی فصل ها و روزها چه کلمه هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ج) جاهای خالی جمله های زیر را با واژه های زیر پر کنید.

صبحانه - پیش - دوست - فصل - دوچرخه - آخر هفته - پیاده

۱. برادر شما بعضی وقت ها با سر کار می رود و بعضی وقت

۲. چرا دیروز ما نیامدی؟

۳. من در این کلاس ایرانی ندارم.

۴. علی و دوست هایش همیشه یا به کوه می روند یا به سینما.

۵. ما اصلاً در سرد سال به مسافرت نمی رویم.

۶. تو چی می خوری؟

چ) جاهای خالی جمله های زیر را با شکل درست مصدر های زیر پر کنید.

فکر کردن - لباس پوشیدن - دوش گرفتن - رسیدن - بیدار شدن - دوست داشتن

۱. علی هر روز ساعت یازده شب می خوابد و ساعت شش.....

۲. دیروز من وقتی به خانه اول.....

۳. مادر تو اصلاً غذای ایرانی.....

۴. تو مهمان ها در این هوای بارانی به خانه ی ما می آیند؟!

۵. هوا سرد است. بچه ها.....؟

ح) در جمله های زیر کلمه ها یا واژه های اریب به کدام واژه در متن برمی گردند؟

۱. پیمان و دوست هایش پنج شبه ها به بیرون از شهر می روند.....

۲. او همیشه خیلی سریع صبحانه می خورد.....

۳. آخر هفته ها او سر موقع پیش دوست هایش می رود.....

۴. پیمان شغل خود را دوست دارد.....

۵- پیمان آخر هفته ها را دوست دارد برای همین همیشه زود بیدار می شود.....

بخش سوم: خواندن بیشتر

ایران چهار فصل دارد. فصل های بهار، تابستان و پاییز و زمستان. در ماه های قَروردین، اَرَدیبهشت، خرداد، تیر، مُرداد، شَهریور روزهای ماه سی و یک روز هستند. اما در ماه های مِهْر، آبان، آذر، دِی و بَهمن روزهای ماه سی روز هستند. اِسفند که آخرین ماه سال است، بیست و نه روز است و هر چهار سال یک بار سی روز است.

آخر بهار و آخر تابستان برای بچه ها خیلی مهم است. آخر بهار بچه ها تعطیل می شوند و آخر تابستان برای مدرسه آماده می شوند. در بهار هوا مُعتدل است و در تابستان گرم. به همین دلیل بچه ها این دو فصل را برای بازی و گردش خیلی دوست دارند.

در پاییز و زمستان هوا سرد است و باران و برف می بارد. آخر زمستان هم همه چیز خوب است. هوا کمی گرم می شود و نزدیک عید نوروز همه چیز زیبا است.

بخش اول

الف) از روی متن درس روخوانی کنید (۲ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است)

ب) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (۱۵۰ ثانیه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است)

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان بنویسید.

.....

ب) برای جواب های زیر یک پرسش مناسب بنویسید.

۱.؟

- بچه ها آخر تابستان برای مدرسه آماده می شوند.

۲.؟

- ماه های فروردین و اردیبهشت و خرداد و تیر و ماه و شهریور روزهای ماه ۳۱ روز هستند.

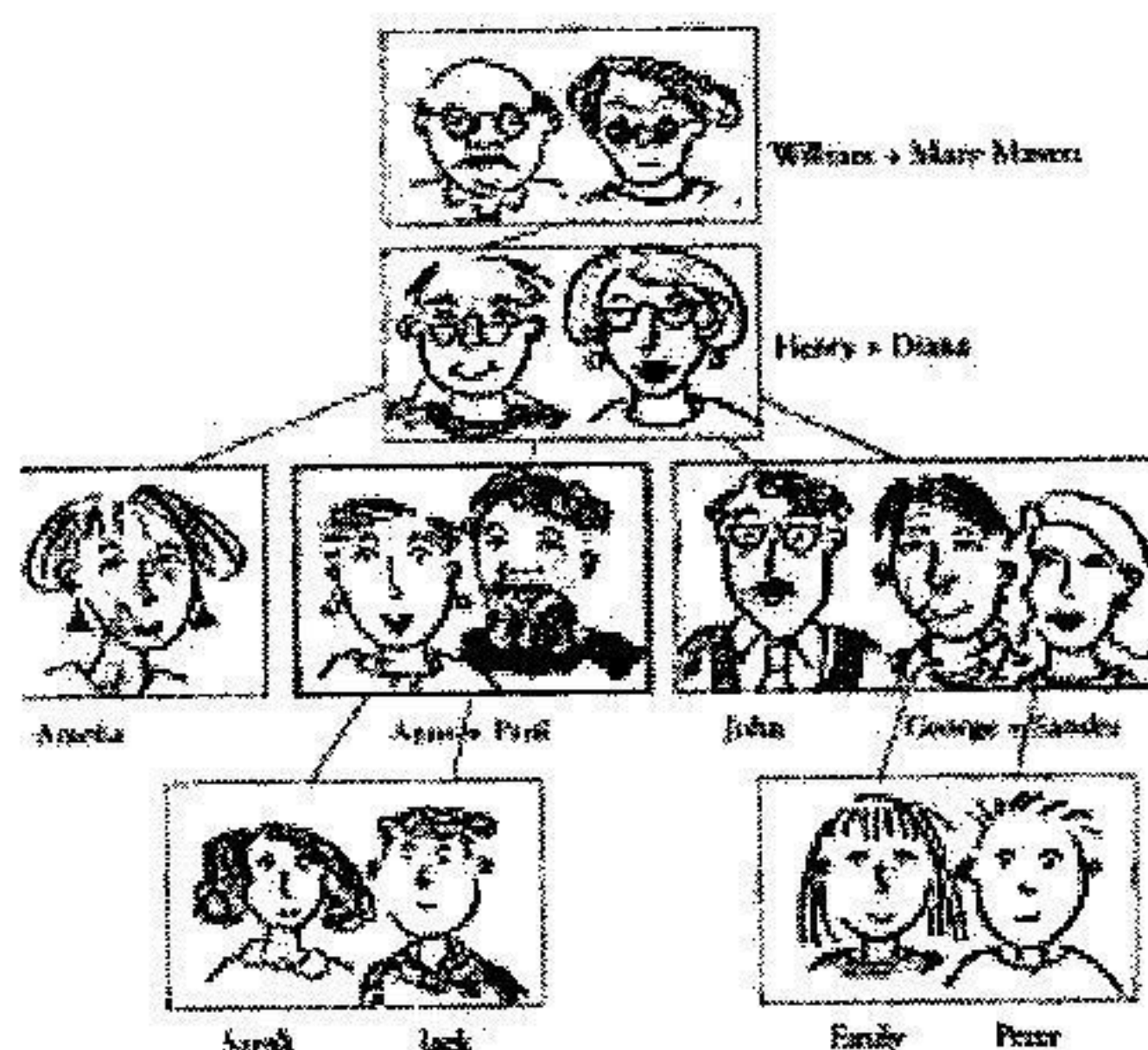
۳.؟

- آخرین ماه سال اسفند است.

۴.؟

- در پاییز و زمستان هوا سرد است و باران و برف می بارد.

خانواده



پرسش های پیش از خواندن

۱. شما تنها زندگی می کنید یا با خانواده؟

۲. وقتی بچه بودید با چه کسی زندگی می کردید؟

۳. چند خواهر و برادر دارید؟

۴. با فامیل هایتان رفت و آمد دارید؟

۵. یک خاطره از بچگی خود تعریف کنید؟

واژه های جدید

حرف زدن	سفره	شستن	کمک کردن
باران آمدن	شمردن	خاله	دایی
پسرخاله	دخترخاله	عمه	تعداد
مادربزرگ	جمع شدن	نشستن	چسبیدن
بیدار کردن	بچ بچ کردن	گرسی	نوه

قصه گفتن	همدیگر	جمع کردن	عمو
عروس	داماد	خرخر کردن	چک چک
ایوان			

خانواده ی ما

خانواده ی ما خیلی بزرگ بود. ده ها خاله و عمه و عمو و دایی داشتم. بیشتر خاله ها و دایی ها و مادر بزرگم در یک کوچه زندگی می کردند، برای همین دختر خاله ها، پسر خاله ها، دختر دایی ها و پسر دایی ها بیشتر وقت ها در خانه ی مادر بزرگ جمع می شدیم.

بعضی از شب ها همه ی نوه ها در اتاق مادر بزرگ جمع می شدیم و زیر گرسی می نشستیم. مادر بزرگ برای ما قصه می گفت. گاهی اوقات مادر بزرگ وسط قصه می خوابید و ما او را بیدار می کردیم.

روزهای جمعه همه ی عروس ها و دامادها در خانه ی مادر بزرگ نهار می خوردند. بعد از نهار همه ی دختر خاله ها و دختر دایی ها سفره را جمع می کردند و به همدیگر کمک می کردند و ظرف ها را می شستند. بعد از نهار بچه ها در ایوان و بزرگ ترها زیر درخت ها روی تخت های چوبی می خوابیدند. مادر بزرگ کنار بچه ها می خوابید. تعدادمان زیاد بود، برای همین مادر بزرگ یکی یکی نوه ها را می شمرد. وقتی نمی خوابیدیم و بچ بچ می کردیم، مادر بزرگ با یک چوب دراز به پایمان می زد. دایی کوچکم خرخر می کرد. خواهرم توی خواب با خودش حرف می زد. گاهی مادر بزرگ از کارهای ما عصبانی می شد.

بعضی وقت ها باران می آمد و مادر بزرگ نایلون درازی را روی ما می انداخت. ما زیر آن به هم می چسبیدیم و به چک چک باران گوش می دادیم.

الان مادر بزرگ و خیلی از بزرگ ترها بین ما نیستند، اما همه ی نوه ها سالی یک بار در همان خانه ی قدیمی جمع می شویم و درباره ی خاطرات تلخ و شیرین گذشته حرف می زنیم.

بخش اول: درک مطلب

الف) با توجه به متن، جمله ی درست را با حرف «د» و جمله ی نادرست را با حرف «ن» مشخص کنید.

- ۱. نویسنده ی متن ده خاله، عمو، عمه و دایی داشت.
- ۲. بعضی وقت ها مادربزرگ وسط قصه می خوابید.
- ۳. روزهای جمعه همه ی نوه ها در خانه ی مادربزرگ ناهار می خوردند.
- ۴. روزهای جمعه، بعد از ناهار همه ی نوه ها سفره را جمع می کردند و ظرف ها را می شستند.
- ۵. بعد از ناهار همه می خوابیدند.
- ۶. وقتی که باران می آمد، مادربزرگ نایلون درازی روی ما می انداخت.
- ۷. الان همه ی نوه ها هر سال یک بار در همان خانه ی قدیمی جمع می شوند.

ب) با توجه به متن، به پرسش های زیر پاسخ دهید.

۱. چرا دخترخاله ها، پسرخاله ها، دختردایی ها و پسردایی ها بیشتر وقت ها در خانه ی مادربزرگ جمع می شدند؟

..... -

۲. چرا بعد از ناهار، موقع خوابیدن، مادربزرگ همه ی نوه ها را می شمرد؟

..... -

۳. چرا مادربزرگ با یک چوب دراز به پای بچه ها می زد؟

..... -

۴. چرا بعضی وقت ها مادربزرگ عصبانی می شد؟

..... -

۵. الان نوه ها چه کار می کنند؟

..... -

۶. به نظر شما نویسنده از کدام مادر بزرگ خود می نویسد؟ مادر بزرگ پدری یا مادر بزرگ مادری؟

..... -

بخش دوم: تمرین واژگان

الف) هر واژه را به معنی مربوط به آن وصل کنید.

- | | |
|--|------------|
| □ برادرِ مادر | ۱. سفره |
| □ پارچه ای که روی آن غذا را می چینند و دور آن غذا می خورند | ۲. دایی |
| □ صدای قطره قطره ریخته شدن آب | ۳. خرخر |
| □ خواهرِ مادر | ۴. نوه |
| □ فرزندِ فرزند | ۵. خاله |
| □ صدایی که موقع خواب از گلوی کسی بیرون می آید | ۶. پیچ پیچ |
| □ شوهرِ دختر | ۷. داماد |
| □ آرام حرف زدن | ۸. چک چک |
| □ زنِ پسر | ۹. عروس |

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

دادن - کردن - شدن - آمدن - گفتن - زدن

..... قصه

..... باران

حرف جمع
خُرْخُر گوش

پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

۱.
۲.
۳.
۴.
۵.
۶.

ت) در باره ی خانواده چه کلمه هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ث) جاهای خالی جملات زیر را با واژه های زیر پر کنید.

گُرسی - پِچ پِچ - همدیگر - خُرْخُر - بین - چک چک - تعداد - ایوان

۱. صدای برادرم خیلی زیاد بود و هیچ کس نمی توانست بخوابد.
۲. آنها همیشه به کمک می کردند.
۳. خانه های قدیمی حیاط، حوض و داشتند، ولی خانه های جدید ندارند.
۴. هر وقت توی کلاس می کردیم، معلّم عصبانی می شد.
۵. دانش آموزان کلاس زیاد بود، برای همین معلّم وقت نداشت از همه درس
پرسد.
۶. معلّم از دانش آموزان زرنگ، رضا را صدا زد.
۷. ما پشت پنجره می ایستادیم و به صدای باران گوش می دادیم.
۸. هر وقت هوا خیلی سرد می شد، به زیر می رفتیم.

ج) جاهای خالی جمله های زیر را با مصدر های زیر پر کنید.

قصه گفتن - چسبیدن - جمع شدن - گوش دادن - شمردن - انداختن - آمدن - حرف زدن

۱. مادرم روی ما پتو تا سرما نخوریم.
۲. بچه ها گاهی در پارک و با هم بازی می کردند.
۳. صندلی های کلاس را تعدادشان ۲۲ تا بود.
۴. نمی دانم چرا این عکس به دیوار
۵. وقتی که مادربزرگ برایم، خیلی خوشحال می شدم.
۶. ما همیشه با هم درباره ی درس ها
۷. بعضی بچه ها به قصه
۸. وقتی باران، همه ی مردم خوشحال می شدند.

چ) در جمله های زیر کلمه ها یا واژه های اریب به کدام واژه در متن برمی گردند؟

۱. مادربزرگ ها بچه های بچه شان را دوست دارند.
۲. بعد از ناهار همه ی دخترخاله ها و دختردایی ها سفره را جمع می کردند و به یکدیگر کمک می کردند.
۳. الان هم به همان خانه ی قدیمی می رویم و درباره ی خاطرات خوب و بد با هم حرف می زنیم.
۴. وقتی در حیاط در گوش هم آرام آرام صحبت می کردیم، مادربزرگ ناراحت می شد.

بخش سوم: خواندن بیشتر

در زمان قدیم خانه ها به شکل امروزی نبودند. همه ی خانه ها یک حیاط داشتند. در وسط آن یک حوض کوچک وجود داشت. گاهی اوقات خانه ها خیلی بزرگ بود و اتاق های زیادی داشت و در هر اتاق یک خانواده زندگی می کردند. آشپزخانه ها یا در زیرزمین یا در قسمتی از خانه و دور از اتاق ها بود. خانواده ها پُر جمعیت تر بودند و بیشتر باهم رفت و آمد می کردند. مثل امروز مردم در آپارتمان زندگی نمی کردند. عروس ها معمولاً با مادرشوهر و پدرشوهر زندگی می کردند. فرزندان زیادی داشتند، اما اکنون خانواده ها فرزندان کمتری دارند. زن ها بیشتر خانه دار بودند و بچه داری و آشپزی می کردند. خانه داری در گذشته برای زن ها خیلی سخت تر از حالا بود، چون وسایلی مثل ماشین لباس شویی و ظرف شویی و ... وجود نداشت؛ یا اگر بود فقط خانواده های پول دار این ها را داشتند. مردها کمتر به زن ها در کار های خانه کمک می کردند. ازدواج ها بیشتر فامیلی بود. در خانواده های قدیم امکاناتی مثل ماشین که الان همه دارند، وجود نداشت و مردم کمتر به مسافرت می رفتند. در گذشته وسایل سرگرمی مثل تلویزیون در خانه ها نبود، برای همین خانواده ها بیشتر دورهم جمع می شدند و با هم صمیمی تر بودند.

بخش اول

۱. از روی متن درس رو خوانی کنید. (۳ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).
۲. از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید. (۲ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان بنویسید.

.....
(ب) برای جواب های زیر پرسش مناسبی بنویسید.

۱.؟

در خانه های قدیمی، آشپزخانه ها یا در زیرزمین یا در قسمتی از خانه بود و دور از اتاقها بود.

۲.؟

خانه های قدیمی، یک حیاط، یک حوض کوچک در وسط آن و اتاق های زیادی داشتند.

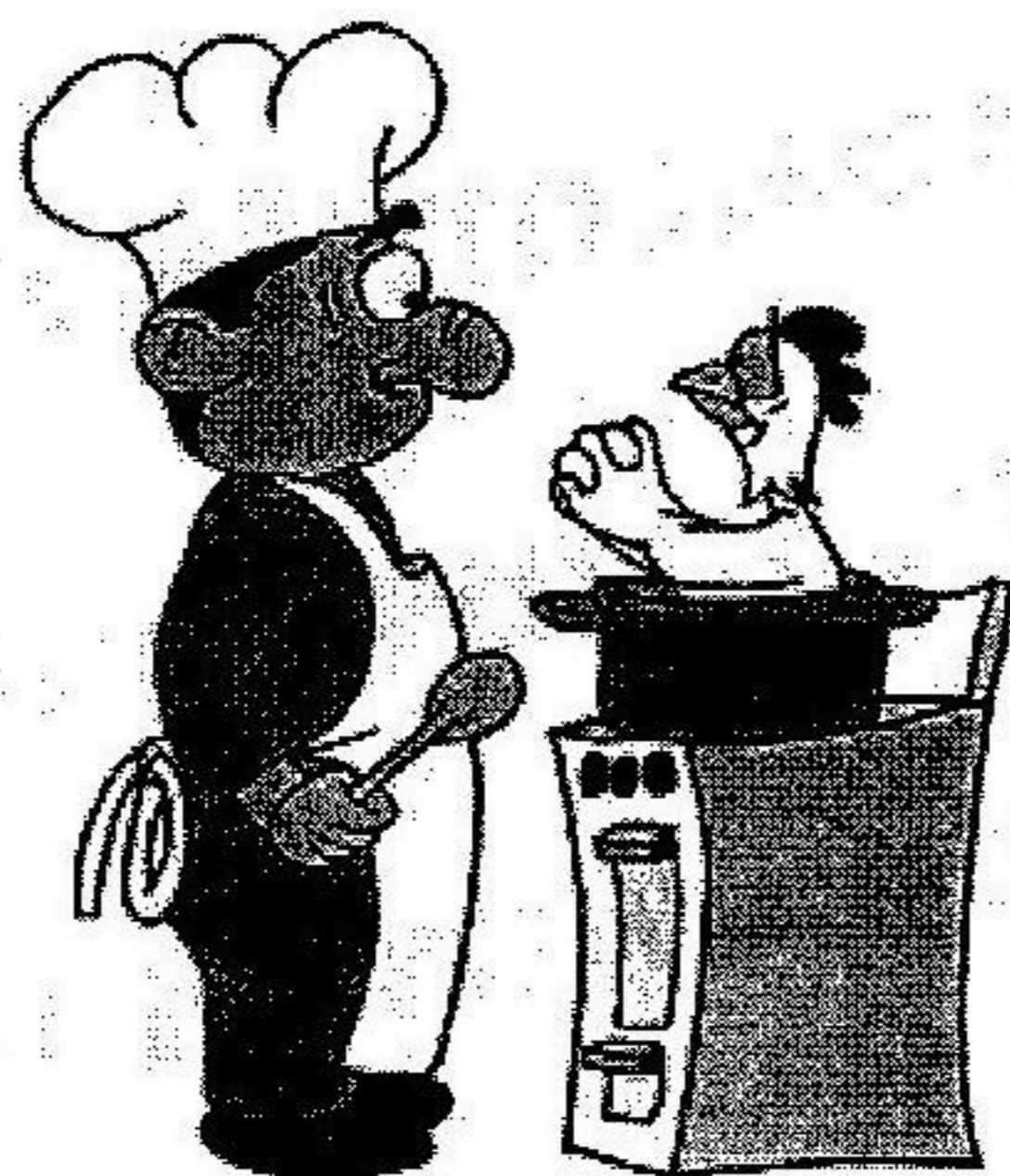
۳.؟

چون وسایلی مثل ماشین لباس شویی، ماشین ظرف شویی و وجود نداشت.

۴.؟

چون وسایل سرگرمی، مثل تلویزیون در خانه ها نبود.

شغل



پرسش های پیش از خواندن

۱. شغل شما چیست؟
۲. چه شغل هایی را می شناسید؟
۳. هر شغلی چه مشکلاتی دارد؟
۴. برای انتخاب شغل چه چیزهایی مهم است؟

واژه های جدید

پزشک	عوض کردن	کارگر	استاد
درآمد	خلبان	معلم	ناراحت
جوان	بیمارستان	مختلف	خوشحال
سخت	امتحان	مردن	خسته
به فکر چیزی / کسی بودن	نمره	درس دادن	نامرتب

کارمند	آرایشگاه	وکیل	راننده
مشکل	مهندس	نجّار	آشپز
مدّت	بیرون رفتن	تصمیم گرفتن	

انتخابِ شغل

پدرِ فرهاد، استاد دانشگاه و مادرش، پزشک است. وقتی فرهاد بچه بود، دوست داشت پزشک بشود. او فکر می کرد پزشک ها خیلی مهم هستند. آنها به مردم کمک می کنند و در آمد خوبی دارند، اما بعضی وقت ها که کسی در بیمارستان می مُرد، مادرش خیلی ناراحت به خانه می آمد و چند ساعت با کسی حرف نمی زد. او دوست نداشت مردن کسی را ببیند و خانواده اش برای شغل او ناراحت باشند، بنابراین تصمیم خودش را عوض کرد. او تصمیم گرفت استاد دانشگاه بشود. او از این تصمیم خیلی خوشحال بود، چون فکر می کرد هر روز به دانشجویان جوان درس می دهد و به آنها کمک می کند، اما یک روز وقتی پیش پدرش بود، شنید که دانشجویان از امتحان های سخت پدرش ناراحت هستند. بعضی از آنها می گفتند که استاد همیشه نمره ی کم به دانشجویان می دهد و بعضی دیگر می گفتند ما نمره های خوبی می گیریم. فرهاد آن موقع نفهمید که پدر به آنها نمره ی کم می دهد یا آنها نمره ی کم می گیرند. بعد از مدّتی فرهاد تصمیمش را عوض کرد. او فکر می کرد بیشتر دانشجویان جوان به فکر نمره هستند و کسی استادش را دوست ندارد. فرهاد مدّت زیادی به شغل ها و آدم های مختلف فکر می کرد. مهندس ها، خلبان ها، معلّم ها، راننده ها، کارگرا، کارمندا، آشپزها، نجّارها، وکیل ها و.....، اما به نظر او هرکاری سخت است. در دبیرستان هم به شغل های مختلف فکر می کرد. او بعد از دبیرستان به دانشگاه هم رفت، اما بعد از مدّت ها بالأخره تصمیم گرفت آرایشگر بشود. او الان یک آرایشگاه دارد و کارش را خیلی دوست دارد. به نظر او وقتی مردم خسته و نامرتّب به آرایشگاه می روند و بعد از نیم ساعت مرتّب و خوشحال از آرایشگاه بیرون می روند، او هم خوشحال است. آنجا کسی ناراحت نیست و همه چیز برای زیباتر شدن است.

بخش اول: درک مطلب

الف) با توجه به متن پاسخ درست را با علامت «د» و پاسخ نادرست را با علامت «ن» مشخص کنید.

- ۱. فرهاد وقتی بچه بود، اول شغل پدرش را انتخاب کرد.
- ۲. مادر فرهاد از مردن مردم در بیمارستان خیلی ناراحت می شد.
- ۳. به نظر فرهاد پزشک ها مهم تر از استادان دانشگاه بودند.
- ۴. پدر فرهاد به دانشجویان نمره ی کم می دهد.
- ۵. فرهاد از بچگی تا بعد از دانشگاه به شغل های مختلف فکر می کرد.
- ۶. به نظر فرهاد همه ی کارها سخت بودند.
- ۷. به نظر فرهاد خوشحال و مرتب بودن مردم خیلی مهم است.

ب) با توجه به متن، به پرسش های زیر پاسخ دهید.

۱. چرا فرهاد در ابتدا دوست داشت پزشک شود؟

.....

۲. چرا بعد فرهاد دوست نداشت پزشک شود؟

.....

۳. چرا سپس فرهاد تصمیم گرفت استاد دانشگاه بشود؟

.....

۴. دانشجویان درباره ی پدرش چه می گفتند؟

.....

۵. چرا بعد فرهاد دوست نداشت استاد دانشگاه بشود؟

.....

۶. نظر فرهاد درباره ی شغل آرایشگری چیست؟

بخش دوم: تمرین واژگان

الف) واژه ها و عبارت ستون اول را به هم معنی آن در ستون دوم وصل کنید.

- | | |
|------------------------------------|------------|
| □ کسی که در اداره ای کار می کند | ۱. در آمد |
| □ چیزی که نظم دارد | ۲. کارگر |
| □ در آخر کار | ۳. بالآخره |
| □ کسی که در کارخانه کار می کند | ۴. کارمند |
| □ پولی که از راه کار به دست می آید | ۵. مرتب |

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

کردن - گرفتن - دادن - داشتن

- | | |
|------------|-------------|
| عوض | تصمیم |
| دوست | درس |
| | فکر |

پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

- ۱
- ۲
- ۳

ت. درباره ی شغل، چه واژه هایی در متن وجود دارند؟ آنها را بنویسید.

ث. جاهای خالی جملات زیر را با واژگان ارائه شده، پر کنید.

انتخاب - درآمد - ناراحت - سخت - تصمیم - موقع - خسته

۱. ماهانه ی او ۴۰۰ هزار تومان است.
۲. امتحان خیلی بود و دانشجویان نمره ی بدی گرفتند.
۳. او خیلی بود، پس استراحت کرد.
۴. برای بچه ها، شغل خیلی زود است و آن ها وقت دارند تا برای شغل آینده شان بگیرند.
۵. او در آن خیلی بود و با کسی صحبت نمی کرد.

ج. جاهای خالی جمله های زیر را با مصدرهای زیر پر کنید.

گرفتن - داشتن - عوض کردن - دادن - به فکر بودن - تصمیم گرفتن - مردن - درس دادن

۱. او شغلش را دوست نداشت، پس آن را
۲. من در این درس نمره ی خیلی خوبی، ولی معلّم به من نمره ی کمتری
۳. وقتی کسی در بیمارستان، مادرم خیلی ناراحت می شود.
۴. او اصلاً بیماران و به آنها کمک نمی کرد.
۵. در دانشگاه درس بخواند و استاد دانشگاه شود.
۶. او معلّم است و به دانش آموزان ریاضی
۷. کار من هم آسان است و هم درآمد زیادی

چ. در جمله های زیر کلمه ها یا واژه های اریب به کدام واژه در متن برمی گردند؟

۱. فرهاد فکر می کرد پزشک ها پول خوبی در می آورند.

۲. فرهاد در آخر تصمیم گرفت آرایشگر شود.

۳. فرهاد تصمیم دیگری گرفت.

بخش سوم: خواندن بیشتر

آشنا شدن با شغل های مختلف در دوران مدرسه به بچه ها کمک زیادی می کند. آنها معمولاً شغل های مختلف را نمی شناسند. درس می خوانند، به دانشگاه می روند و فارغ التحصیل می شوند. کار پیدا می کنند و مشغول کار می شوند. اما تعداد کمی در رشته هایی که دوست دارند، کار می کنند. گاهی هم پیدا کردن کار سخت است. چون رئیس های اداره ها و شرکت ها دوست دارند با افراد با تجربه کار کنند. بعضی از دانشجویان وقتی دانشجو هستند، کار می کنند. آنها با این کار هم با تجربه می شوند، هم می توانند کمی پول در بیاورند.

آشنا شدن با شغل ها و انواع آن باید از زمان مدرسه شروع بشود. خانواده ها و مدرسه ها باید به بچه ها کمک کنند تا شغل خوبی پیدا کنند. بهتر است در مدرسه ها بعضی از روزها افرادی با شغل های مختلف بیایند و با بچه ها حرف بزنند. از مشکلات و خوبی های کار برای بچه ها بگویند و بچه ها از آنها سؤال بکنند. همچنین گاهی بهتر است معلم ها بچه ها را به محل کار آنها ببرند و بچه ها هم از نزدیک با شغل ها آشنا بشوند.

بعضی از مردم شغل آزاد دوست دارند و بعضی ها شغل دولتی. بنابراین بچه ها بهتر می توانند در زمان مدرسه با این چیزها آشنا بشوند.

بخش اول

۱. از روی متن درس رو خوانی کنید (۳ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).
۲. از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (۲ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان بنویسید.

.....

ب) برای جواب های زیر، سؤال بنویسید.

۱.؟

- چون معمولاً آن ها شغل های مختلف را نمی شناسند.

۲.؟

- چون رئیس های اداره ها و شرکت ها دوست دارند با افراد باتجربه کار کنند.

۳.؟

- فایده ی آن این است که هم با تجربه می شوند و هم کمی پول در می آورند.

۴.؟

- بهترین زمان برای آشنا شدن با شغل ها و انواع آن، دوران مدرسه است.

غذا



پرسش های پیش از خواندن

۱. شما چه غذایی دوست دارید؟
۲. آیا شما آشپزی می کنید؟
۳. بهترین غذای کشور شما چیست؟
۴. غذاهای ایرانی با غذاهای کشور شما چه فرقی دارند؟

واژه های جدید

تک	پیاز	رستوران	حسابی	تَوَلَّد
خشک	آش	خوشمزه	جشن گرفتن	اتفاق
سخت	حُبوبات	شَمع	طول کشیدن	جا اُفتادن
نَعنا	آماده	نُخود	خرید کردن	خانگی
خُرد کردن	سیر	بُلند	لوبیا	پاک کردن

سبزی	سُرخ کردن	کیک	سُنّتی	عَدَس
		شُستن	مِهمان	عَجیب

شب تولد

چند شب پیش تولد سیمین هم اُتاقی مان بود. من و هم اُتاقی هایم تصمیم گرفتیم برای سیمین جشن تولد بگیریم. سیمین در خوابگاه نبود. ما وقت زیادی داشتیم. می توانستیم یک جشن تولد حسابی بگیریم. فکر کردیم بهتر است خودمان غذا بپزیم. مدتی بود فقط غذاهای دانشگاه را می خوردیم و دوست نداشتیم غذای تکراری بخوریم. فکر کردیم آش رشته غذای خوبی است. همه ی ما آش رشته دوست داشتیم. بنابراین بیرون رفتیم و خرید کردیم. نخود، لوبیا، عدس، رشته، سبزی، گشک، سیر، پیاز و نعنا خشک. با هم سبزی و حبوبات را پاک کردیم. حبوبات را پختیم و سبزی ها را خرد کردیم و شُستیم. پیاز و سیر را خرد کردیم و در روغن سُرخ کردیم. کار سختی بود. مدتی بود آشپزی نمی کردیم. کارمان کمی طول کشید. اما آش به خوبی پخت و جا افتاد. بعد از چند ساعت آش آماده بود. کیک و شمع هم برای تولد داشتیم. منتظر سیمین بودیم. شب شد و سیمین آمد. او در را باز کرد و با صدای بلند گفت: بچه ها امشب همه ی شما شام مهمان من هستید. از رستوران سنتی سر خیابان برای همه آش رشته گرفتم!

همه ی ما به هم نگاه کردیم و بعد با صدای بلند خندیدیم. ما برای همه ی بچه های خوابگاه آش رشته داشتیم. اتفاق جالبی بود و ما جشن تولد خوبی داشتیم. آن شب همه ی بچه های خوابگاه یک غذای خانگی خوشمزه خوردند.

بخش اول: درک مطلب

الف) با توجه به متن پاسخ درست را با علامت «د» و پاسخ نادرست را با علامت «ن» مشخص کنید.

- ۱. هم اتاقی های سیمین می خواستند برای سیمین جشن تولد بگیرند.
 - ۲. دوستان سیمین در رستوران برای او جشن تولد گرفتند.
 - ۳. سیمین برای پختن غذا به دوست هایش کمک کرد.
 - ۴. دوستان سیمین به راحتی آشپزی کردند.
 - ۵. همه ی بچه های خوابگاه آش رشته خوردند.
 - ۶. وقتی سیمین هم آش خرید، دوست هایش ناراحت شدند.
- (ب) با توجه به متن به پرسش های زیر پاسخ دهید.

۱. چرا بچه های خوابگاه می خواستند آش رشته بپزند؟

..... -

۲. دوست های سیمین چه چیزهایی خریدند؟

..... -

۳. سیمین چه وقت به خوابگاه برگشت و به دوستانش چه گفت؟

..... -

۴. چرا پختن غذا برای بچه های خوابگاه سخت بود؟

..... -

بخش دوم: تمرین واژگان

(الف) واژه ها و عبارت ستون اول را به هم معنی آن در ستون دوم وصل کنید.

- | | |
|-------------------|--|
| ۱. حسابی | <input type="checkbox"/> پختن مواد غذایی در روغن |
| ۲. مهمان کسی بودن | <input type="checkbox"/> غذایی که در خانه آماده می شود |
| ۳. آماده بودن | <input type="checkbox"/> خریدن |

۴. خرید کردن □ تمیز کردن مواد غذایی و سبزی ها
۵. سرخ کردن □ خوب آماده شدن غذا
۶. جا افتادن □ زیاد و کامل
۷. غذای خانگی □ حاضر بودن
۸. پاک کردن □ وقتی کسی ما را برای خوردن چیزی دعوت می کند

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

افتادن - کردن - گرفتن - کشیدن

..... خرید جا جشن
..... طول خرد پاک
 آشپزی سرخ

پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

۱.
۲.
۳.
۴.
۵.
۶.
۷.
۸.

ت) درباره ی آشپزی چه کلمه هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....
.....

ث) درباره ی جشن تولد چه کلمه هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....
.....

ج) جاهای خالی جمله های زیر را با واژه های زیر پر کنید.

جشن تولد - حسابی - غذا - سبزی - شمع - مهمان - اتفاق

۱. من و دوستانم هر سال در این باغ می گیریم.
۲. های تازه برای سلامتی خیلی مفید هستند.
۳. او برای جشن تولد خواهرش، خودش درست کرد.
۴. دیشب برای ها یک شام خوشمزه پختیم.
۵. در مسافرت استادم را دیدم، جالبی بود.
۶. فیلم دیشب خیلی قشنگ بود، خندیدیم.
۷. من های این رستوران را دوست ندارم.

د) جاهای خالی جمله ها را با مصدر های زیر پر کنید.

خرید کردن - خرد کردن - پاک کردن - طول کشیدن - جا افتادن - آماده بودن

۱. این بازار به خانه ی ما خیلی نزدیک است، ما همیشه از آنجا
۲. دیروز خیلی تا به خانه رسیدیم، چون پیاده به خانه رفتیم.
۳. در خانه همیشه پدرم گوشت ها را
۴. من غذا پختن بلد نیستم هیچ وقت غذا های من

۵. دیشب به رستوران رفتیم ، اما غذای رستوران، بنابراین جای دیگری رفتیم.
۶. من دوست ندارم سبزی پس همیشه سبزی های آماده می خرم.

(د) در جمله های زیر کلمه ها یا واژه های اریب به کدام واژه یا عبارت در متن بر می گردند؟

۱. بچه ها دیشب در پارک بازی کردند. به آنها خیلی خوش گذشت.

.....

۲. برای پختن غذا سبزی ها را تمیز کردیم.

۳. او همیشه در آش نخود و لوبیا و عدس زیاد می ریزد.

۴. دوستم من را برای شام دعوت کرد و گفت پول غذا را من می دهم.

۵. وقتی مهمان داشتیم، از دو ساعت قبل غذای ما حاضر بود.

.....

۶. آنها فقط غذاهایی را که در خانه آماده می شوند، می خورند.

بخش سوم: خواندن بیشتر

در ایران غذاهای مختلفی وجود دارد. اما معمولاً در رستوران‌ها فقط غذاهای آماده و کباب وجود دارد. در سفره‌خانه‌های سنتی گاهی غذاهای سنتی هم وجود دارد. اما مردم غذاهای خانگی و سنتی را بیشتر در خانه می‌پزند. هر منطقه از ایران غذای مخصوصی دارد. برای خانواده‌های ایرانی غذا خوردن در کنار هم مهم است. آنها غذای خود را با سالاد، ماست و نوشیدنی‌های مختلف مانند آب، دوغ و نوشابه می‌خورند. مزه‌ی غذا برای ایرانی‌ها خیلی مهم است. چاشنی‌ها و ادویه‌های مختلف غذاها را خوشمزه‌تر می‌کنند. بعضی از مردم دسرهای سنتی مانند شله‌زرد، مَرَبَا و ... و بعضی دیگر دسرهای جدید مانند ژله‌ها را دوست دارند.

آب و هوای هر منطقه‌ای با غذاهای آن منطقه ارتباط دارد. مثلاً در منطقه‌های گرم و خشک مردم غذاهای تندی با ادویه‌ی زیاد و شیرینی‌های خیلی شیرین می‌خورند. در منطقه‌های ساحلی مردم از ماهی و حیوانات دریایی بیشتر استفاده می‌کنند و در منطقه‌های سرد مردم دوست دارند بیشتر غذاهای چرب و پُر انرژی بخورند.

بخش اول

الف) از روی متن درس روخوانی کنید (۲:۳۰ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

ب) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (۲ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

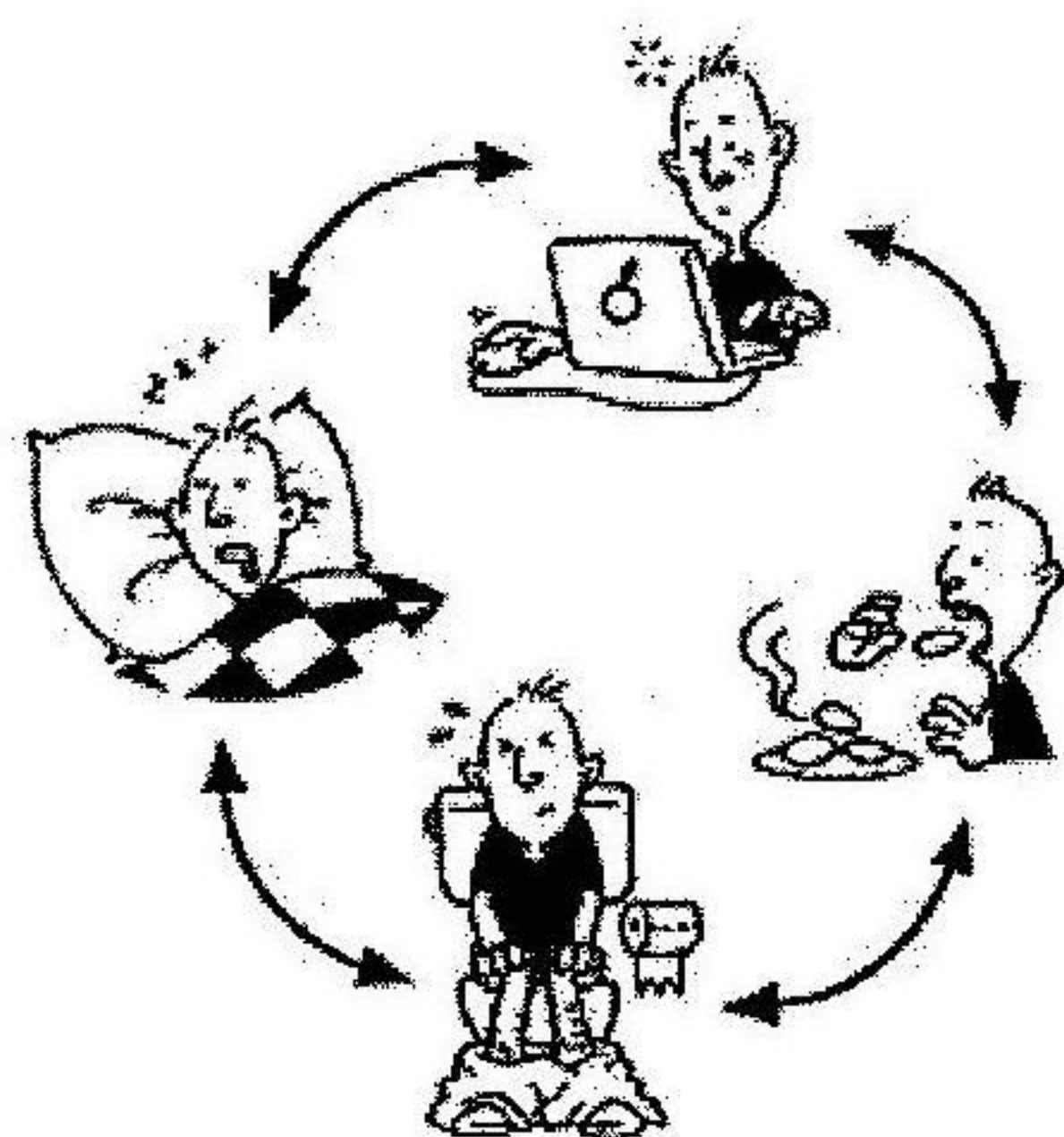
بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان مناسب انتخاب کنید.

.....
ب) برای پاسخ های زیر یک سؤال مناسب بنویسید.

- ۱.
- نه، در رستوران ها فقط غذاهای آماده و کباب وجود دارد.
- ۲.
- چون مزه ی غذا برای ایرانی ها مهم است.
- ۳.
- آنها غذای خود را همراه ماست و سالاد و نوشیدنی های مختلف می خورند.
- ۴.
- مردم این منطقه از غذاهای تند با ادویه ی زیاد استفاده می کنند.
- ۵.

کارهای روزانه



پرسش های پیش از خواندن

۱. وقتی به یک کشور خارجی می روید چه چیزهایی باید بدانید؟
۲. وقتی برای اولین بار به ایران آمدید چه چیزهایی برای شما عجیب بود؟
۳. چه چیزهایی برای شما جالب بود؟
۴. وقتی به یک کشور دیگر می روید خاطرات خود را می نویسید؟

واژه های جدید

عصبانی	غذای حاضری	مهمان نواز
قابل ندارد	سر کسی شلوغ بودن	یاد گرفتن
گفت و گو	تعجب کردن	عادت کردن

تشکر کردن	عجله داشتن	تفاوت
پیاده شدن	دیدن	یادداشت روزانه
وقت داشتن	درست کردن	تعارف کردن
		کرایه

یادداشت های روزانه ی دیوید

دیوید برزیلی است . امسال برای یاد گرفتن زبان فارسی به ایران آمد. متن زیر بخشی از یادداشت های روزانه ی سفر او به ایران است:

۷ مهرماه

این اولین سفر من به ایران است، بعضی از چیزها برای من جدید و بعضی از چیزها عجیب است. ولی خوشحال هستم که الان در ایران هستم و می خواهم زودتر زبان فارسی را یاد بگیرم.

۲۵ آبان

مدتی است که با یک خانواده ی ایرانی زندگی می کنم. خانواده ی آقای فرهاد سمنانی و همسرش سارا و دختر کوچکشان مریم. مریم ۹ سال دارد و کلاس سوم ابتدایی است. آنها خیلی مهربان و مهمان نواز هستند.

روزهای اول خیلی سخت بود ولی بعد از مدتی به زندگی در این کشور عادت کردم. در یک کشور خارجی هر روز چیز جدیدی یاد می گیریم. مثلاً یک روز سارا خانم گفت: امروز من و فرهاد کمی دیر به خانه برمی گردیم ، چون خیلی سرمان شلوغ است . من وقت برای غذا پختن ندارم. بهتر است امروز غذای حاضری بخوری. پس من به رستوران رفتم و برای همه غذا خریدم، وقتی آنها

برگشتند خیلی تعجب کردند و گفتند غذای حاضری یعنی غذایی که درست کردن آن خیلی ساده و راحت است. آن شب باهم غذا خوردیم و خیلی خندیدیم.

۲۳ آذر

امروز یکی از بهترین دوستانم از برزیل زنگ زد. خیلی خوشحال شدم. با هم درباره ی تفاوت های ایران و برزیل حرف زدیم. امروز مدرسه ها و اداره ها تعطیل بود، چون هوا خیلی آلوده بود و من هم سر کلاس نرفتم.

۲۵ دی

امروز صبح خیلی عَجَله داشتم. زود آماده شدم و با تاکسی رفتم. وقتی از تاکسی پیاده شدم از راننده ی تاکسی پرسیدم: چقدر می شود؟ راننده گفت: "قابلی ندارد" من هم تشکر کردم و پیاده شدم. راننده خیلی تَعَجُّب کرد و گفت: "آقا لطفاً کرایه تان را بدهید". اول عصبانی شدم و بعد فهمیدم این یک تعارفِ ایرانی است و ایرانی ها در گفت و گو هایشان خیلی تعارف می کنند. این برای خارجی ها خیلی عجیب است ولی برای ایرانی ها اصلاً عجیب نیست.

بخش اول: درک مطلب

الف) با توجه به متن پاسخ درست را با علامت "د" و پاسخ نادرست را با علامت "ن" مشخص کنید.

- ۱. دیوید در ایران در خوابگاه زندگی می کند.
- ۲. این اولین سفر دیوید به ایران بود.
- ۳. تعارف های ایرانی برای خارجی عجیب است.
- ۴. دیوید نمی تواند به زندگی در ایران عادت کند.
- ۵. دیوید با دوست برزیلی اش درباره تعارف های ایرانی صحبت می کند.

ب) با توجه به متن به پرسش های زیر پاسخ دهید.

۱. چرا دیوید به ایران آمد؟

..... -

۲. وقتی دیوید از راننده درباره ی کرایه پرسید، راننده چه جوابی داد؟

..... -

۳. آیا دیوید از زندگی کردن با یک خانواده ی ایرانی خوشحال است؟

..... -

۴. چرا دیوید بیست و سوم آذر سر کلاس نرفت؟

..... -

۵. وقتی دیوید از رستوران غذا خرید چرا خانواده ی آقای سمنانی تعجب کردند؟

..... -

بخش دوم: تمرین واژگان

الف) واژه ها و عبارت ستون اول را به هم معنی شان در ستون دوم وصل کنید.

گرفتار بودن

۱. زنگ زدن

کثیف

۲. عجیب

غیرطبیعی / طبیعی نیست

۳. غذای حاضری

فرق

۴. عادت کردن

کسی که مهمان دوست دارد

۵. سر کسی شلوغ بودن

۶. تفاوت

□ تلفن کردن

۷. آلوده

□ غذایی که درست کردن آن آسان است

۸. مهمان نواز

□ قبول کردن چیزی با تکرار زیاد

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

کردن - زدن - شدن - داشتن - گرفتن

عجله.....	زنگ.....	عادت.....
پیاده.....	عصبانی.....	تعارف.....
یاد.....	وقت.....	تشکر.....

پ) با هریک از مصدر های تمرین قبل جمله بسازید.

۱.
۲.
۳.
۴.
۵.
۶.
۷.
۸.

ت) درباره ی کارهای روزانه چه کلمه هایی در متن وجود دارند؟ آنها را بنویسید.

.....
.....

ث) جاهای خالی جمله های زیر را با واژه های زیر پر کنید.

عجیب- مهمان نواز- تفاوت- یادداشت- عصبانی- آلوده- گفت و گو- راحت

۱. مادرم هر شب کارهای روز بعد را در یک دفتر می نویسد.
۲. هوای تهران هم در روز و هم در شب است.
۳. دیروز علی هیچ یک از تکلیف هایش را انجام نداده بود، برای همین معلم خیلی بود.
۴. زبان فارسی و انگلیسی خیلی زیاد است.
۵. درس امروز سخت نبود، خیلی بود.
۶. دوست من جمعه ها ما را به خانه اش دعوت می کند . او خیلی است.
۷. دیروز در دانشگاه یک داستان شنیدم.
۸. برای یاد گرفتن زبان فارسی، با دانشجو های ایرانی کنید.

ج) جاهای خالی جمله ها را با مصدر های زیر پر کنید.

یاد گرفتن- عادت کردن- برگشتن- عجله داشتن- عصبانی شدن- پختن- (سر)..... شلوغ بودن

۱. تا سه ماه پیش هر روز یک پاکت سیگار می کشیدم. الان دیگر نمی کشم خیلی سخت بود
ولی بالاخره
۲. برای یک زبان خارجی باید خیلی تمرین کنید.

۳. تو در ایران خودت غذا درست می کنی. در کشورت هم خودت غذا.....؟
۴. خانم معلم همیشه چون بعضی از بچه تکلیفشان را انجام نمی دهند.
۵. لطفاً زود به خانه چون مادرت نگران می شود.
۶. امروز خیلی سر آقای رییس وقت ندارد شما را ببیند.
۷. امروز باید با تاکسی سر کار بروم. چون خیلی

(د) در جمله های زیر کلمه ها یا واژه های اریب به کدام عبارت یا واژه در متن برمی گردند؟

۱. خانواده ی دوست من خیلی مهمان دوست هستند.
۲. مادرت دو ساعت پیش تلفن کرد.....
۳. استاد روز گذشته خیلی گرفتار بود.....
۴. تعارف های ایرانی برای خارجی ها طبیعی نیست.....
۵. وقتی پول را به فروشنده دادم آن را نگرفت و گفت اصلاً مهم نیست و ارزش ندارد.....

بخش سوم: خواندن بیشتر

شب یلدا بود. آن موقع من ۵ ساله بودم. با پدرم به بازار رفتیم. در راه از او درباره ی این شب سؤال کردم و او گفت: "شب یلدا بلندترین شب سال است. این شب اولین شب زمستان است. همه در این شب در خانه ی بزرگترین فرد فامیل جمع می شوند و این روز را جشن می گیرند." پدر وقتی با من صحبت می کرد خرید هم می کرد. بازار خیلی شلوغ بود. همه ی مردم آجیل شب یلدا و هندوانه و انار می خریدند.

شب مهمان داشتیم. مهمان ها یکی یکی آمدند و دور هم جمع شدیم. بعد از شام همه منتظر بودند که پدر بزرگ برایشان فال حافظ بگیرد. مادر احساس خوبی نداشت. پدر بزرگ کتاب دیوان حافظ را برداشت و بعد از کمی سکوت آن را باز کرد. من نگران مادر بودم. هنوز ناراحت بودم. می دانستم به زودی یک نفر دیگر به خانواده مان اضافه می شود. آن موقع من نمی فهمیدم ماما چه می گوید. اما همیشه نگران مادرم بودم. چون او روز به روز چاق تر می شد و به سختی راه می رفت. من دوست نداشتم بچه ی جدید خانواده مادر را مریض و ناراحت کند.

آن شب مادر حتی دوست نداشت به فال حافظ گوش بدهد. یادم می آید مادر به اتاق رفت و مادر بزرگ هم دنبال او رفت. همه چیز در یک لحظه به هم ریخت. مادر بزرگ و پدرم مادر را به بیمارستان بردند و من پیش پدر بزرگ ماندم. بعد از رفتن آنها پدر بزرگ دیوان حافظ را دوباره برداشت و آن را باز کرد و فال آن شب را برای مهمان ها خواند. من معنی آن شعرها را نمی فهمیدم و هنوز ناراحت بودم. پدر بزرگ مرا بوسید و معنی آن شعر را به زبانی ساده برایم گفت. او به من گفت: "علی جان، حافظ بزرگ می گوید: وقتی فردا صبح از خواب بیدار می شوی، ماما با یک بچه ی کوچک به خانه می آیند و این بچه ی کوچک دوست جدید تو است." پدر بزرگ همیشه می گفت شعرهای حافظ همیشه راست می گویند، بنابراین من آرام شدم.

روز بعد پدر و مادر به خانه آمدند. یک بچه هم در بغل پدرم بود. به او گفتم: این کیست؟ پدر گفت: این خواهرت یلداست.

بخش اول

الف) از متن درس روخوانی کنید. (۴ دقیقه برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

ب) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید. (۴ دقیقه برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان بنویسید.

.....

ب) برای جواب های زیر سؤال بسازید.

۱.؟

- در این شب مهمان ها در خانه ی بزرگ ترها جمع می شوند و جشن می گیرند.

۲.؟

- بعد از شام، پدر بزرگ برای مهمان ها فال حافظ گرفت.

۳.؟

- چون او معنی شعرها را نمی فهمید.

۴.؟

- چون پدر بزرگ گفت که وقتی روز بعد بیدار می شود، مادرش با یک بچه به خانه می آید و حافظ همیشه راست می گوید.

۵.؟

- بچه ای که بغل پدر بود خواهرش یلدا بود.

مرور یک

بخش اول

در جمله های زیر واژه هایی که زیر آنها خط کشیده شده است، چه معنایی دارند؟ گزینه ی درست را انتخاب کنید.

۱. من و دوستانم گاهی اوقات در این کتابخانه درس می خوانیم.

الف) بعضی وقت ها ب) همیشه ج) هر هفته

۲. درآمد من خوب است. می توانم همیشه به مسافرت بروم.

الف) پول زیاد ب) وقت زیاد ج) پولی که از کارم می گیرم

۳. این کار مشکلات زیادی دارد، اما من آن را خیلی دوست دارم.

الف) سختی ها ب) خوشحالی ها ج) حقوق

۴. استاد ما مرد با تجربه ای بود.

الف) کارش را خیلی دوست داشت ب) خیلی وقت بود که استاد بود و کارش را بلد بود

ج) به سختی و با مشکلات زیادی کار می کرد

۵. در مسافرت هفته ی پیش برای بلیط قطار همه ی ما مهمان پدر بزرگ بودیم.

الف) به خانه ی پدر بزرگ رفتیم ب) او پول قطار را داد ج) او مواظب همه بود

۶. ایرانی ها مهمان نواز هستند.

الف) خیلی مهمان دارند ب) مهمان دوست دارند ج) زیاد به مهمانی

می روند

۷. من مزه ی غذاهای این رستوران را دوست ندارم.

الف) قیمت ب) طعم ب) اندازه

۸. مردم جنوب ایران از ادویه ی زیادی استفاده می کنند.

الف) داروها ب) چاشنی ج) دسر

۹. مردم منطقه های ساحلی ماهی زیاد دوست دارند.

الف) دریایی ب) منطقه ی کنار دریا ج) جزیره ای

۱۰. سرمان شلوغ است یعنی:

الف) خیلی شلوغ است ب) وقت زیادی نداریم ج) زیاد کار داریم

۱۱. مادر بزرگ همیشه برایمان قصه می گفت.

الف) با ما حرف می زد

ب) برایمان داستان تعریف می کرد

ج) برایمان کتاب می خواند

۱۲. پدر همیشه در خواب خر خر می کرد.

الف) با خودش حرف می زد ب) صدایی از دهانش بیرون می آمد ج) ناراحت بود

۱۳. بچه ها همیشه به مادر کمک می کردند و سفره را جمع می کردند.

الف) وسایل سفره را به آشپزخانه می بردند

ب) وسایل را در سفره می گذاشتند

ج) سفره را پاک می کردند

۱۴. وقتی هوا سرد می شد، بچه ها در کلاس به هم می چسبیدند.

الف) نزدیک هم می نشستند

ب) با هم حرف می زدند

ج) می دویدند

۱۵. در زمان قدیم مردم بیشتر رفت و آمد می کردند.

الف) به خانه ی همدیگر می رفتند

ب) با هم حرف می زدند

(ج) با هم دوست بودند

۱۶. مادر دوستم خانه دار نبود. بیشتر وقت ها دوستم در خانه تنها بود.

(الف) در خانه نبود

(ب) بیرون از خانه کار می کرد

(ج) برای خودش خانه ای داشت

۱۷. پرستارمان بچه داری خیلی دوست داشت.

(الف) داشتن بچه (ب) نگه داشتن بچه (ج) دوست داشتن بچه

۱۸. موهای دوستم خیلی نا مرتب بود، به همین دلیل پیش یک آرایشگر رفت.

(الف) بلند (ب) کثیف (ج) به هم ریخته

۱۹. در فصل تابستان بچه ها به کلاس های مختلفی می روند.

(الف) مثل هم (ب) زیاد (ج) گوناگون

۲۰. دیروز به خاطر عصبانی شدن پدر، همه چیز به هم ریخت.

(الف) خراب شد (ب) دیر شد (ج) به زمین ریخت

بخش دوم

یکی از واژه ها در گروه خودش نیست. دور آن خط بکشید.

۱. او پیر شده است. پزشک به او گفته است غذاهای چرب / تلخ / ترش / تند نخورد.

۲. برای مردم ایران نوشیدنی / مزه / دسر / سالاد غذا مهم است.

۳. در این رستوران، غذاهای خانگی / سنتی / ساحلی / حاضری وجود دارند.

۴. مردم منطقه های ساحلی بیشتر غذاهای خشک / سرد / گرم / دریایی می خورند.

۵. ما برای تعطیلات / آخر هفته / بهار / جمعه ها به خارج شهر می رویم.

۶. دوستم همیشه به موقع / زود / دیر / پیاده به کلاس می آید.

۷. آنها همیشه فقط در تابستان / بهار / زمستان / عید به سفر می روند.

۸. پدر بزرگ همه ی نوه ها / عروس ها / دختر دایی ها / دامادها را دوست داشت.

۹. آنها همیشه از حبوبات / سبزی ها / برنج / ماهی ها در غذاهای خودشان استفاده می کنند.
۱۰. کار این شرکت پر درآمد / با تجربه / متفاوت / مشکل است.

بخش سوم

جاهای خالی جمله های زیر را با کلمه های هم خانواده ی زیر پر کنید.

الف) فارغ التحصیل شدن - فارغ التحصیل

۱. من سال گذشته از این دانشگاه
۲. دانشجویان این دانشگاه هفته ی آینده یک جشن می گیرند.

ب) جمعیت - جامعه - جمع شدن

۱. امروز بچه های کلاس در حیاط مدرسه
۲. این کشور زیادی دارد.
۳. امروزه زنها دوست دارند در کار کنند.

پ) حاضر - حاضری - حاضر بودن

۱. در امتحان دیروز همه ی بچه ها
۲. هم اتاقی من اصلاً غذاهای دوست ندارد.
۳. در این اداره همیشه ساعت دوازده نهار است.

ت) سرگرمی - سرگرم بودن - سرگرم کردن

۱. در کلاس های تابستانی همیشه بچه ها
۲. من برای بچه ی دوستم یک خوب خریدم.
۳. وقتی بچه بودم، این کتاب همیشه من را
۴. این بازی بچه ها را
.....

ث) آرایشگاه - آرایشگر - آرایش کردن

۱. دیروز من پیش رفتم.
۲. او همیشه موهایش را خودش
۳. نزدیک خانه ی من یک است.

ج) آشپز - آشپزی - آشپزی کردن

۱. رستوران دانشگاه غذاهای خوشمزه می پزد.
۲. من و دوستم همیشه با هم
۳. من را خیلی دوست دارم. برای همین خودم همیشه غذا درست می کنم.

چ) آشنا - آشنایی - آشنا شدن

۱. دیروز در دانشگاه با یک دانشجوی ایرانی
۲. ما از با شما خیلی خوشحال هستیم.
۳. دیروز در بازار یک دیدم.

ح) تفاوت - متفاوت - تفاوت داشتن

۱. شمال و جنوب ایران باهم؛ اولی سرد و دومی گرم است.
۲. این دو لباس مثل هم هستند من اصلاً آنها را نمی فهمم.
۳. زبان فارسی و زبان ترکی دو زبان هستند.

خ) عصبانی - عصبانیت - عصبانی شدن

۱. چرا اینقدر هستی؟! کمی آرام باش.
۲. مادرش به خاطر دیر کردن او بود.

۳. از کارهای بد او خیلی، ولی چیزی به او نگفتم.

(د) تعجب - عجیب - تعجب کردن

۱. احمد از دیدن دوستش در مهمانی دیشب

۲. در ایران مردم هر روز در پارک ورزش می کنند و این برای من خیلی ولی جالب بود.

۳. چرا با به من نگاه می کنی.

(ذ) تحصیل کردن - تحصیلات - تحصیل

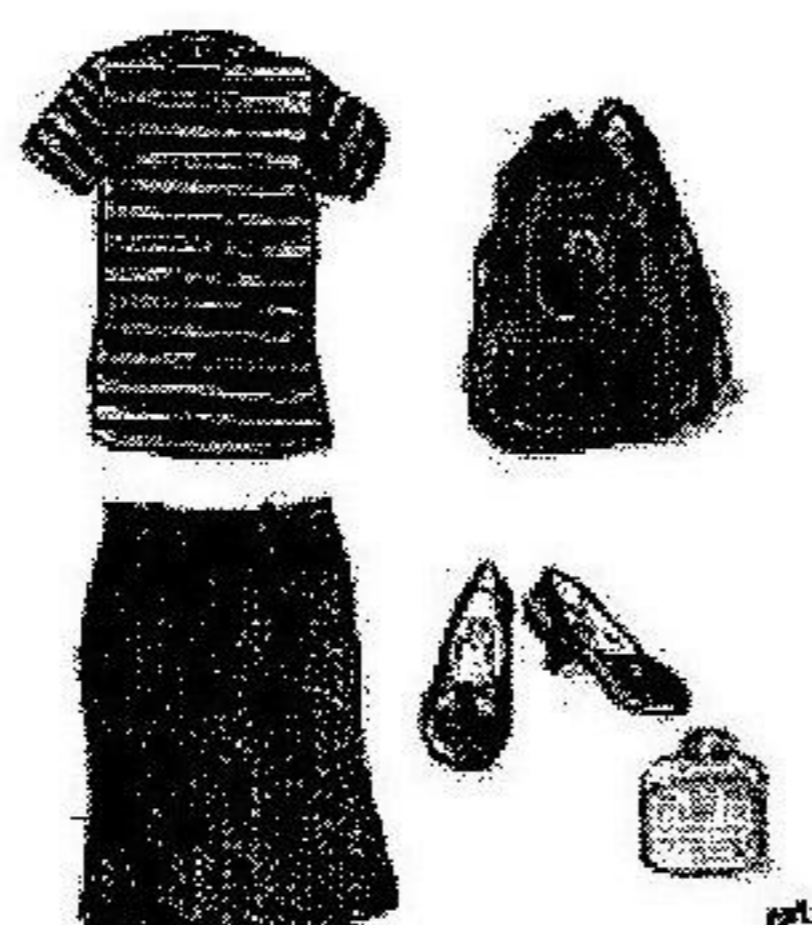
۱. قبلاً پدرم در این دانشگاه

۲. دوستم خودش را در ایران تمام کرد. هفته ی آینده به کشورش برمی گردد.

۳. بچه های این کلاس دوست دارند در دانشگاه تهران کنند.

۴. در این دانشگاه برای من از همه چیز مهم تر است.

لباس



پرسش های پیش از خواندن

۱. وقتی بچه بودید چه کسی برای شما لباس انتخاب می کرد؟
۲. الان در انتخاب یک لباس به چه چیزی بیشتر دقت می کنید؟
۳. در کشور شما مردم چه نوع لباس هایی می پوشند؟
۴. معمولاً لباس های چه رنگی می پوشید؟

واژه های جدید

پالتو	مُخَالَفَت کردن	انتخاب کردن	بَنَفَش
شلوار	قبول کردن	سُرمه ای	سیاه
کاپشن	متفاوت	علاقه داشتن	گوش کردن
تی شرت	نوجوانی	تنگ	پیشنهاد دادن
بلوز	بلند	قهوه ای	آبی
شلوارک	زرد	فرق داشتن	خسته
گشاد	مناسب	مَسْخَره کردن	مُد
پیراهن			

انتخاب لباس

وقتی بچه ها دوست دارند خودشان لباسشان را انتخاب کنند، ممکن است پدر و مادرها با آنها مخالفت کنند. این مخالفت پدر و مادرها با بچه ها درباره ی لباس پوشیدن، موضوع جدیدی نیست. بچه ها بیشتر در نوجوانی دوست دارند لباس هایشان را خودشان انتخاب کنند. آنها لباس ها و مد های جدید را دوست دارند و فکر می کنند با مد و لباس جدید خیلی متفاوت می شوند.

در نوجوانی فکر می کردم فقط همیشه خودم باید تصمیم بگیرم. وقتی می خواستم لباس بخرم، اصلاً به حرف پدر و مادرم گوش نمی کردم. مثلاً وقتی مادرم به من می گفت: "محمد این لباس گشاد برای تو خوب است"، من قبول نمی کردم و لباس تنگ می خریدم یا وقتی پدرم می گفت: "این لباس بلند به تو نمی آید"، من حتماً آن لباس بلند را می پوشیدم. در باره ی انتخاب رنگ و نوع لباس هم همینطور بود. آنها فکر می کردند رنگ های روشن مثل، آبی، زرد، سبز و سفید برای بچه ای در سن من خیلی مناسب است. اما من دوست داشتم رنگ های تیره مثل قهوه ای، بنفش، سیاه و سرمه ای انتخاب کنم. در زمستان آنها دوست داشتند من کاپشن، شال و شلوار جین و چکمه های مناسب بپوشم، اما من همیشه پالتو، شلوار پارچه ای و کفش کتانی می پوشیدم. در تابستان به جای تی شرت، بلوزهای بلند و گشاد می پوشیدم. مدتی همین کار را کردم. در مدرسه لباس های من با دوستانم خیلی فرق داشت. گاهی آنها من را مسخره می کردند. اما برای من مهم نبود. من دوست داشتم متفاوت باشم.

الان من هم یک بچه دارم. او هم مثل من دوست دارد لباس های متفاوت بپوشد. اما من با او مخالف نیستم. موقع انتخاب لباس فقط به او پیشنهاد می دهم. می دانم که او هم مثل من یک روزی خسته می شود و می تواند لباس های مناسب انتخاب کند.

بخش اول: درک مطلب

الف) با توجه به متن پاسخ درست را با علامت «د» و پاسخ نادرست را با علامت «ن» مشخص کنید.

۱. پدر و مادرها همیشه دوست دارند بچه ها خودشان لباس انتخاب کنند.

۲. بچه ها همیشه دوست دارند خودشان لباس انتخاب کنند.

- ۳. محمد در انتخاب لباس همیشه نظر پدر و مادرش را می پرسید.
- ۴. پدر محمد به او می گفت پالتو و کفش کتانی در زمستان برای او مناسب هستند.
- ۵. محمد دوست ندارد بچه اش خودش لباسش را انتخاب کند.

(ب) با توجه به متن به پرسش های زیر پاسخ دهید.

۱. چرا بچه ها دوست دارند مدهای جدید را انتخاب کنند؟

..... -

۲. مادر محمد دوست داشت محمد چه لباسهایی بپوشد؟

..... -

۳. چرا محمد دوست نداشت به حرفهای پدر و مادرش گوش کند؟

..... -

۴. نظر محمد درباره ی لباسهای بچه اش چیست؟

..... -

بخش دوم: تمرین واژگان

الف) واژه ها ستون اول را به هم معنی شان در ستون دوم وصل کنید.

گوش کردن فرق داشتن

مخالفت کردن بین ۱۲ تا ۱۶ سال

نوجوانی شنیدن

متفاوت بودن گفتن چیزی که باید درباره ی آن فکر کرد و اگر مناسب بود، آن را پذیرفت

مسخره کردن دوره ای کوتاه از آمدن وسایل یا لباس های جدید به بازار

پیشنهاد دادن قبول نکردن چیزی

مد به کار یا حرف کسی خندیدن

(ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

داشتن - دادن - کردن - گرفتن

فرق..... قبول..... انتخاب.....

مسخره..... مخالفت..... گوش.....

پیشنهاد.....

(پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

۱.
۲.
۳.
۴.
۵.
۶.
۷.

(ت) درباره ی لباس و صفت های مربوط به آن چه کلمه هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

.....

ث) درباره ی رنگ ها چه کلمه هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

ج) جاهای خالی جمله ها را با واژه ی مناسب پر کنید.

نوجوانی - گشاد - خسته - تنگ - مد - مناسب

۱. در دوران بچه ها دوست دارند با دیگران فرق داشته باشند.
 ۲. برای هر کسی انتخاب لباس خیلی مهم است.
 ۳. معمولاً نوجوان ها های جدید را دوست دارند.
 ۴. من لباس های خیلی را دوست ندارم، دوست دارم لباس کمی تنگ و اندازه ام باشد.
 ۵. دیروز در بازار برای پیدا کردن یک پالتوی مناسب خیلی گشتیم و شدیم.
 ۶. پزشکان می گویند لباس های خیلی برای سلامتی خوب نیستند.
- ج) جاهای خالی جمله های زیر را با شکل درست مصدر های زیر پر کنید.
- مخالفت کردن - انتخاب کردن - فرق داشتن - مسخره کردن - پیشنهاد دادن
۱. هفته ی پیش پدر با رفتن ما به اردوی مدرسه
 ۲. دیروز استاد به ما که با هم به یک مسافرت برویم.
 ۳. دوستم همیشه لباس های عجیبی می پوشد، همه او را
 ۴. در زمان قدیم لباس پوشیدن در هر کشوری با کشور دیگر
 ۵. ما برای مسافرت همیشه این شهر ساحلی را
- ح) در جمله های زیر واژه ها یا عبارات های اریب به کدام واژه یا عبارت در متن پر می گردند؟

۱. دوستم می گفت لباس های کوتاه برای من مناسب نیست.
۲. من به دوستم کمک زیادی نمی توانم بکنم، فقط همیشه نظرم رابه او می گویم.
.....
۳. درس های این کتاب با کتاب دیگر خیلی متفاوت بود.....
۴. فروشنده به من گفت یکی از این کتاب ها را از میان بقیه ی کتابها بردارم.
۵. شاید پدر و مادرم قبول نکنند، من به کشور دیگری بروم.
۶. می خواهم حرف کسی را قبول نکنم و تنهایی سفر کنم.

اولین چرخ خیاطی دنیا

اولین چرخ خیاطی را حدود دویست سال پیش در انگلستان ساختند. این چرخ خیاطی فقط پارچه های چرمی را می دوخت. آن زمان از این وسیله استفاده ی زیادی نمی کردند. چند سال بعد در فرانسه فرد دیگری وسیله ی دیگری ساخت. اما کارگرهای خیاط در آن زمان از ساختن این وسیله خوشحال نبودند و هر شب به خانه ی سازنده ی چرخ خیاطی می رفتند و او را آذیت می کردند. تا اینکه سازنده ی این چرخ به خاطر فقر و ناراحتی از دنیا رفت. چند سال بعد در کشور آمریکا وسیله ای مثل چرخ خیاطی های امروزی را ساختند و مردم از آن استفاده کردند. این چرخ خیاطی همه ی پارچه ها مانند پارچه های نخی، پشمی، ابریشمی، چرمی را می دوخت.

ساختن این وسیله در دنیای خیاطی خیلی مهم بود. چون مردم می توانستند لباس های مختلف را در زمان کمی بدوزند و بپوشند. امروزه در دنیا به خاطر سرعت کار این ماشین ها، دوختن لباس خیلی آسان شده است. بنابراین هر روز مدها و لباس های جدید با رنگ های مختلف در بازار وارد می شوند.

در بعضی از کشورها خیاط های خانگی دیگر کار نمی کنند و مردم فقط لباس های حاضری و آماده می خرند. چون بازار لباس خیلی بزرگ و متنوع است، خریدن و انتخاب لباس کار آسانی است. بنابراین آنها فقط به جنس و مد لباس توجه می کنند و آن چیزی را که دوست دارند راحت می خرند.

بعد از اختراع چرخ خیاطی وسایلی مثل اتو و چرخ های جدید خیاطی و دستگاه هایی مانند دستگاه های خشکشویی اختراع شدند.

بخش اول

الف) از روی متن درس رو خوانی کنید (۳ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

ب) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (۳ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان مناسب انتخاب کنید.

.....

ب) برای پاسخ های زیر یک سؤال مناسب بنویسید.

..... ۱.

دویست سال پیش در انگلستان.

..... ۲.

- آنها هر شب به خانه ی سازنده ی چرخ خیاطی می رفتند و او را اذیت می کردند.

..... ۳.

- او در فقر و ناراحتی مرد.

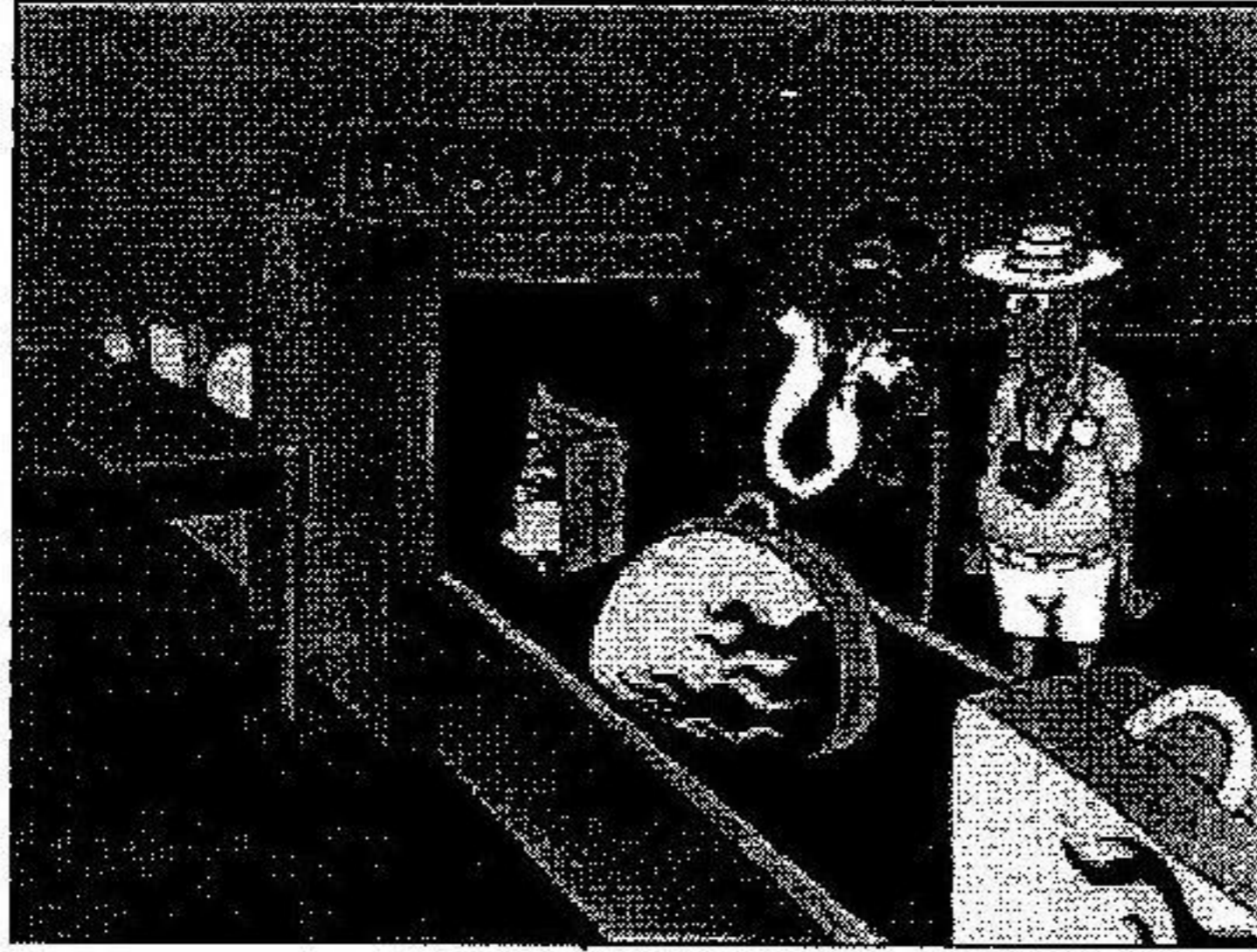
..... ۴.

- چون مردم در زمان کم می توانستند لباسهای زیادی بدوزند.

..... ۵.

- وسایلی مثل اتو و دستگاه های خشکشویی.

مُسافِرَت



پرسش های پیش از خواندن

۱. سفر کردن را دوست دارید؟
۲. وقتی به سفر می روید چه چیزهایی با خود می برید؟
۳. دوست دارید تنها به مسافرت بروید یا گروهی؟
۴. دوست دارید با چه وسیله ای به سفر بروید؟ چرا؟
۵. سفر در زمان قدیم چه فرق هایی با الان دارد؟

واژه های جدید

درد سر	پُر درد سر	تاکسی	دربست
خراب شدن	تعطیلات	مسافر	مسافرت
آزار دادن = اذیت کردن	رزرو کردن	یک تخته	تأخیر داشتن

تاکسی گرفتن	دعا کردن	پرواز	خلبان
مهماندار	کنسل کردن	آتش گرفتن	بلیت
خوشامد گفتن	راننده	وارد شدن	فرودگاه
متوجه شدن	پیاده شدن	مشکل	پرواز
ترسیدن	کرایه	جالب	نگاه کردن
سر جا	چک کردن	لیست	بو
دود			

سفر پر درد سر

تصمیم گرفتم تعطیلات تابستان به مسافرت بروم. ولی بلیت پیدا نکردم. بالاخره در یک آژانس مسافرتی یکی از مسافرها بلیت خود را کنسل کرد و من توانستم یک بلیت هواپیما برای شیراز بخرم.

یک اتاق یک تخته در یک هتل رزور کردم. روز سفر یک تاکسی گرفتم که به موقع برسم. یک ساعت بیشتر وقت نداشتم. متأسفانه وسط راه تاکسی خراب شد. فوراً یک تاکسی در بست گرفتم. فقط نیم ساعت وقت داشتم. بالاخره به فرودگاه رسیدم. باعجله پیاده شدم و به داخل سالن فرودگاه رفتم. خوشبختانه پرواز تأخیر نداشت. ولی مشکلات عجیب من شروع شدند. اسم من در لیست پرواز نبود! ولی بعد از چند دقیقه کارمندا متوجه اشتباهشان شدند و کارت پروازم را دادند. خوشبختانه بعد از چند دقیقه سوار هواپیما شدم. مهماندارها به مسافرها خوشامد می گفتند و مسافرها هم سر جایشان می نشستند. من هم شماره صندلی ام را چک کردم و نشستم. این اولین بار بود که سوار هواپیما می شدم. کمی می ترسیدم ولی همه چیز خوب بود. همه چیز برای من جدید و

جالب بود. هواپیما از زمین بلند شد. از پنجره بیرون را نگاه می کردم . همه چیز کوچک بود. به خودم گفتم از این به بعد فقط با هواپیما مسافرت می کنم. در این فکر بودم که دیدم بویی می آید. ای وای، بوی دود بود! در همین موقع خلبان با ما صحبت کرد و گفت به خاطر آتش گرفتن یکی از موتورها باید به تهران برگردیم. از ما خواست که آرام باشیم و سر جای خودمان بنشینیم. همه ی مسافرها ساکت بودند و دعا می کردند. بعد از یک ربع هواپیما نشست . زمان خیلی سخت و طولانی گذشت. همه ی ما سالم بودیم ولی هنوز بوی دود همه را اذیت می کرد.

آن روز تصمیم گرفتم دیگر سوار هواپیما نشوم. با ناراحتی یک تاکسی دیگر گرفتم و به خانه برگشتم. کرایه ی تاکسی را دادم. وقتی راننده چمدانم را از عقب ماشین آورد، دیدم چمدان من نیست؛ چمدان یک مسافر دیگر است. وای...! دیگر حاضر نبودم به فرودگاه برگردم.

بخش اول: درک مطلب

الف) با توجه به متن پاسخ درست را با علامت «د» و پاسخ نادرست را با علامت «ن» مشخص کنید.

- ۱. نویسنده ی متن با تاکسی به هتل رفت.
- ۲. او تا رسیدن به فرودگاه سوار دو تاکسی شد.
- ۳. اسم او در لیست مسافران هواپیما بود.
- ۴. مهماندار به او کمک کرد که سر جایش بنشیند.
- ۵. موتورهای هواپیما آتش گرفته بودند.
- ۶. هواپیما به تهران برگشت.
- ۷. او اشتباهاً چمدان مسافر دیگری را برداشته بود.

ب) با توجه به متن به پوشش های زیر پاسخ دهید.

۱. نویسنده ی متن چه طور توانست بلیط پیدا کند؟

..... -
۲. چرا اسم او در لیست پرواز نبود؟

..... -
۳. چه مشکلی در هواپیما پیدا شد؟

..... -
۴. چرا به خودش گفت که از این به بعد فقط با هواپیما مسافرت می کند؟

..... -
۵. او وقتی که به خانه برگشت، متوجه چه اشتباهی شد؟

..... -
بخش دوم: تمرین واژگان

الف) واژه های ستون اول را به هم معنی شان در ستون دوم وصل کنید.

- | | |
|--------------|---|
| ۱. دربست | <input type="checkbox"/> چیزی مثل ماشین یا خانه که مخصوص یک یا چند نفر باشد |
| ۲. رزرو کردن | <input type="checkbox"/> در آخر کار |
| ۳. مهماندار | <input type="checkbox"/> کاری را دیرتر انجام دادن |
| ۴. کرایه | <input type="checkbox"/> راننده ی هواپیما یا هلی کوپتر |
| ۵. بالاخره | <input type="checkbox"/> مشکل |

۶. تأخیر داشتن

از خدا چیزی خواستن

۷. فرودگاه

از قبل چیزی را خریدن

۸. خلبان

کسی که در قطار، هواپیما و مانند آن از مسافران پذیرایی می کند

۹. درد سر

پولی که برای استفاده از چیزی یا جایی به صاحب آن می دهند

۱۰. دعا کردن

فوراً

۱۱. باعجله

جایی که هواپیما در آن می نشیند یا به جایی پرواز می کند.

(ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

گرفتن - شدن - کردن - داشتن - گفتن

تاکسی متوجه تأخیر

پیاده آتش خوشامد

مسافرت

(پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

۱.

۲.

۳.

۴.

۵.

۶.....

۷.....

ت) درباره ی مسافرت با هواپیما چه کلمه هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

ث) درباره ی تاکسی چه کلمه هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

ج) جاهای خالی جمله های زیر را با واژه ی مناسب پر کنید.

دیگر - به موقع - وسط - بالاخره - با عجله - پرواز - سر جا

۱. هواپیما خراب شده است و شما باید با بعدی به شیراز بروید.

۲. وقتی به سر کار می رفتم، راه با یک تاکسی تصادف کردم.

۳. صبح زود بیدار شد و به اداره رسید.

۴. یک بار آن غذا را خوردم. دوست نداشتم و آن را نخوردم.

۵. وقتی رئیس وارد اتاق شد، از یم بلند شدم.

۶. خیلی دنبال بلیت گشتم و در یکی از آژانس های خیابان فردوسی،
بلیت پیدا کردم.

۷. آن روز دوچرخه نداشتم، لباس پوشیدم و تا مدرسه دویدم.

چ) جاهای خالی جمله های زیر را با شکل درست مصدرهای زیر پر کنید.

سوار شدن - تأخیر داشتن - حاضر بودن - گذشتن - اذیت کردن - چک کردن

۱. قبل از بیرون آمدن از خانه، وسایل مدرسه ام را

۲. وقتی از فرودگاه خارج شدم، ماشینم و به خانه برگشتم.

۳. رئیس خیلی عصبانی بود، چون رضا مثل همیشه نیم ساعت
 ۴. در مهمانی ها زمان خیلی سریع
 ۵. در مهمانی دیشب سر و صدای زیاد بچه ها بزرگ ترها را خیلی
 ۶. به نظر او این کار خیلی سخت بود و او برای این کار به دوستانش کمک کند.

ح) در جمله های زیر واژه ها یا عبارات های اریب به کدام واژه یا عبارات در متن بر می گردند؟

۱. آن روز سر وقت به اداره رسیدم.

 ۲. بین راه از تاکسی پیاده شدم.

 ۳. وارد سالن فرودگاه شدم.

 ۴. پرواز به موقع انجام شد.

 ۵. او روی صندلی خودش نشست.

 ۶. تصمیم گرفتیم از آن به بعد با ماشین سر کار نرویم.

 ۷. دیگر دوست نداشت به کوه برود.

فایده های سفر

راه های زیادی برای پُر کردن وقت وجود دارد. یکی از آنها مسافرت است. سفر یکی از بخش های مهم زندگی انسان است. همه ی مردم مسافرت را دوست دارند. حتی حیوانات، پرندگان و حشرات هم نمی توانند در یک جا بمانند.

بعضی از مردم برای دیدن خانواده و آشنایان و دوستانشان سفر می کنند. بعضی ها برای پیدا کردن کار بهتر و درآمد بیشتر مسافرت می کنند. عده ای هم برای تحصیل و بعضی برای گردش و استراحت، سفر می کنند. برای کسانی که از کارهای تکراری هر روز خسته می شوند، مسافرت مثل غذای روح است.

سفر کردن انسان را با تجربه می کند. انسان ها با مسافرت با مردم جدید و با فرهنگ های مختلف آشنا می شوند. مثلاً با مسافرت به شهرها و کشورهای دیگر، با غذاها و لباس ها، زبان ها و لهجه های شهرها و کشورهای مختلف آشنا می شویم. می فهمیم مردم در جاهای مختلف چگونه زندگی و کار می کنند و آب و هوای شهرها و کشورهای دیگر چگونه است.

فایده های سفر خیلی زیاد است. نویسندگان و شاعران برای پیدا کردن تجربه های جدید، سفر می کنند. مثلاً داستان های زیبای گلستان سعدی تجربه های سفرهای این شاعر بزرگ به جاهای مختلف است.

بخش اول

الف) از روی متن درس رو خوانی کنید (۲ دقیقه و نیم زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

ب) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (۲ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

الف) برای متن بالا یک عنوان مناسب انتخاب کنید.

.....

ب) برای جواب های زیر یک سؤال مناسب بنویسید.

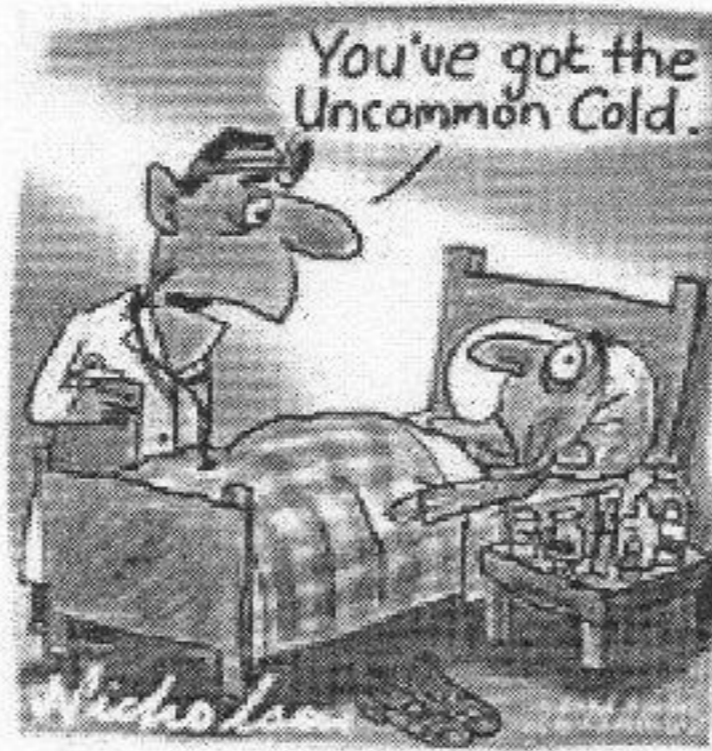
۱.؟

- مردم به دلایل مختلفی؛ مانند دیدن خانواده، آشنایان و دوستان، پیدا کردن کار بهتر و درآمد بیشتر، تحصیل و گردش و استراحت سفر می کنند.

۲.؟

- انسان با سفر کردن با تجربه می شود و با مردم و فرهنگ های مختلف آشنا می شود.

بیماری



۱. آیا تا به حال مریض شده اید؟
۲. آخرین بار کی مریض شدید و چکار کردید؟
۳. وقتی مریض می شوید به دکتر می روید یا ترجیح می دهید با داروهای مختلف خودتان را درمان کنید؟
۴. آیا برای درمان بیماریتان از داروهای گیاهی استفاده می کنید؟

واژه های جدید

قرص	شربت	داروهای گیاهی	درمان کردن
اشتها داشتن	سردرد	سُرفه کردن	مَطَب
وقت گرفتن	اتاق انتظار	مُنشی	پرونده
معاینه کردن	آزمایشگاه	مریض	فشارخون
آزمایش دادن	تَب داشتن	نَبض	ضَرَبان

غش کردن	سرطانی	سِرْم	ناشتا
اطمینان داشتن	اندازه گرفتن	سرِ کسی گیج رفتن	ظاهراً

عجله کردن

بیماری خطرناک

بعضی از مردم دوست ندارند پیشِ دکتر بروند. بعضی ها هم می ترسند به دکتر بروند یا از خوردن قرص و شربت خوششان نمی آید. برای همین با داروهای گیاهی مریضی شان را درمان می کنند. بعضی ها هم به کار عده ای از پزشک ها اطمینان ندارند یا دیر پیش دکتر می روند یا اصلاً نمی روند. من هم هیچ وقت برای رفتن به دکتر عجله نمی کنم.

مدت ها بود که اشتها نداشتم و شب ها نمی توانستم بخوابم. سردرد داشتم و سرفه می کردم. به مطب دکتر خانوادگی مان زنگ زدم و برای همان روز عصر وقت گرفتم. وقتی به مطب رفتم منشی دکتر پرونده ی پزشکی من را پیدا کرد و به دکتر داد. مدتی در اتاق انتظار نشستم تا نوبت من شد. یک مریض دیگر در اتاق بود. وقتی بیرون آمد من به اتاق دکتر رفتم. در اتاق دکتر روی صندلی نشستم. دکتر بعد از دیدن پرونده ام از من چند سؤال کرد و من جواب دادم. خیلی دقیق مرا معاینه کرد و بعد نبض و فشار خونم را اندازه گرفت و به ضربان قلبم گوش داد. تب هم نداشتم. وقتی معاینه تمام شد دکتر گفت مشکلی وجود ندارد، ولی برای اطمینان باید یک آزمایش بدهی. من همیشه از آمپول می ترسیدم، ولی روز بعد ناشتا به آزمایشگاه رفتم و آزمایش دادم.

چند روز بعد برای گرفتن جواب آزمایش به آزمایشگاه رفتم. وقتی جواب آزمایش را به من گفتند، سرم گیج رفت و دیگر هیچ چیز نفهمیدم. وقتی چشمم را باز کردم دیدم در بیمارستان هستم و یک سرم به دستم وصل است. ظاهراً در آزمایشگاه جواب آزمایش یک بیمار سرطانی را اشتباهی به من داده بودند و من از ترس غش کرده بودم.

بخش اول: درک مطلب

الف) با توجه به متن پاسخ درست را با علامت «د» و پاسخ نادرست را با علامت «ن» مشخص کنید.

- ۱. نویسنده ی متن دیر به دکتر می رود.
- ۲. او عصر همان روز که مریض بود، به دکتر رفت.
- ۳. او از آمپول می ترسید.
- ۴. نبض و فشار خون او عادی نبود.
- ۵. او بعد از خوردن صبحانه به آزمایشگاه رفت و آزمایش داد.
- ۶. او در آزمایشگاه بیهوش شد.
- ۷. او سرطان داشت.

ب) با توجه به متن به پرسش های زیر پاسخ دهید.

۱. بعضی از کسانی که به دکتر نمی روند، چگونه خودشان را درمان می کنند؟

.....

۲. نویسنده ی متن چرا به دکتر رفت؟

.....

۳. دکتر برای معاینه ی او چه کارهایی کرد؟

.....

۴. نویسنده چرا آزمایش داد؟

.....

۵. چرا در بیمارستان بستری شد؟

بخش دوم: تمرین واژگان

الف) واژه ها و عبارت های های ستون اول را به هم معنی شان در ستون دوم وصل کنید.

- | | |
|--|----------------|
| <input type="checkbox"/> کارهایی که دکتر انجام می دهد تا نوع بیماری را بفهمد | ۱. اشتها |
| <input type="checkbox"/> از شب قبل چیزی نخورده | ۲. مطب |
| <input type="checkbox"/> مثل این که | ۳. منشی |
| <input type="checkbox"/> آبی که نمک و قند دارد و برای درمان یاغذا به بیمار می دهند | ۴. نوبت |
| <input type="checkbox"/> محلی که در آن پزشک بیماران را معاینه می کند | ۵. پرونده |
| <input type="checkbox"/> کسی که کارهای داخلی یک مطب، شرکت و... را انجام می دهد | ۶. معاینه کردن |
| <input type="checkbox"/> میل به خوردن غذا و مانند آن | ۷. تب |
| <input type="checkbox"/> فرصت انجام کار برای هر نفر در یک گروه، به ترتیب زمانی | ۸. ناشتا |
| <input type="checkbox"/> مجموعه ی اطلاعات و مدارک از کسی یا چیزی | ۹. ظاهراً |
| <input type="checkbox"/> زیاد شدن غیر طبیعی گرمای بدن | ۱۰. سِرْم |

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

داشتن - دادن - کردن - گرفتن - زدن

- | | | |
|---------------|--------------|--------------|
| اشتها | عجله | درمان |
| اطمینان | زنگ | سر درد |
| تب | اندازه | نوبت |

پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

۱.
۲.
۳.
۴.
۵.
۶.
۷.
۸.
۹.
۱۰.

ت) درباره ی داروها، چه کلمه هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ث) درباره ی نشانه های بیماری، چه کلمه هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ج) درباره ی کارهای مربوط به معاینه کردن، چه کلمه هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

چ) جاهای خالی جمله ها را با واژه ی مناسب پر کنید.

قرص - عده ای - خطرناک - انتظار - پرونده - نبض - ضربان - آمپول

۱. در پزشکی من، هیچ بیماری سختی وجود نداشت.
۲. دکتر فقط برای من دو دارو نوشت: و
۳. او دکتر خیلی خوبی بود و اتاق او همیشه پر از مریض بود.
۴. خوشبختانه بیماری او نبود و خیلی زود حالش خوب شد.
۵. دکتر او را اندازه گرفت و به قلبش گوش داد.
۶. او و از دکترهای ایرانی در این بیمارستان کار می کنند.

ح) جاهای خالی جمله ها را با شکل درست مصدر های زیر پر کنید.

اطمینان داشتن - معاینه کردن - سرفه کردن - درمان کردن - اندازه گرفتن - اشتها داشتن -
آزمایش دادن

۱. دکترهای این بیمارستان، بیماران را با داروهای گیاهی
۲. دو روز است که غذا نخورده ام، ولی هنوز هم
۳. ما که دکترهای این جا خیلی خوب هستند.
۴. دکتر فشار خونش را
۵. بعد از این که دکتر مادرم را، گفت که هیچ مشکلی نیست.
۶. من هم تب داشتم و هم

خ) در جمله های زیر واژه ها، عبارت ها یا جمله های اریب به کدام واژه یا عبارت در متن بر می گردند؟

۱. دمای بدنم بیشتر از ۳۷ درجه بود.
۲. سرم درد می کرد.

بخش سوم: خواندن بیشتر

اسمش علی و فرزند اول خانواده بود. در موقع تولد ۲ کیلوگرم وزن داشت. او در بخش کودکان بیمارستان بستری بود. پدر و مادرش خیلی نگران بودند و از پشت شیشه به فرزندشان نگاه می کردند. مادر آرام آرام گریه می کرد و دعا می کرد. علی را ۲۲ ساعت بعد از تولد به بیمارستان آورده بودند. پزشک های بیمارستان هم به زنده ماندن او امید نداشتند. ماه های زیادی گذشت. مادر علی همیشه کنار تختش بود. روزها و شب ها برای مادر خیلی سخت می گذشت. علی کم کم بهتر می شد، اما هنوز برای مرخص شدن زود بود. پزشک علی هر روز با مادر او صحبت می کرد و او را آرام می کرد.

بعد از هشت ماه پزشک با لبخند به مادر علی گفت: شما امروز می توانید علی را به خانه ببرید.

سال ها بعد، پس از تمام شدن مراسمی که به یاد دکتر قریب اولین پزشک کودکان در ایران شرکت کرده بودم، جوانی به طرف من آمد و گفت: من علی هستم یادتان هست؟ تا هشت ماهگی در بیمارستان بخش کودکان؟! الان بیست و شش سالم است و سال آخر پزشکی هستم و می خواهم متخصص کودکان بشوم. خیلی خوشحال شدم و نمی توانستم باور کنم که علی، آن نوزاد بیمار، الان رو به روی من است و حالا می خواهد یک پزشک کودکان بشود!

بخش اول

الف) از روی متن درس رو خوانی کنید (۲ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

ب) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (یک دقیقه و نیم زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان مناسب انتخاب کنید.

ب) برای جواب های زیر یک سؤال مناسب بنویسید.

۱.؟

- چون موقع تولد وزنش خیلی کم و فقط ۲ کیلو گرم بود.

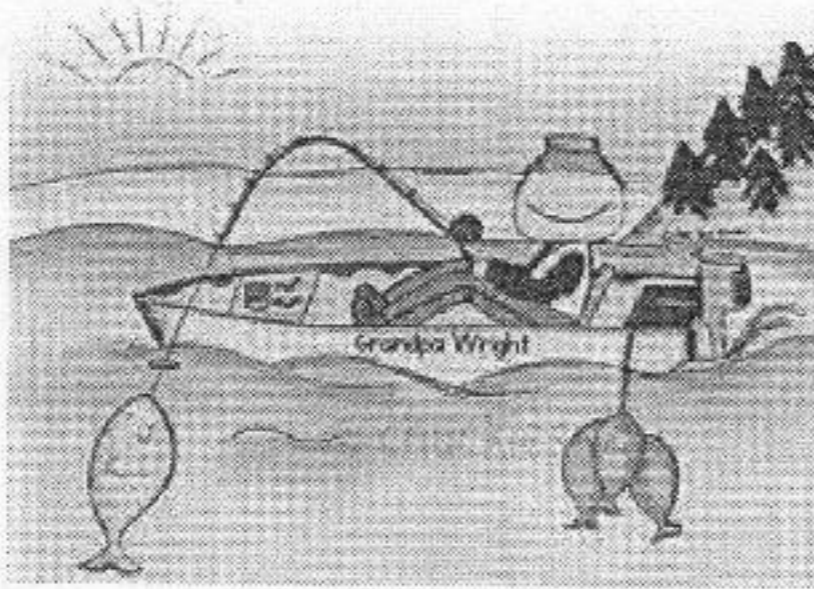
۲.؟

- هشت ماه در بیمارستان بستری بود.

۳.؟

- اولین پزشک کودکان در ایران، دکتر قریب بود.

اوقات فراغت



پرسش های پیش از خواندن

۱. اوقات فراغت یعنی چه؟
۲. شما اوقات فراغت تان را چگونه پر می کنید؟
۳. مردم کشور شما اوقات فراغت شان را چگونه پر می کنند؟

واژه های جدید

تعطیل شدن	رهبر کنسرت	اضافی	اوقات فراغت
تُنَبِّک	پُر کردن	نصف	آزاد
قالی باقی	سه تار	اعتماد داشتن	امروزی
کارهای دستی	اصرار کردن	بال درآوردن	اذیت کردن
دانشکده	آرزو	شرکت کردن	گروه

اوقات فراغت

اوقات فراغت در سال های گذشته شکل دیگری داشت؛ چون تقریباً همه در خانواده ها کار می کردند و کسی وقت اضافی و آزاد به معنی امروزی نداشت. وقتی مدرسه ها تعطیل می شدند، پسرها در کارگاه یا مغازه یا جایی که خانواده ها به آنها اعتماد داشتند، کار می کردند و دخترها هم کارهای دستی و آشپزی یاد می گرفتند.

بیژن و محمد هم بعد از مدرسه در یک کارگاه قالی بافی کار می کردند. آنها خیلی دوست داشتند موسیقی یاد بگیرند. محمد تنبک دوست داشت و بیژن سه تار. اما نه پول کافی برای خریدن تنبک و سه تار داشتند، نه جایی برای تمرین.

استاد قالی آنها موسیقی بلد بود. بچه ها از او خواسته بودند حقوق شان را نصف کند ولی به جای آن از او موسیقی یاد بگیرند. بعد از سه ماه کار کردن در کارگاه توانستند سازهایشان را بخرند. از خوشحالی داشتند بال درمی آوردند. کارشان را شروع کردند. استاد هر روز بعد از کار به آنها موسیقی یاد می داد و آنها در کارگاه تمرین می کردند. کارگاه از شهر دور بود و آنها راحت تمرین می کردند.

سال ها می گذشت. مدرسه، کار و موسیقی کاملاً وقت شان را پر کرده بود. یک روز استاد از آنها خواست برای زدن موسیقی در یک گروه بزرگ به شهر دیگری بروند. اما خانواده ی بیژن این موضوع را قبول نکردند. هر چقدر استاد و محمد اصرار کردند، آنها قبول نکردند. بیژن هم از رفتن به چنین سفری ترسیده بود. فکر می کرد باید به حرف پدر و مادرش گوش کند.

محمد رفت و موسیقی را ادامه داد. الان او در دانشکده ی هنر استاد موسیقی و رهبر کنسرت است. بیژن همیشه به کنسرت های او می رود و وقت هایی که تنهاست برای خودش سه تار می زند. بیژن نتوانست به آرزوهای خودش برسد، اما برای محمد خیلی خوشحال است.

بخش اول: درک مطلب

الف) با توجه به متن پاسخ درست را با علامت «د» و پاسخ نادرست را با علامت «ن» مشخص کنید.



۱. در گذشته مردم به اوقات فراغت فکر نمی کردند.



۲. پسرها و دخترها بعد از مدرسه کار می کردند.



۳. بیژن و محمد در کارگاه تمرین می کردند.



۴. بچه ها با حقوق خودشان سازهایشان را خریدند.



۵. گروه موسیقی در شهر دیگری بود.

(ب) با توجه به متن به پرسش های زیر پاسخ دهید.

۱. چرا اوقات فراغت در گذشته و امروز با هم فرق دارد؟

.....

۲. پسرها و دخترها در گذشته چه چیزهایی یاد می گرفتند؟

.....

۳. بچه ها چگونه سازهایشان را خریدند؟

.....

۴. چرا بیژن نتوانست به مسافرت برود.

.....

۵. الان شغل محمد چیست؟

.....

بخش دوم: تمرین واژگان

الف) واژه ها و عبارت های ستون اول را به هم معنی شان در ستون دوم وصل کنید.

۱. اوقات فراغت گروهی بزرگ که با راهنمایی رهبر کنسرت با هم ساز می زنند
۲. کارگاه جایی که در آن کار می کنند
۳. کارهای دستی وقت آزاد
۴. از خوشحالی بال درآوردن خوشحال شدن زیاد از چیزی
۵. اصرار کردن وسیله ای که با آن موسیقی می زنند
۶. ساز وسایلی که با دست ساخته می شوند
۷. کنسرت پافشاری کردن / چند بار خواستن چیزی

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

کردن - دادن - داشتن - در آوردن

- پر یاد نصف
- اصرار شروع تمرین
- قبول گوش اعتماد
- بال

پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

۱.
۲.

- ۳
- ۴
- ۵
- ۶
- ۷
- ۸
- ۹
- ۱۰

ت) درباره ی اوقات فراغت چه کلمه هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ث) درباره ی موسیقی چه کلمه هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ج) جاهای خالی جمله های زیر را با واژه ی مناسب پر کنید.

موسیقی^۱ - اوقات فراغت^۲ - امروزی^۳ - کارگاه^۴ - کنسرت^۵ - کارهای دستی^۶

۱. برای تمرین به یک جای خلوت می رفتم. چون نمی خواستم صدا کسی را اذیت کند.

۲. بعضی ها مد های را دوست ندارند.

۳. امشب با دوست هایمان به یک بزرگ موسیقی می رویم.

۴. هر شهری زیبایی دارد.

۵. من در خودم ورزش می کنم.

۶. های بزرگ معمولاً از شهر دور هستند.

(د) جاهای خالی جمله های زیر را با شکل درست مصدر های زیر پر کنید.

پر کردن - اصرار کردن - تعطیل شدن - اعتماد داشتن - قبول کردن - نصف کردن

۱. تقریباً در آخر بهار مدرسه ها

۲. دوستم با من به مسافرت نمی آمد، خیلی به او تا قبول کرد.

۳. من به حرف های پدر و مادرم

۴. دوستم ما را برای شام دعوت کرد و ما دعوت او را

۵. غذای من خیلی زیاد بود؛ آن را و همه اش را نخوردم.

۶. الان پدر و مادرها تقریباً وقت بچه ها را در تابستان

(د) در جمله های زیر واژه ها یا عبارت های اریب به کدام واژه یا عبارت در متن بر می گردند؟

۱. در قدیم این رستوران طور دیگری بود.

۲. پدر و مادرم معلم من را خیلی قبول داشتند. اعتیاد

۳. او می خواست کیک را دو قسمت کند.

۴. بچه ها خیلی خیلی خوشحال بودند.

۵. بچه ها از معلم شان چند بار خواستند که روز امتحان را عوض کند.

بخش سوم: خواندن بیشتر

یک روز در کلاس انشا معلم مدرسه از ما خواست درباره ی اوقات فراغت بنویسیم. واقعاً اوقات فراغت یعنی چه؟ اوقات فراغت یعنی وقتی که ما نمی خواهیم در کنار خانواده مان باشیم یا وقتی که دوست نداریم هیچ کار دیگری بکنیم یا وقتی که ما کارهایمان تمام شده است و می خواهیم تفریح کنیم؟

من درباره ی برنامه های روزانه ی خودم فکر کردم. به غیر از خوردن و خوابیدن و کارهای شخصی و کارهای مدرسه من چقدر وقت اضافی و آزاد دارم؟ در وقت های آزادم گاهی تلویزیون تماشا می کنم، گاهی بازی کامپیوتری می کنم، گاهی با دوست هایم بیرون می روم، گاهی هم دوست ندارم هیچ کاری کنم و فقط روی تختم دراز می کشم. اما اینها کارهای روزانه ی من در دوران مدرسه بودند. در تابستان چطور؟ در تابستان وقت بیشتری داشتم. در تابستان به کلاس های ورزشی و زبان می رفتم. اما باز هم وقتم زیاد بود.

فکر کردم شاید برای آدم های دیگر هم اوقات فراغت و برنامه های روزانه در زمان های مختلف با هم فرق داشته باشند. شاید در کشورها و منطقه های مختلف دنیا هم برنامه های روزانه ی افراد متفاوت باشد. برنامه های کسی که در روستا زندگی می کند با کسی که در یک شهر بزرگ زندگی می کند، حتماً خیلی فرق دارند. تازه اهمیت موضوع انشای کلاس را فهمیده بودم. پس درباره ی آن نوشتم. به نظر من آدم ها در زمان ها و منطقه های مختلف اوقات فراغت متفاوتی دارند. پس باید ببینیم که در هر منطقه ای مردم به چه چیزهایی فکر می کنند و چه چیزهایی برایشان مهم تر است.

بخش اول

الف) از روی متن درس رو خوانی کنید (۳ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

ت) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (۳ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان مناسب انتخاب کنید.

ب) برای پاسخ های زیر یک سؤال مناسب بنویسید.

۱.
.....

- او در تابستان به کلاس زبان و ورزشی می رفت.

۲.
.....

- نه، اوقات فراغت برای همه ی مردم مثل هم نیست.

۳.
.....

- نه، با هم خیلی فرق دارند.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

ورزش



پرسش های پیش از خواندن

۵. آیا هر روز ورزش می کنید؟ چرا؟
۶. به چه ورزشی علاقه دارید؟
۷. دوست دارید تنها ورزش کنید یا گروهی؟
۸. اسم چند ورزش را بگویید؟

واژه های جدید

سلامتی	مفید	ضرر	بدن سازی
کوهنوردی	پیاده روی	مخصوص	آرام
انفرادی	گروهی	وسایل ورزشی	سازمان
توجه کردن	آرامش	لذت بردن	راه رفتن
موفق	ساختن	حل کردن	خرج کردن

ورزش و سلامتی

چقدر به سلامتی تان توجه می کنید؟ بعضی از مردم برای سلامتی و بعضی هم برای کنترل وزن خود ورزش می کنند. مهم نیست که چه ورزشی می کنید، مهم این است که هدف شما از ورزش کردن چیست؟ و از انجام چه ورزشی لذت می برید. کسانی که ورزش خوبی را انتخاب نمی کنند خیلی زود از ورزش کردن خسته می شوند.

ورزش ها انواع مختلفی دارند. بعضی از ورزش ها مثل پیاده روی و بدن سازی و ژیمناستیک و ... افرادی و بعضی از آنها مثل والیبال و بسکتبال و فوتبال و ... گروهی هستند. ورزش های گروهی به کودکان کمک می کند در جامعه موفق تر باشند. بنابراین پدر و مادرها باید به ورزش بچه ها توجه کنند.

بعضی از ورزش ها برای بدن مفید نیستند. ورزش های سنگین مثل بدن سازی یا کوهنوردی برای کسانی که بیماری هایی مثل کمردرد و پادرد دارند ضرر دارد، آنها باید ورزش های مخصوصی که پزشک به آنها گفته، انجام بدهند، مثلاً راه رفتن در آب برای آنان مفید است. بعضی از مردم همیشه بعد از کار زیاد خیلی خسته می شوند. آنها می توانند با کمی ورزش این مشکل را حل کنند. یوگا و ورزش های سبک همراه با یک موسیقی ملایم به آرامش و همچنین راحت خوابیدن کمک می کند. اگر نمی توانید به باشگاه ورزشی بروید، می توانید وسایل ورزشی ارزان و ساده بخرید و در خانه از آنها استفاده کنید یا چند ساعت در حیاط منزل تان ورزش کنید.

اهمیت ورزش آنقدر زیاد است که در همه ی کشورها سازمان های ورزشی مختلفی هست که پول زیادی برای ساختن استادیوم و مکان های ورزشی خرج می کنند.

بخش اول: درک مطلب

الف) با توجه به متن پاسخ درست را با علامت «د» و پاسخ نادرست را با علامت «ن» مشخص کنید.

۱. همه ی مردم برای کنترل وزن ورزش می کنند.

۲. پیاده روی یک ورزش گروهی است.

۳. کوهنوردی برای کسانی کمردرد و پادرد دارند ضرر دارد.

۴. اگر نمی‌توانید به باشگاه بروید نباید ورزش کنید.

۵. یوگا برای آرامش و خواب راحت مفید است.

(ب) با توجه به متن به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۵. چه کسانی از ورزش کردن زود خسته می‌شوند؟

..... -

۶. اگر وسایل ورزشی ندارید باید چگونه ورزش کنید؟

..... -

۷. چه نوع ورزش‌هایی وجود دارد؟

..... -

۸. چرا ورزش برای بچه‌ها مفید است؟

..... -

بخش دوم: تمرین واژگان

الف) با توجه به واژه‌های متن، واژه‌ها و عبارت‌های ستون اول را به هم معنی‌شان در ستون دوم وصل کنید.

۱. مفید یک نفری

۲. ضرر داشتن جایی که در آن ورزش می‌کنند

۳. موفق

چیزهایی که برای ورزش کردن لازم است

۴. باشگاه ورزشی

پیدا کردن پاسخ درست و مناسب برای چیزی

۵. انفرادی

چیزی که فایده دارد و خوب است

۶. وسایل ورزشی

فایده نداشتن و خوب نبودن

۷. حل کردن

پیروز

(ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

کردن - شدن - دادن - بردن

توجه..... خرج..... انجام.....

خسته..... کمک..... لذت.....

(پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

۱.

۲.

۳.

۴.

۵.

۶.

(ت) درباره ی ورزش و صفت های مربوط به آن چه کلمه هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ث) جاهای خالی جمله های زیر را با واژه ی مناسب پر کنید.

هدف - انواع - باشگاه ورزشی - مخصوص - موفق - سبک

۱. همه باید شب ها یک شام بخورند و بخوابند.

۲. برای ورزش های گروهی باید به بروید.

۳. شما از یاد گرفتن فارسی چیست؟

۴. اگر خوب درس بخوانی می شوی.

۵. غذاهای ایرانی مختلفی دارند.

۶. هر کشوری یک پرچم دارد.

ج) جاهای خالی جمله های زیر را با شکل درست مصدر های زیر پر کنید.

خرج کردن - لذت بردن - حل کردن - کمک کردن - توجه کردن - ضرر داشتن

۱. من و دوستم در مدرسه پیش مدیر رفتیم و مشکل مان را

۲. بعضی از مردم دوست دارند پولشان را برای خریدن لباس

۳. ما قبلاً هر سال به اصفهان می رفتیم و از دیدن جاهای زیبای آن

۴. من نمی توانم عینکم را پیدا کنم لطفاً به من

۵. سیگار کشیدن برای سلامتی

۶. چرا وقتی رانندگی می کنی به اطرافت

چ) در جمله های زیر واژه ها یا عبارات های اریب به کدام واژه یا عبارت در متن بر می گردند؟

۱. من دوست دارم همیشه یک نفری ورزش کنم

۲. بالا رفتن از پله برای کسانی که کمردرد دارند خوب نیست.

بخش سوم: خواندن بیشتر

ورزش باستانی یک ورزش مقدس ایرانی است و جایی که در آن ورزش می کنند زورخانه نام دارد. این ورزش یکی از ورزش های سنتی و قدیمی ایرانی است. بسیاری از پهلوانان مثل پوریای ولی و غلامرضا تختی که یاد آنها همیشه در قلب مردم است، پهلوانی و جوانمردی را در همین زورخانه ها یاد گرفتند.

زورخانه جایی است که فقط مردان در آن ورزش می کنند. سقف آن به شکل گنبد است و در آن کوتاه است. برای این که وقتی تماشاچیان به داخل زورخانه می آیند، برای احترام به پهلوانان خم شوند. ورزش کاران در زورخانه به شکل دایره می ایستند و ورزش می کنند. در وسط این دایره باتجربه ترین ورزش کار ورزش می کند. در زورخانه یک نفر شعر می خواند و ورزش کاران با صدای موسیقی و خواندن او ورزش می کنند. کسی که در زورخانه شعر می خواند باید خواننده ی بسیار خوبی باشد و بیشتر شعرهای مذهبی می خواند.

در زورخانه وسایل مختلفی برای ورزش کردن وجود دارد، این وسایل شبیه به وسایل جنگی در زمان قدیم هستند. وقتی ورزش کاران در گود زورخانه با این وسایل ورزش می کنند، دعا هم می کنند، برای همین، این ورزش برای ایرانیان مقدس است.

گاهی اوقات در زورخانه جشن هم می گیرند. این جشن برای پهلوانان باتجربه است. ولی گاهی اوقات هم با این جشن برای پهلوانانی که درآمد کافی ندارند و نمی توانند زندگی خود را اداره کنند، پول جمع می کنند، یعنی مردم یک روز برای تماشای این ورزش به زورخانه می آیند و برای آن پهلوان پول جمع می کنند.

بخش اول

الف) از روی متن درس روخوانی کنید (۳ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

ث) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (۳ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

الف) برای متن بالا یک عنوان مناسب انتخاب کنید.

.....

ب) برای پاسخ های زیر یک سؤال مناسب بنویسید.

۱.

برای این که وقتی تماشاچیان به داخل زورخانه می آیند برای احترام به پهلوانان خم شوند

۲.

نه فقط مردان در زورخانه ورزش می کنند.

۳.

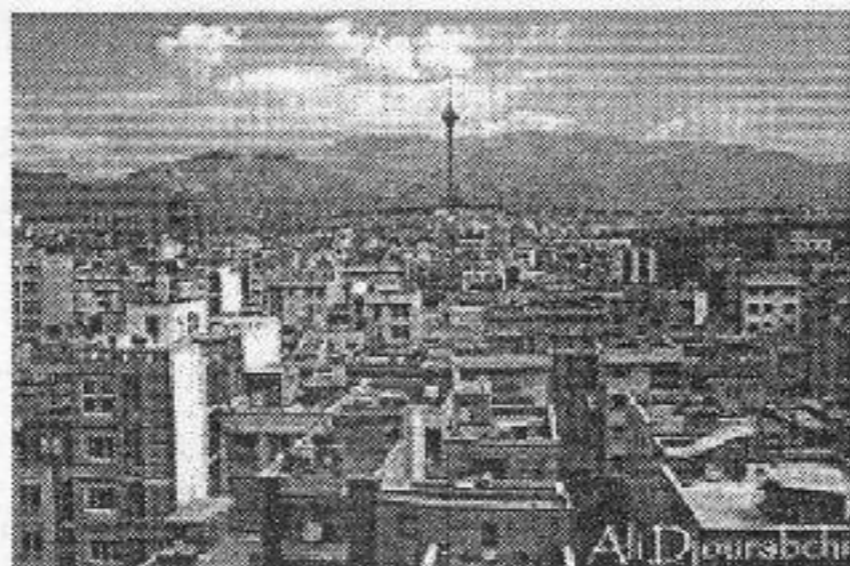
بیشتر شعرهای مذهبی می خواند.

۴.

این جشن برای پهلوانان باتجربه است. ولی گاهی اوقات هم با این جشن برای پهلوانانی که درآمد

کافی ندارند و نمی توانند زندگی خود را اداره کنند، پول جمع می کنند.

شهر



پرسش های پیش از خواندن

۱. شما برای کارهای معمولی خود در طول یک روز به چه جاهایی می روید؟
۲. آیا مرکز های خرید کافی در شهر شما وجود دارد؟
۳. شهر شما چقدر جمعیت دارد؟
۴. شهر شما در کدام قسمت از کشورتان است؟
۵. برای رفت و آمد در شهر از چه وسیله ای استفاده می کنید؟

واژه های جدید

شهر	آشنا کردن	جمعیت	شناختن
رفاه	آلوده	خرید کردن	مرکز
موزه	کاخ	داروخانه	کوچه
خیابان	چهارراه	بازار روز	بقالی
بازار	مترو	مَحَلّه	
آپارتمان	شمال	جنوب	فروشنده

دیوید یکی از دوستان علی ماه آینده به تهران می آید و می خواهد در دانشگاه تهران درس بخواند. این اولین بار است که به ایران می آید و اصلاً این شهر را نمی شناسد. پس علی با نوشتن یک نامه او را با این شهر بزرگ آشنا می کند.

دیوید عزیز ،

سلام . حالت چطور است؟ خیلی خوشحال هستم که به ایران می آیی. تهران پرجمعیت ترین شهر ایران و پایتخت است. هوا کمی آلوده است ، ولی مردم رفاه بیشتری دارند. همه ی سازمان ها و اداره ها در تهران هستند. مهم ترین مرکز تجارت در ایران بازار تهران است . بازار تهران در مرکز این شهر است. دانشگاه های مشهور و بزرگ ایران در این شهر هستند. بعضی از موزه ها و کاخ ها در شمال و بعضی در مرکز هستند.

در همه ی محله ها امکاناتی مثل نانوايي و سوپر و بقالی و داروخانه و خشکشویی و روزنامه فروشی وجود دارد. حتی صبح ها سر بعضی از چهارراه ها وقتی پشت چراغ قرمز هستی می توانی روزنامه بخری و وقت خود را با روزنامه خواندن پر کنی. در هر محل یک بازار روز میوه هم هست. قیمت میوه ها در بازار روز ارزان تر از میوه فروشی های دیگر است.

برای رفت و آمد می توانی از مترو و اتوبوس و تاکسی استفاده کنی. رانندگی در تهران خیلی سخت است.

مردم تهران آخر هفته ها برای خرید بیشتر به بازار یا به مرکز خرید می روند. آنها بیشتر در آپارتمان زندگی می کنند. خانه ها در شمال شهر بزرگ تر و گران تر از مرکز و جنوب است. مردم کمتر با همسایه ها رفت و آمد می کنند.

خیابان ها به غیر از روزهای تعطیل همیشه شلوغ است. رستوران ها زیاد هستند و بعضی از آنها خیلی لوکس و قیمت غذاها در آنها گران تر است. در بعضی از رستوران ها غذاهای خارجی مثل هندی و چینی و ایتالیایی و ... می فروشند. من مطمئن هستم از این رستوران ها خوشت می آید.

نوشتن و حرف زدنِ تهرانی ها فرق دارد. یعنی چیزی که می نویسند با چیزی که می گویند فرق دارد. مثلاً می نویسند "خانه" ولی وقتی حرف می زنند می گویند "خونه".....

منتظر دیدن تو در تهران هستم.

بخش اول: درک مطلب

الف) با توجه به متن پاسخ درست را با علامت «د» و پاسخ نادرست را با علامت «ن» مشخص کنید.

- ۱. دانشگاه های مهم ایران در تهران هستند.
- ۲. همه ی سازمان ها و اداره ها در ایران هستند.
- ۳. قیمت میوه ها در بازار تهران ارزان تر است.
- ۴. خیابان های تهران همیشه شلوغ هستند.
- ۵. همه ی رستوران های تهران غذاهای خارجی می فروشند.

ب) با توجه به متن به پرسش های زیر پاسخ دهید.

۱. چرا دیوید ماه آینده به ایران می آید؟

.....

۲. چگونه علی دیوید را با تهران آشنا می کند؟

.....

۳. در محله های تهران چه امکاناتی وجود دارد؟

.....

۴. مردم تهران برای رفت و آمد از چه وسیله هایی استفاده می کنند؟

.....

۵. آیا در تهران موزه و کاخ هم وجود دارد؟

بخش دوم: تمرین واژگان

الف) واژه‌ها و عبارت‌های ستون اول را به هم معنی‌شان در ستون دوم وصل کنید.

۱. چهارراه فرصت‌ها توانایی‌های لازم برای انجام دادن کاری

۲. بازار روز جایی که در آن میوه فروشی‌های زیادی هست و میوه‌ها ارزان‌تر است

۳. رفت و آمد دوست داشتن

۴. خوش آمدن جایی که در آن چهار محل عبور وجود دارد

۵. رفاه رفتن و برگشتن

۶. امکانات جایی که فروشگاه‌های زیادی با کالاهای مختلف وجود دارد

۷. مرکز خرید راحتی یا آرامش

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

کردن - آمدن - زدن

آشنا..... خوش..... پیدا.....

رفت و آمد..... حرف.....

پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

۱.

- ۲
- ۳
- ۴
- ۵

ت) درباره ی امکانات شهری چه کلمه هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ث) درباره ی بخش های مختلف شهر چه کلمه هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ج) جاهای خالی جمله های زیر را با واژه ی مناسب پر کنید.

داروخانه - موزه - رفاه - آپارتمان - منتظر - پایتخت - پرجمعیت

۱. بغداد عراق است وترین شهر این کشور است.

۲. روستاهای ایران کمتر از شهر ها دارند.

۳. چرا دیر آمدی؟ من از ساعت ۳ تا ۵ روزه روی دانشگاه تو بودم.

۴. مادرم دیشب سردرد داشت، برای همین به رفتم و دارو خریدم.

۵. من در خودم ورزش می کنم.

۶. وقتی خارجی ها به ایران می آیند اول برای دیدن چیزهای قدیمی و تاریخی به می

روند.

ج) جاهای خالی جمله های زیر را با شکل درست مصدرهای زیر پر کنید.

پر کردن - آشنا کردن - خوش آمدن - رفت و آمد کردن - نوشتن

۱. دوستم من را با این کتاب
.....

۲. شما قبلاً همیشه با مترو چرا حالا از اتوبوس استفاده می کنید؟
.....

۳. لطفاً سمت را بالای ورقه ات
.....

۴. او اصلاً از غذاهای خارجی ولی حالا غذای خارجی هم می خورد.
.....

۵. چرا برای وقت در اتوبوس روزنامه نمی خوانی؟
.....

ح) در جمله های زیر واژه ها یا عبارات های اریب به کدام واژه یا عبارت در متن بر می گردند؟

۱. تهران شلوغ ترین شهر ایران است.
.....

۲. مردم تهران راحتی بیشتری دارند.
.....

۳. دیوید یک ماه دیگر به ایران می آید.
.....

۴. بعضی از موزه ها در بالای شهر و بعضی در وسط شهر هستند.
.....

۵. خیابان ها بجز روزهایی که همه جا بسته است شلوغ است.
.....

بخش سوم: خواندن بیشتر

در اینترنت دیدم که می‌خواستند بهترین شهردار جهان را انتخاب کنند. شهر ما یک شهردار فعال و باتجربه داشت. وقتی او شهر دار شد، دوست داشت شهر کوچک و قدیمی ما یک شهر جهانگردی شود. بنابراین تصمیم گرفت خانه‌ها و پل‌های قدیمی شهر را بازسازی کند. وقتی او شهر دار بود در پارک‌ها و فضاهای سبز شهر ساختمان‌هایی ساختند و در آن ساختمان‌ها مجسمه‌هایی درست کردند که وقتی آنها را می‌دیدیم می‌فهمیدیم مردم در زمان‌های قدیم چگونه و با چه وسایلی زندگی می‌کردند. کنار رودخانه‌ی وسط شهر رستوران‌هایی به شکل قایق ساختند که در آنها کارمندان و کارگران رستوران با لباس‌های سنتی کار می‌کردند. از ساختمان‌های قدیمی شهر برای ساختن هتل استفاده کردند. در همه‌ی مغازه‌ها و مرکز‌های خرید گل‌های رنگارنگی کاشتند. حتی دو طرف پل‌های عابر و پله‌های آنها را هم با گل زیبا کردند.

او دوست نداشت شهر ترافیک داشته باشد، بنابراین در بیرون از شهر چند فرهنگسرا ساخت که مردم برای تفریح و مطالعه و... به خارج از شهر هم بروند. بعضی از این فرهنگسراها کاملاً پیشرفته بودند، مثلاً در بخشی از یک فرهنگسرای کاملاً جدید، با استفاده از مجسمه‌های کارگر به مردم نشان می‌دادند که با زباله‌های شهری چه کار کنند و چگونه و در کجا از آنها دوباره استفاده می‌کنند.

شهردار جدید هم شکل قدیمی شهر را نگه داشته بود، هم شهر را پیشرفته کرده بود، اما ما نمی‌توانستیم او را برای بهترین شهردار دنیا انتخاب کنیم، چون شهردارهای شهرهای کوچک نمی‌توانستند در این مسابقه شرکت کنند.

بخش اول

الف) از روی متن درس روخوانی کنید (۴ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

ب) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (۳ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

الف) برای متن بالا یک عنوان مناسب انتخاب کنید.

.....

ب) برای پاسخ های زیر یک سؤال مناسب بنویسید.

..... ۱.

- از ساختمان های قدیمی برای ساختن هتل استفاده کردند.

..... ۲.

- چون دوست نداشت شهر ترافیک داشته باشد.

..... ۳.

- چون شهردار شهرهای کوچک نمی توانستند در این مسابقه شرکت کنند

در جمله های زیر واژه هایی که زیر آنها خط کشیده شده است، چه معنایی دارند؟ گزینه ی درست را انتخاب کنید.

۱. غذاهای این کشور با کشور من متفاوت هستند.

الف) فرق دارند ب) کمی مثل هم هستند ج) یک جور هستند

۲. نظر پدرم با من در باره ی این مسافرت فرق داشت.

الف) نظر ما مثل هم نبود ب) او پیشنهاد دیگری داشت ج) ما مثل هم فکر می کردیم

۳. من به دوستم پیشنهاد دادم با هم به سفر برویم.

الف) به او نظرم را گفتم ب) چند بار از او خواستم ج) با او مخالف بودم

۴. دوستم به من گفت رنگ سرمه ای به تو نمی آید.

الف) برای تو مناسب نیست ب) خیلی زیبا است د) سن تو را زیاد نشان می دهد

۵. دوست هایم همیشه کلاه پشمی من را مسخره می کردند.

الف) دوست داشتند ب) به آن می خندیدند د) از آن تعریف می کردند

۶. کارگرهای خیاط از اختراع چرخ خیاطی خوشحال نبودند.

الف) استفاده کردن ب) اولین بار ساخته شدن د) ساختن و استفاده از آن

۷. مردم امروز بیشتر دوست دارند از لباس های حاضری استفاده کنند.

الف) آماده ب) دوخته شده د) مد های جدید

۸. بچه های کلاس ما برای اوقات فراغت به استخر می روند.

الف) وقت آزاد ب) تمرین کردن ج) شنا کردن

۹. پدربزرگ اصرار می کرد من ورزش کنم.

الف) از من خواهش می کرد ب) از من می خواست ج) پافشاری می کرد

۱۰. وقتی مدرسه ها تعطیل می شدند، من بال در می آوردم.

الف) خیلی خوشحال می شدم ب) کارم زیاد می شد ج) ورزش می کردم

۱۱. دوستم همیشه با صدای بلند درس می خواند. این کار او همیشه من را اذیت می کرد.

الف) ناراحت می کرد ب) من هم چیزی یاد می گرفتم ج) برای من خوب بود

۱۲. من و دوستم همیشه کارهایمان را با هم نصف می کردیم.

الف) به دو قسمت تقسیم می کردیم ب) تمرین می کردیم ج) انجام می دادیم

۱۳. کار قبلی من خیلی پر دردسر بود، بنابراین آن را عوض کردم.

الف) حقوق کمی داشت ب) سخت بود ج) مشکلات زیادی داشت

۱۴. قطار های این ایستگاه همیشه تاخیر دارند.

الف) دیر می آیند ب) زیبا هستند ج) به موقع می آیند

۱۵. ما قبل از مسافرت همیشه هتل رزرو می کنیم.

الف) از قبل اتاق می گیریم

ب) آدرس آن را می گیریم

د) به آنجا زنگ می زنیم

۱۶. در موقع خطر مهماندارهای هواپیما باید به مسافرها کمک کنند.

الف) کسانی که در داخل هواپیما از مسافرها پذیرایی می کنند

ب) کارمند های هواپیما

ج) کارمندی های آژانس مسافرتی

۱۷. مادر بزرگ همیشه برای ما دعا می کرد.

الف) به ما کمک می کرد

ب) از خدا برای ما چیزهای خوب می خواست

ج) خوشحال می کرد.

۱۸. وقتی مریض می شوم، اشتهای خوبی ندارم.

الف) تب دارم

ب) ناراحت هستم

ج) غذا نمی خورم

۱۹. من اصلاً دوست ندارم در اتاق انتظار بنشینم.

الف) جایی که برای معاینه می روند

ب) جایی که بیمارها برای رفتن به اتاق دکتر منتظر می مانند

ج) جایی که برای دادن آزمایش پزشکی می روند

۲۰. او دیشب با دیدن یک موش در اتاقش غش کرد.

الف) فریاد زد

ب) از هوش رفت

ج) فرار کرد

۲۱. بچه ی دوستم دیشب تب بالایی داشت، بنابراین او را با هم به مطب دکتر بردیم.

الف) سرفه می کرد

ب) مریض بود

ج) دمای بدنش بالا بود

۲۲. هر وقت سرما می خوریم باید آن را زود درمان کنیم.

الف) معالجه کنیم

ب) دارو بخوریم

د) استراحت کنیم

۲۳. زباله های شهری همیشه مشکل بزرگی برای شهرداری ها هستند.

الف) رفت و آمد ب) تمیزی شهر د) آشغالهای شهری

۲۴. شهردار تصمیم گرفت همه ی جاهای قدیمی را بازسازی کند.

الف) بسازد ب) رنگ کند د) تعمیر کند

۲۵. ورزش های سنگین برای افراد بیمار ضرر دارد.

الف) قوی می کند ب) مفید نیست د) خوب نیست

بخش دوم

یکی از واژه ها در گروه خودش نیست، دور آن خط بکشید.

۱. در زمستان لباس هایی مانند پالتو/ چکمه/ شال/ تی شرت مناسب هستند.
۲. همه ی آدم ها در دوره های مختلف زندگی شان مانند کودکی/ نوجوانی/ دانشجویی/ پیری مثل دوره ی قبلی فکر نمی کنند.
۳. در این بازار پارچه های مختلفی مانند پارچه های نخی/ پشمی/ ابریشمی/ خاکستری وجود دارند.
۴. در این آموزشگاه هنری کلاسهای خیاطی/ قالی بافی/ ورزش/ نقاشی برگزار می شود.
۵. من از اوقات فراغت خودم برای تفریح/ کار/ ورزش/ موسیقی استفاده می کنم.
۶. این شرکت هواپیمایی چند مهماندار/ خلبان/ کارمند آژانس/ راننده ی تاکسی استخدام کرد.
۷. در فرهنگسرا/ ورزشگاه/ آموزشگاه/ مجموعه ی فرهنگی کلاس های آموزش هنری و علمی برگزار می شود.
۸. راننده ی تاکسی همیشه باعجله/ به موقع/ دیر/ خوشحال می آید.

۹. آنها برای مسافرتشان بلیت / چمدان / هتل / وسایل سفر آماده کردند.

۱۰. دوستم به حیوانات / پرندگان / گیاهان / حشرات خیلی علاقه دارد.

۱۱. نویسنده ها / شاعر ها / ورزشکاران / دانشجویان ادبیات در کلاس های شعر شرکت می کردند.

۱۲. وقتی پیش دکتر می روم باید دارو / سرم / قرص / شربت هایم را به موقع بخورم.

۱۴. دیروز در اتاق انتظار / مطب / درمانگاه / پرونده منتظر رفتن پیش دکتر بودم.

۱۵. شهردار پل ها / رستوران ها / ساختمان ها / کتاب های قدیمی را بازسازی کرد.

۱۶. بچه ها در فرهنگسراها / فضاهای سبز / پارک ها / ورزشگاه های شهر بازی می کنند.

۱۷. ورزش های جدید در این مجموعه های ورزشی / زورخانه ها / ورزشگاه ها / باشگاه ها انجام می شوند.

۱۸. ورزش اندام / سلامتی / بدن / پوست انسان را زیبا می کند.

۱۹. ورزش های زورخانه ای / کوهنوردی / یوگا / فوتبال ورزش های سنگینی هستند.

۲۰. ورزش های سنتی / مفید / سبک / هدفدار برای سلامتی خیلی خوب هستند.

۲۱. شهردار برای زیبا شدن شهر مجسمه ها / گل ها / ساختمان ها / پل های جدیدی در شهر ساخت.

بخش سوم

جاهای خالی را با واژه ی مناسب پر کنید.

الف) متفاوت - متفاوت بودن

۱. من کارهای را دوست دارم.

۲. کارهای من و دوستم همیشه با هم

ب) اختلاف - اختلاف داشتن

۱. او به خاطر با پدرش از خانه رفت.

۲. من و دوستم همیشه با هم

پ) اختراع - اختراع کردن

۱. وسیله های جدید به پیشرفت دنیا کمک می کند.

۲. دانشمندان هر روز وسیله های جدیدی

ت) خیاط - خیاطی - خیاطی کردن

۱. مادر من است. او همیشه لباس های من را می دوزد.

۲. دیروز برای دوختن لباس هایم به رفتم.

۳. کارگراها در این کارگاه روزی ۸ ساعت

ث) پیشنهاد - پیشنهاد دادن

۱. من های استادم را برای سفر قبول کردم.

۲. آنها به ما برای تعطیلات به شهرشان برویم.

ج) اصرار - اصرار کردن

۱. دوستم به خاطر من این غذا را خورد.

۲. بچه ها برای رفتن به تعطیلات به پدرشان که به شمال کشور بروند.

چ) اذیت - اذیت کردن

۱. دوستم به خاطر های همسایه اش از این خانه رفت.

۲. هوای کثیف شهر همه را

ح) شرکت - شرکت کردن

۱. مادر یک خارجی کار می کنیم.

۲. مادر می گوید همه باید در کارهای خانه

(خ) انتخاب - انتخاب کردن

۱. او برای من یک هدیه ی زیبا آورد. من از او خیلی خوشحال شدم.

۲. ما برای مسافرت شهر کرمان را

(د) تأخیر - تأخیر داشتن

۱. مدیر مدرسه او را به خاطر هایش بیرون کرد.

۲. هواپیماها نباید هیچ وقت

(ذ) تجربه - با تجربه - تجربه داشتن

۱. پدر بزرگ دوست دارد از های جوانی اش برایمان حرف بزند.

۲. من دوست دارم با آدم های کار کنم.

۳. استادم در کارش خیلی

(ر) آزمایشگاه - آزمایش - آزمایش دادن

۱. دکتر به او گفت به نزدیک بیمارستان برود.

۲. او های خودش را به دکتر نشان داد.

۳. هر کسی باید هر ۶ ماه

(ز) نگران - نگرانی - نگران بودن

۱. برای امتحان ها نباید باشید.

۲. من از آنها برای مسافرت فردا خیلی تعجب کردم.

۳. همه هواپیما به موقع پرواز نکنند.

(ژ) مُرَخَّص - مرخص کردن

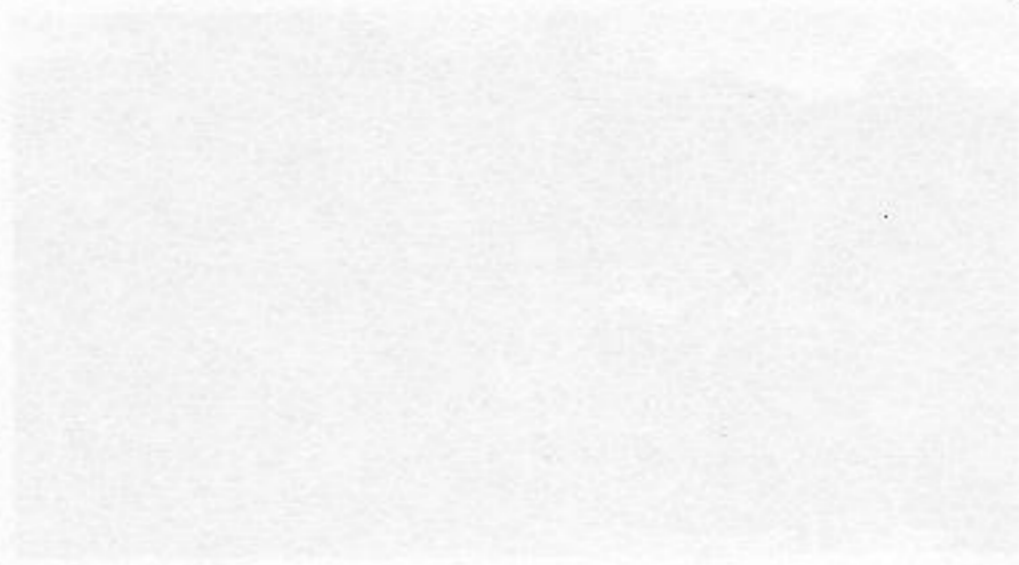
۱. بیمار حالش خوب شده بود. پزشک گفت می تواند بشود.

۲. پزشک دوست دارد خیلی زود بیماری را که خوب شده اند را

(س) اطمینان - اطمینان داشتن

۱. من از او به خودم خیلی خوشحال شدم.

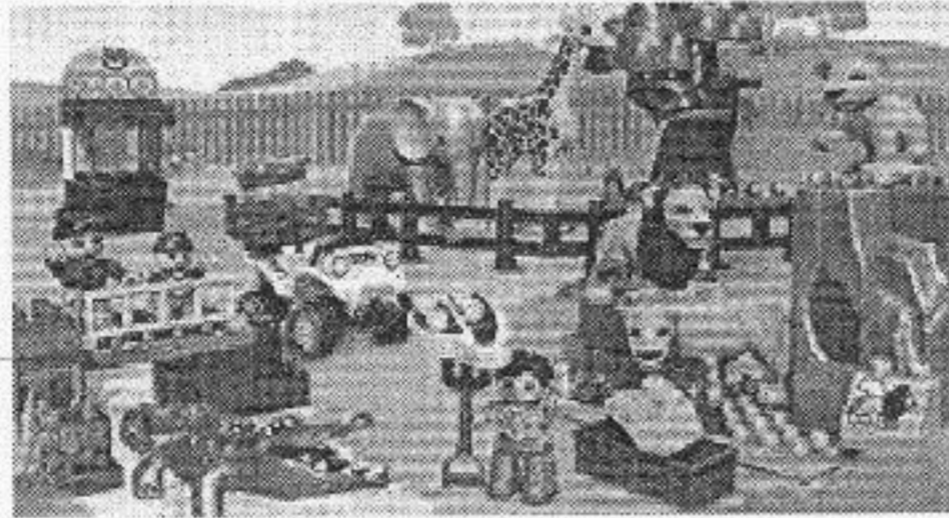
۲. ما به کار این کارگرممان



می توانستند دانش آموزان را به باغ وحش ببرند. کار سختی بود. چهار دانش آموز به همراه دو
معلم بچه ها از اتوبوس پیاده شدند. یکی از معلم ها موافق بچه ها بود و یکی دیگر برای بچه ها
بلیط خرید دانش آموزان را ردیاج و حسان شدند. در آنجا حیوانات اهلی و وحشی در قفس ها بودند.
بچه ها با خوشحالی دور قفس آنها جمع می شدند و عکس می گرفتند. بعد از آن به طرف حیوانات
آمد. صدای شیر و پیر و بنگ و تیل و زرافه و پرندگان مختلف مثل بلبل و طاووس و ... بچه ها به
طرف قفس میمون ها رفتند. میمون کوچک داشت توی قفس کارهای بازره ای می کرد و همه به
کارهای او می خندیدند. پیام یکی از دانش آموزان هم داشت از آنجا عکس می گرفت. دانش آموزان
دورین پیام استاد کنار قفس میمون ها و میمون کوچک را در یک لحظه دورین را برداشت و کرد توی

قفس
پیام هرکاری کرد نتوانست آن را بگیرد. برای همین به دفتر باغ وحش رفت و گفت: دورینم را
یکی از میمون ها گرفته است و من نمی توانم آن را پس بگیرم. یکی از کارگرهای باغ وحش وارد
قفس شد و دورین را از میمون گرفت و به پیام داد.
پیام دورین را به عکاسی کرد و عکس ها را ظاهر کرد. بچه عکس های خنده داری ا توی عکس بود
ها زبانشان را برای خنده ها درآورده بودند و می خندیدند. دختر کوچک دورین داشت به طرف میمون
ها پوسته موز پرتاب می کرد. جلوی همه ی عکس ها برفه های قفس بود مثل این بود که آدم ها

حيوانات



پرسش های پیش از خواندن

۱. آیا حیوان خانگی دارید؟ اسمش چیست؟ چه کسی برایش اسم گذاشته است؟
۲. کدام حیوان را بیشتر دوست دارید؟
۳. از چه حیواناتی می ترسید؟
۴. در کشور شما مردم بیشتر چه حیواناتی را نگهداری می کنند؟

واژه های جدید

عکس گرفتن	به همراه	باغ وحش
قفس	شیر	به طرف
بیر	پرنده	راه رفتن
پلنگ	بُردن	مسابقه
فیل	برداشتن	دوربین

ناگهان	خندیدن	زرافه
اهلی	پس گرفتن	میمون
وحشی	ظاهر کردن	

باغ وحش

می خواستند دانش آموزان را به باغ وحش ببرند. کار سختی بود. چهل دانش آموز به همراه دو معلم. بچه ها از اتوبوس پیاده شدند. یکی از معلم ها مواظب بچه ها بود و یکی دیگر برای بچه ها بلیط خرید. دانش آموزان وارد باغ وحش شدند. در آنجا حیوانات اهلی و وحشی در قفس ها بودند. بچه ها با خوشحالی دور قفس آنها جمع می شدند و عکس می گرفتند. صدای حیوانات مختلفی می آمد. صدای شیر و ببر و پلنگ و فیل و زرافه و پرندگان مختلف مثل بلبل و طاووس و ... بچه ها به طرف قفس میمون ها رفتند. میمون کوچولو داشت توی قفس کارهای بامزه ای می کرد و همه به کارهای او می خندیدند. پیام یکی از دانش آموزان هم داشت از آنها عکس می گرفت. ناگهان دوربین پیام افتاد کنار قفس میمون ها و میمون کوچولو در یک لحظه دوربین را برداشت و بُرد توی قفس.

پیام هرکاری کرد نتوانست آن را بگیرد. برای همین به دفتر باغ وحش رفت و گفت: دوربینم را یکی از میمون ها گرفته است و من نمی توانم آن را پس بگیرم. یکی از کارگرهای باغ وحش وارد قفس شد و دوربین را از میمون گرفت و به پیام داد.

پیام دوربین را به عکاسی بُرد و عکس ها را ظاهر کرد. چه عکس های خنده داری! توی عکس بچه ها زبانشان را برای میمون ها درآورده بودند و می خندیدند. دختر کوچولویی داشت به طرف میمون ها پوست موز پرتاب می کرد. جلوی همه ی عکس ها میله های قفس بود. مثل این بود که آدم ها

توی قفس بودند. برای همین عکس ها خیلی خنده دار بودند. در یکی از عکس ها هم پیام داشت گریه می کرد، چون می خواست دوربینش را بگیرد. در بیشتر عکس ها یکی از گوش های میمون مادر پیدا بود، چون میمون روی شانه ی مادرش نشسته بود.

در مدرسه مسابقه ی عکاسی بود و عکس های زیادی روی دیوار بود، ولی از بین همه ی آنها عکس های پیام اول شدند. مدیر مدرسه به پیام یک دوربین عکاسی مدل جدید جایزه داد.

خلاصه ای از داستان "باغ وحش" نوشته "هوشنگ مرادی کرمانی"

بخش اول: درک مطلب

الف) با توجه به متن پاسخ درست را با علامت «د» و پاسخ نادرست را با علامت «ن» مشخص کنید.

۱. دانش آموزان وقتی از اتوبوس پیاده شدند بلیط خریدند.
۲. وقتی پیام عکس می گرفت همه به او می خندیدند.
۳. بچه ها دور قفس حیوانات جمع می شدند و عکس می گرفتند.
۴. وقتی دوربین پیام افتاد یکی از میمون ها دوربین او را برداشت.
۵. عکس های پیام بهترین عکس های مسابقه بودند.
۶. کارهای دانش آموزان در باغ وحش خیلی خنده دار بودند.

ب) با توجه به متن به پرسش های زیر پاسخ دهید.

۱. در باغ وحش چه حیواناتی بودند؟

۲. چرا عکس هایی که پیام گرفت خنده دار بود؟

..... -
۳. وقتی پیام نتوانست دوربین را از میمون بگیرد چه کار کرد؟

..... -
۴. چرا در بیشتر عکس ها گوش میمون مادر پیدا بود؟

..... -
۵. مدیر مدرسه به پیام چه جایزه ای داد؟

بخش دوم: تمرین واژگان

الف) واژه ها و عبارت های ستون اول را به هم معنی شان در ستون دوم وصل کنید.

۱. ناگهان

یک دفعه

۲. بامزه

انداختن

۳. وارد شدن

هدیه برای کار خوب و عالی

۴. پرتاب کردن

بیرون آوردن

۵. در آوردن

به جایی داخل شدن

۶. جایزه

جالب / دوست داشتنی

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

گرفتن - رفتن - شدن - کردن

عکس..... راه..... ظاهر.....

گریه.....

وارد.....

پس.....

پرتاب.....

اول.....

پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

۱.

۲.

۳.

۴.

۵.

۶.

۷.

۸.

ت) درباره ی حیوانات چه کلمه هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

.....

ث) درباره ی صفت های مربوط به حیوانات چه کلمه هایی در متن وجود دارد، آنها را بنویسید.

.....

ج) جاهای خالی جمله های زیر را با واژه ی مناسب پر کنید.

به طرف - مسابقه - خنده دار - بامزه - عکاسی - اهلی

۱. بچه ها وقتی کوچک هستند خیلی حرف می زنند.

۲. فیلمی که دیشب دیدیم خیلی بود. همه از اول تا آخر فیلم می خندیدند.
۳. وقتی ایستگاه اتوبوس می رفتم دوستم را دیدم.
۴. در والیبال بچه های مدرسه ی ما برنده شدند.
۵. در باغ وحش هم حیوانات وحشی وجود دارد و هم حیوانات.....
۶. خواهرم در دانشگاه فیزیک می خواند ولی به رشته ی علاقه دارد.
- (چ) جاهای خالی جمله های زیر را با شکل درست مصدر های زیر پر کنید.
- گریه کردن - عکس گرفتن - ظاهر کردن - پرتاب کردن - پس گرفتن - راه رفتن
۱. کتابم را به دوستم داده ام امروز می خواهم آن را
۲. وقتی به مسافرت می رویم خواهرم از منظره های زیبا و درخانه عکس ها را
۳. وقتی بچه بودم، دوست نداشتم تکلیف هایم را بنویسم، پس هنگام نوشتن تکلیف هایم
۴. میمون ها در باغ وحش پوست موزها را به طرف مردم
۵. آنها برای رسیدن به قله ی کوه سه ساعت (نشانه نیست!)
- (ح) در جمله های زیر واژه ها یا عبارات های اریب به کدام واژه یا عبارت در متن بر می گردند؟
۱. عکس هایی که به دیوار چسبانده بودند همه عکس طبیعت بودند.
۲. دانش آموزان آشغال ها را در سطل آشغال/نداختند.....
۳. یکی از دانش آموزان در مسابقه ی نقاشی برنده شد.
۴. وقتی بچه بودم صبح ها با مادرم به مدرسه می رفتم..... (راه)

بخش سوم: خواندن بیشتر

زندگی در ایل سختی های زیادی دارد. کار خیلی زیاد است. عشایر یعنی همان مردم ایل در تابستان ها به جاهای خنک و زمستان ها به جاهای گرم می روند و در چادر زندگی می کنند. آنها حیوانات مختلفی را نگه می دارند و از آنها در زندگی شان استفاده می کنند. مثلاً چادرهایشان را از پشم بز می بافند و از شیر گاو ها و گوسفندهای خود ماست، پنیر و دوغ و کشک و کره و ... درست می کنند. همه ی افراد خانواده ی عشایری کار می کنند. آنها برای تهیه ی غذا از گوشت مرغ و خروس و گوسفندهایشان استفاده می کنند. گاهی اوقات حیواناتی مثل خرگوش یا بعضی از پرنده ها را شکار می کنند. اسب و الاغ وسیله ی رفت و آمد آنهاست.

اولین صدایی که هر روز خانواده ی عشایری می شنوند، صدای حرکت گله ی گوسفندان و صدای سگ های گله است که به طرف کوه می روند. خانواده عشایری صبح خیلی زود بیدار می شوند مردها صبح زود گله را می شمرند، زن ها هم صبح زود نان درست می کنند. اگر گاو داشته باشند صبح زود شیر گاوها را می دوشند تا ماست و کره و ... درست کنند. وقتی صبحانه می خورند درباره ی کارهای آن روز هم باهم صحبت می کنند. بعد از صبحانه مردها با اسب و الاغ به صحرا می روند و یا به زمین های کشاورزی می روند. بعضی وقت ها هم برای خرید به شهر می روند. زن ها هم خانه داری می کنند، هم خیاطی و قالی بافی.

نزدیک غروب آفتاب، گله از کوه برمی گردد. شب ها پسرهای جوان مواظب گله هستند تا گرگ آنها را نخورد یا کسی آنها را نذرود. چون مردم ایل بدون حیواناتشان نمی توانند زندگی کنند.

بخش اول

الف) از روی متن درس رو خوانی کنید (۳ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

ت) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (۳ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان مناسب انتخاب کنید.

ب) برای پاسخ های زیر یک سؤال مناسب بنویسید.

۱.؟

- آنها برای تهیه ی غذا از گوشت مرغ و خروس و گوسفندهایشان استفاده می کنند.

۲.؟

- اولین صدایی که هر روز خانواده ی عشایری می شنوند صدای حرکت گله گوسفندان و صدای سگ های گله است که به طرف کوه می روند.

۳.؟

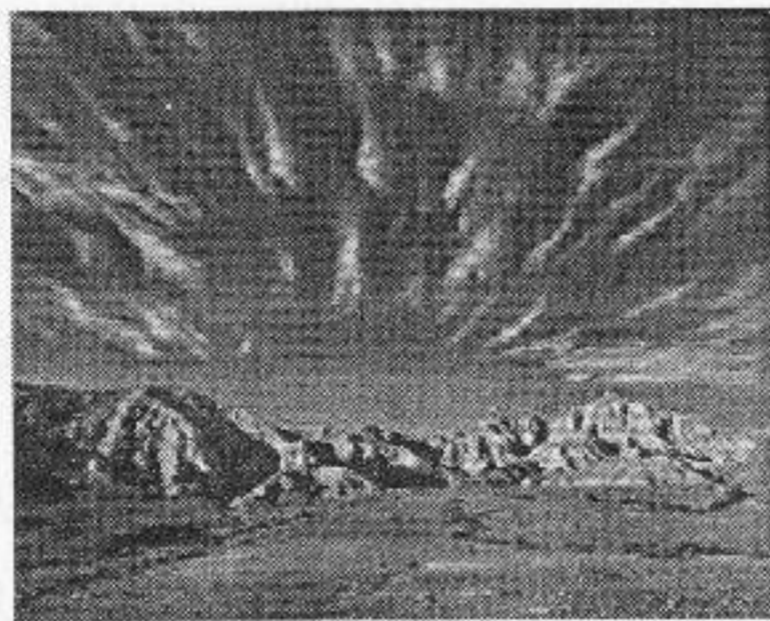
- نزدیک غروب آفتاب گله از کوه برمی گردد.

۴.

- چون مردم ایل بدون حیواناتشان نمی توانند زندگی کنند.

درس چهاردهم

طبیعت



پرسش های پیش از خواندن

۱. شما چند ساعت در هفته برای گردش به طبیعت می روید؟

۲. زیباترین چیزی که تا به حال در طبیعت دیده اید چیست؟

۳. چه اتفاق های طبیعی را می شناسید؟

۴. کدام یک از اتفاق های طبیعی را از نزدیک دیده اید؟

واژه های جدید

برنامه	آرگ	تاریخی	قلعه	قدیمی
زلزله	خطرناک	خیال	فصلی	خشک
گویر	رگبار	به وجود آمدن	سیل	توفان
باریدن	گردباد	وسایل	اتفاق	خرابی

سفر به ارگِ بَم

همیشه در برنامه های تلویزیونی ارگِ بَم را می دیدم. یک قلعه ی تاریخیِ بزرگ و قدیمی. خیلی دوست داشتم آنجا را ببینم و در کوچه های قدیمیِ آنجا راه بروم. می خواستم بدانم مردم در زمانِ قدیم چطور زندگی می کردند، چه می خوردند و چه می پوشیدند؟

شهرِ بَم خشک ترین شهرِ کویرِ لوت است و ارگِ بَم در نزدیکی آن است. این کویر بسیار خشک است. بعضی از مردمِ کویر می گویند این کویر خشک ترین جای دنیاست و درباره ی آن افسانه های زیادی درست کرده اند. در کویر لوت بسیار کم باران می بارد و وقتی باران می بارد سیل می آید. بیشتر باران ها به شکلِ رگبار است. این باران ها دریاچه های فصلی درست می کنند. توفان های کویری هم بسیار خطرناک هستند. گاهی هم گردباد های بزرگ در کویر وقتی به شهر ها یا روستاها می رسند، همه چیز را خراب می کنند.

شهر های کویر برای من خیلی جالب بودند. سختی های زندگی در کویر مردم را از این شهرها دور نکرده بود. مردم مشکلاتِ کویر را قبول کرده به زندگی در آن عادت کرده بودند و آن را دوست داشتند.

همه چیز را برای سفر آماده کردم. بلیت و وسایلِ سفر و رزرو هتل. اما دو روز مانده به مسافرتم خبرِ تلخی از تلویزیون شنیدم که همه ی برنامه های من را خراب کرد. در تاریخ پنجمِ دی ماه هزار و سیصد و هشتاد و دو زلزله ی شدیدی شهرِ بَم را خراب کرد. این اتفاقِ بزرگ برای همه ی مردم ایران تلخ و سخت بود. دیگر دوست نداشتم به آنجا بروم. دوست نداشتم خرابی های آنجا را ببینم، اما بعد از دو روز تصمیم گرفتم به این شهر بروم و به مردم آنجا کمک کنم.

بخش اول: درک مطلب

الف) با توجه به متن پاسخ درست را با علامت «د» و پاسخ نادرست را با علامت «ن» مشخص کنید.



۱. نویسنده ارگِ بَم را در برنامه های تلویزیون دیده بود.

□ ۲. نویسنده دوست داشت شهر بم را ببیند.

□ ۳. در کویر لوت باران های فصلی می بارد.

□ ۴. زلزله ی بم سفر نویسنده را خراب کرد.

□ ۵. بعد از زلزله نویسنده برای دیدن زیبایی های ارگ بم به آنجا رفت.

(ب) با توجه به متن به پرسش های زیر پاسخ دهید.

۱. چرا نویسنده می خواست ارگ بم را ببیند؟

..... -

۲. مردم درباره ی کویر لوت چه می گویند؟

..... -

۳. دریاچه های فصلی چطور درست می شوند؟

..... -

۴. چرا شهرهای کویر برای نویسنده جالب هستند؟

..... -

۵. چه چیزی برنامه ی سفر نویسنده را خراب کرد؟

..... -

بخش دوم: تمرین واژگان

الف) واژه ها و عبارت های ستون اول را به هم معنی شان در ستون دوم وصل کنید.

۱. وسایل سفر زمین بی آب با خاک شور که برای کشاورزی خوب نیست

۲. خبر تلخ داستان هایی که واقعی نیستند

۳. سیل □ دریای کوچک / حجم زیادی از آب که به دریا راه ندارد

۴. رگبار □ بالا آمدن و رسیدن ناگهانی آب به خشکی

۵. دریاچه □ خبری که ما را ناراحت می کند

۶. کویر □ باران ناگهانی و تند همراه با توفان

۷. افسانه □ چیزهایی که برای سفر لازم است

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

آمدن - داشتن - کردن - باریدن

..... سیل قبول باران
..... درست خراب

پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

۱.

۲.

۳.

۴.

۵.

۶.

ت) درباره ی طبیعت چه کلمه هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

.....

ج) جاهای خالی جمله های زیر را با واژه ی مناسب پر کنید.

تاریخی - فصلی - خرابی - خطرناک - زلزله - برنامه - افسانه

۱. صحبت کردن زیاد با موبایل مثل سیگار کشیدن.....است.
۲. یکی از اتفاق های طبیعی است.
۳. به خاطر تلفن نتوانستم با پدر و مادرم حرف بزنم.
۴. شروع بهار برای بعضی از مردم زمان شروع حساسیت های (آلرژی های) است.
۵. آیا برای سال جدید ی جدید دارید؟
۶. مردم شنیدن قدیمی را خیلی دوست دارند.
۷. تخت جمشید یکی از مکان های ایران است.

چ) جاهای خالی جمله ها را با شکل درست فعل های زیر پر کنید.

باران باریدن - سیل آمدن - خراب کردن - درست کردن - دور کردن - دیدن

۱. سال گذشته هر وقت به شمال می رفتیم ^{استراحت} برای همین همیشه با خودمان چتر می بردیم.

۲. در بهار وقتی باران می بارد برف ها آب می شوند و ممکن است

۳. در را باز کن و چه کسی پشت در است.

۴. دیروز به بازار رفتم، سبزی خریدم و شام | سبزی پلو با ماهی

۵. برای میکروب ها از بدن قبل از غذا خوردن دست هایتان را بشویید.

۶. خوردن شیرینی زیاد دندان ها را

ح) در جمله های زیر واژه ها یا عبارت های اریب به کدام واژه یا عبارت در متن بر می گردند؟

۱. دیشب همه ی چیزهایی را که برای مسافرت لازم است آماده کردم.

۲. شهری که ما در آن زندگی می کنیم قشنگی های زیادی دارد.

۳. زلزله ی شهر بم همه جا را ویران کرد.

۴. شنیدن خبر سیل پاکستان برای همه تلخ بود.

بخش سوم: خواندن بیشتر

در افسانه های قدیمی ایران می خوانیم که خدا قبل از هر چیز کوه ها را درست کرد. اولین کوه در این افسانه ها کوه های البرز هستند. هشتصد سال طول کشید تا البرز از زمین بیرون آمد. ریشه های البرز در همه جای زمین وجود دارند.

اسم گاه تنیلی

مهم ترین کوه البرز دماوند است. اولین انسان روی زمین یعنی کیومرث در دماوند زندگی می کرد. شهر دماوند نزدیک ترین شهر به کوه دماوند است. کوه دماوند در زمان های قدیم آتشفشانی بوده است. طبیعت منطقه ی دماوند بسیار زیباست و دشت ها و رودهای اطراف آن بسیار زیبا هستند.

هرسال کوهنوردان داخلی و خارجی برای کوهنوردی و دیدن زیبایی های طبیعت دماوند به آنجا می روند. دماوند به خاطر شکل مخصوصی که دارد، بسیار زیباست. کوهنوردی در دماوند خطرات زیادی دارد، خطراتی مثل تگرگ، باران، برف و بزم ^{از کوه} سنگین. البته کسانی که به کوهنوردی در دماوند و کوه های بزرگ عادت دارند می دانند در موقع خطر چه کارهایی باید بکنند. مسافرت از کنار کوه دماوند به طرف شمال ایران بسیار جالب است. چون بعد از گذشتن از منطقه ی کوهستانی و زیبای دماوند به منطقه ی مرطوب و سبز شمال ایران می رسیم.

بخش اول

الف) از روی متن درس رو خوانی کنید (۳ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

ث) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (۲ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان مناسب انتخاب کنید.

.....

ب) برای پاسخ های زیر یک سؤال مناسب بنویسید.

۱.؟

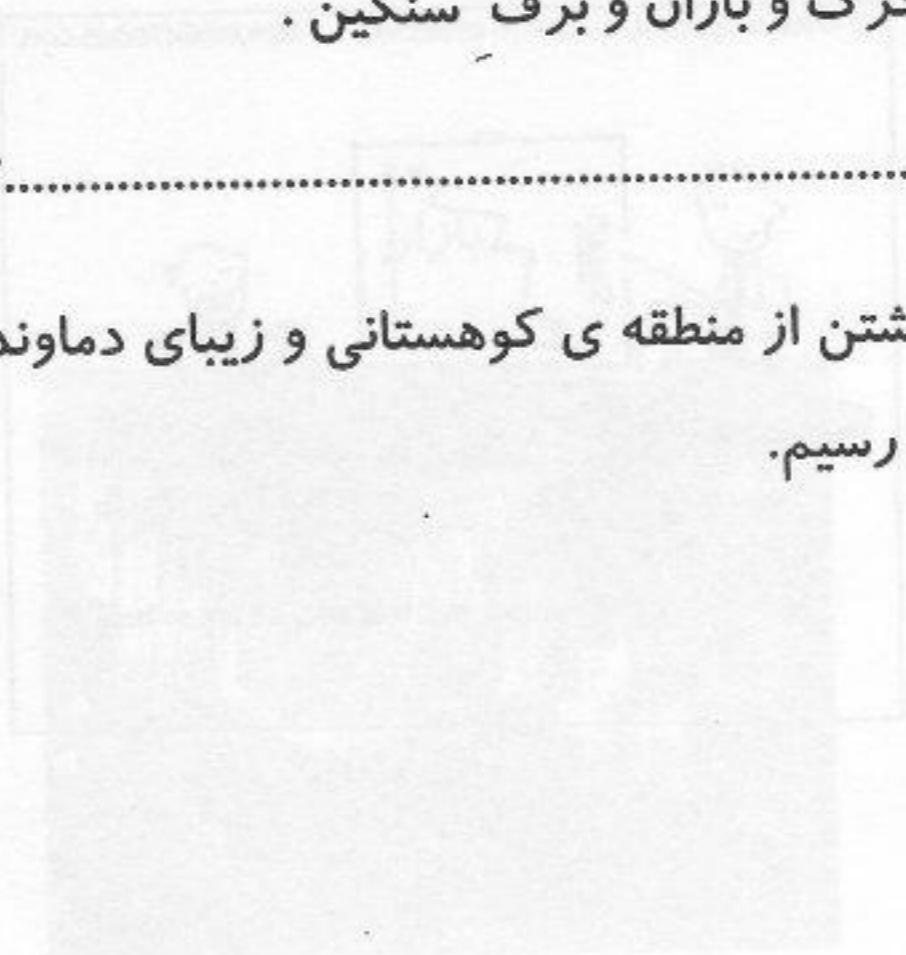
- شهر دماوند نزدیک ترین شهر به کوه دماوند است.

۲.؟

- خطراتی مثل تگرگ و باران و برف سنگین.

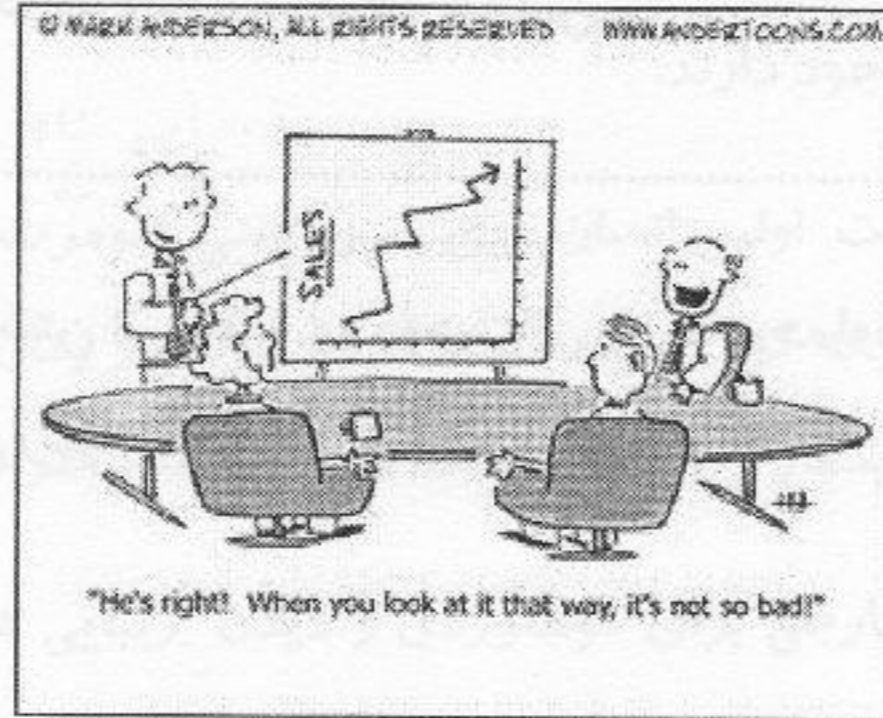
۳.؟

- چون بعد از گذشتن از منطقه ی کوهستانی و زیبای دماوند به منطقه ی مرطوب و سبز شمال ایران می رسیم.



بازار اصلی و بزرگ تهران در زمان قاجار درست شده است. این بازار اکنون در مرکز شهر و در نزدیکی خیابان های مزای و کاویر خسرو قرار دارد. همواره بازارهای دیگری وجود داشته است. بازار تهران را همواره بازاری رونق دهنده می دانند. این بازار در گذشته در محله های قدیمی تهران قرار داشت. در همه جای بازار هستند. بازار تهران بخش های مختلف دارد. یکی از بخش های مهم آن بخش پوشاک است. فروشنده متلا اگر کسی بخواهد کتبیله یا پیراهن بپوشد یا کلاه بپوشد یا کلاه بپوشد و آن را بپوشد. در سال های گذشته در تهران هر گزهای خرید زیادی مشاهده شد. اما بازار تهران هنوز جای خود را دارد و یکی از بزرگترین مراکز های تجاری ایران است. تقریباً همه چیزهای قدیمی و نو در بازارهای تهران قرار دارد. تهران وجود دارد. بازارها از زمان های قدیم و بازار مرکزی های تجارت شهر و منطقه ی خود بوده و هستند. در کنار بیشتر بازارهای قدیمی شهر یک پاساژ وجود دارد. در زمان های قدیم در کنار

تجارت



پرسش های پیش از خواندن

۱. در شهر شما بازار قدیمی وجود دارد؟
۲. هر کالایی را که بخواهید، می توانید در بازار قدیمی شهرتان پیدا کنید؟
۳. بازار قدیمی شهرتان را توصیف کنید.
۴. بازارهای قدیمی چه فرقی با مراکزهای خرید جدید دارند؟

واژه های جدید

بخش	تاجر	مصرف کردن	قرار داشتن
قاجار	تهیه کردن	بازرگانی	جهانگرد
مجموعه	تجاری	سیاست	کاروانسرا

مخصوص	فرهنگ	تجارت	راهرو
کالا	ارتباط	منطقه	تو در تو
		سلیقه	مسجد

بازار



بازار اصلی و بزرگ تهران در زمان قاجار درست شده است. این بازار اکنون در مرکز شهر و در نزدیکی خیابان های مولوی و ناصر خسرو قرار دارد. امروزه بازار تهران مجموعه ی بزرگی است. بازار تهران راهروهای تو در تو و بزرگی دارد که پُر از مغازه های مختلف است. این راهروها در همه جای بازار هستند. بازار تهران بخش های مختلفی دارد که در هر بخش کالاهای مخصوصی می فروشند. مثلاً اگر کسی بخواهد کالای مخصوصی تهیه کند، می تواند به بخش مخصوص آن کالا برود و آن را تهیه کند

در سال های گذشته در تهران مرکزهای خرید زیادی ساخته اند. اما بازار تهران هنوز جای خود را دارد و یکی از بزرگترین مرکز های تجاری ایران است.

تقریباً در همه ی شهرهای قدیمی و بزرگ ایران بازارهایی مانند بازار بزرگ تهران وجود دارد. این بازارها از زمان های قدیم و حالا مرکزهای تجارت شهر و منطقه ی خود بوده و هستند. در کنار بیشتر بازارهای قدیمی شهر یک مسجد و یک حمام قدیمی وجود دارد. در زمان های قدیم در کنار

بازار کاروانسراهایی هم بود که اکنون تقریباً همه ی آنها در داخل مجموعه ی بازارها هستند. در زمان های گذشته، مسافران و تاجران در این کاروانسراها استراحت می کردند. بازار های قدیمی هر شهر نه تنها مرکز تجارت و بازرگانی مردم، بلکه مرکز سیاست و فرهنگ و ارتباط های مردم هم بوده اند.

آفراد مختلفی همیشه به بازار تهران می روند. بازار هر شهر می تواند فرهنگ و سلیقه ی مردم آن شهر را نشان بدهد، به همین دلیل جهانگردان دوست دارند به بازار بروند؛ چون آنها از نزدیک می توانند مردم مختلف یک شهر را با سلیقه هایشان و نوع کالاهایی که مصرف می کنند، ببینند.

بخش اول: درک مطلب

الف) با توجه به متن پاسخ درست را با علامت «د» و پاسخ نادرست را با علامت «ن» مشخص کنید.

۱. بازار بزرگ تهران قبلاً در مرکز شهر نبود.
۲. هر کالایی را می توانید در هر بخشی از بازار تهران پیدا کنید.
۳. تقریباً بیشتر شهرهای بزرگ و قدیمی ایران، بازاری مانند بازار بزرگ تهران دارند.
۴. بازارهای قدیمی نسبت به گذشته، بزرگ تر شده اند.
۵. جهانگردان در کاروانسراها می توانند با فرهنگ و سلیقه ی مردم آن شهر آشنا بشوند.

ب) با توجه به متن به پرسش های زیر پاسخ دهید.

۱. بازار تهران کجاست؟

۲. در کنار بازارهای قدیمی چه چیزهایی وجود دارد؟

.....
۳. آیا بازارهای قدیمی فقط محلی برای خرید و فروش کالا هستند؟
.....

بخش دوم: تمرین واژگان

الف) واژه ها و عبارت های ستون اول را به هم معنی شان در ستون دوم وصل کنید.

- | | |
|--------------|---|
| ۱. مجموعه | <input type="checkbox"/> خرید و فروش |
| ۲. کالا | <input type="checkbox"/> کسی که به کشورهای مختلف جهان سفر می کند |
| ۳. تجارت | <input type="checkbox"/> کارهای مربوط به اداره ی کشور و ارتباط آن با خارج |
| ۴. منطقه | <input type="checkbox"/> مجموعه ای از آداب، رسوم، هنر و روش های زندگی |
| ۵. مسجد | <input type="checkbox"/> دسته ای از افراد یا چیزها |
| ۶. کاروانسرا | <input type="checkbox"/> چیزی که می توانیم آن را بخریم یا بفروشیم |
| ۷. فرهنگ | <input type="checkbox"/> جایی که مسلمانان در آن جا نماز می خوانند یا مراسم دینی انجام می دهند |
| ۸. جهانگرد | <input type="checkbox"/> بخشی از یک کشور، شهر، روستا و مانند آن |
| ۹. سیاست | <input type="checkbox"/> ساختمانی در بین راه ها که کاروان ها شب ها در آن جا اقامت می کردند |

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

کردن - دادن - داشتن

نشان مصرف استراحت

تهیه قرار

پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

..... ۱

..... ۲

..... ۳

..... ۴

..... ۵

ت) درباره ی بازار چه کلمه هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ث) جاهای خالی جمله های زیر را با واژه ی مناسب پر کنید.

کالاها - تجاری - جهانگردان - فرهنگ - مجموعه - سلیقه - ارتباط

۱. ی من با شما در خرید لباس، خیلی فرق دارد. من معمولاً لباس های

رنگ روشن و گشاد می خرم، ولی تو لباس های رنگ تیره و تنگ می خری.

۲. روابط این دو کشور خیلی زیاد شده است.

۳. از کالاهایی که مردم می خرند یا می فروشند، می توانیم بخشی از آن

مردم را بفهمیم.

۴. به خاطر خرید و فروش، مردم با هم بیشتر شده است.

۵. شما نمی توانید این را در این بازار پیدا کنید.

۶. تعداد ی که به این کشور مسافرت می کنند، کم کم زیاد می شود.

۷. این بازار ای از فروشگاه های مخصوص فروش انواع میز و صندلی

است.

ج) جاهای خالی جمله های را با شکل درست مصدر های زیر پر کنید.

استفاده کردن

تهیه کردن - مصرف کردن - نشان دادن - قرار داشتن

۱. فروشگاه مخصوص کالاهای الکتریکی در وسط بازار

۲. من می توانم همه ی بخش های این بازار را به شما

۳. شما می توانید این لباس ها را از فروشگاه های اول بازار

۴. کالاهایی که مردم این کشور ساخت خودشان است.

چ) در جمله های زیر واژه ها یا عبارت های اریب به کدام واژه یا عبارت در متن بر می گردند؟

۱. اگر شما می خواهید این کالا را تهیه کنید، باید به بازار مرکزی بروید.

۲. این بازار هنوز هم مهم است.

۳. بازار بزرگ تهران یکی از مهم ترین مرکزهای بازرگانی ایران است.

۴. این بازار خیلی نزدیک است، بنابراین ما همه چیز را از آن جا تهیه می کنیم
می خریم

۵. توریست ها حتماً از بازارها دیدن می کنند.

۶. در این قسمت از بازار شما می توانید کالایان را تهیه کنید.....

بخش سوم: خواندن بیشتر

در زمان های قدیم مردم همه چیز را خودشان تهیه می کردند. زمان زیادی گذشت تا این که انسان به وسایل بیشتری برای زندگی احتیاج پیدا کرد. بنابراین لازم بود که انسان وسایل مورد نیازش را از جای دیگری تهیه کند. او احتیاج داشت از انسان های دیگر وسایلی را بگیرد. مردم در ابتدا برای گرفتن وسایل مورد نیازشان چیزهایی را که خودشان داشتند به افراد دیگر می دادند و از آنها وسایل مورد نیازشان را می گرفتند. اسم این کار، معامله ی کالا به کالا بود. این نوع خرید و فروش برای مردم خیلی خوب بود. اما مشکلات زیادی هم داشت. گاهی فردی چیزی را لازم داشت، ولی فرد دیگری حاضر نبود برای دادن جنس یا کالای خود جنسی را از فرد اول بگیرد؛ چون یا به آن کالا نیازی نداشت یا نمی خواست با آن فرد معامله کند.

بنابراین انسان ها تصمیم گرفتند یک کالای مشترک برای خرید و فروش خودشان پیدا کنند. این کالای مشترک در هر منطقه ای با منطقه ی دیگر فرق داشت. مردم با ارزش ترین کالای منطقه را به عنوان کالای مشترک انتخاب می کردند. مثلاً کالای مشترک در منطقه های ساحلی، مُروارید یا نمک دریایی بود، اما گاهی مردم نمی توانستند با مردم منطقه های دیگر خرید و فروش کنند.

مردم بعدها از فلز، سنگ های قیمتی و بعداً طلا و نقره به عنوان کالای مشترک استفاده کردند. اما گاهی جنس و اندازه ی نامناسب این سنگ های قیمتی باعث می شد در معامله ها مشکل پیش بیاید. در نتیجه مردم تصمیم گرفتند با اندازه ی مناسب و مشخصی از طلا، نقره یا هر فلز دیگری معامله کنند. این اندازه ی مناسب از هر فلز بعدها به سکه تبدیل شد.

بخش اول

الف) از روی متن درس رو خوانی کنید (۲ دقیقه و نیم زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

ج) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (۳ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان مناسب انتخاب کنید.

.....

ب) برای پاسخ های زیر یک سؤال مناسب بنویسید.

۱.؟

- یعنی مردم چیزهایی را که خودشان داشتند، به دیگران می دادند و از آنها چیزهای مورد نیازشان را می گرفتند.

۲.؟

- مثلاً گاهی فردی چیزی را لازم داشت، ولی فرد دیگر حاضر نبود برای دادن کالای خود، جنسی را از فرد اول بگیرد.

۳.؟

دارای ارزشی
- مردم با ارزش ترین کالای منطقه را به عنوان کالای مشترک انتخاب می کردند.

۴.؟

چون گاهی جنس و اندازه ی نامناسب این سنگ های قیمتی باعث می شد در معامله ها مشکل پیش بیاید.

رسانه



پرسش های پیش از خواندن

۱. شما چه رسانه هایی را می شناسید؟
۲. به نظر شما قوی ترین رسانه کدام رسانه است؟
۳. شما کدام رسانه را بیشتر دوست دارید؟
۴. به نظر شما رسانه ها چه تأثیری در زندگی مردم دارند؟

واژه های جدید

مُخْتَرِع	چاپ	تلگراف	ارتباط داشتن
رسانه	ارتباطات	جعبه ی جادویی	کشاندن
آداب	تبلیغات تلویزیونی	اثر گذاشتن	دستگاه
رابطه	ویژگی	عمومی	پیشرفت
برنامه	شبکه	مُسْتَنَد	کامل کردن

به وجود آمدن به وجود آوردن بعدها شبکه ی تلویزیونی

ارتباطی رسانه

عمومی ترین رسانه

زمانی که مخترع دستگاه چاپ این وسیله را اختراع کرد، نمی دانست که دنیای ارتباطات یک روزی مثل امروز می شود. اختراع دستگاه چاپ، تلگراف، تلفن و ... هر کدام اختراع بعدی را به وجود آورد. در زمان قدیم مردم فقط با روزنامه، با دنیای اطراف ارتباط داشتند. اما بعدها وقتی رادیو اختراع شد، تغییر بزرگی در ارتباط های مردم به وجود آمد. رادیو کم کم وارد خانه ها شد و تقریباً همه جا را پر کرد.

اختراع بعدی، تلویزیون بود. این جعبه ی جادویی خیلی سریع همه جا را پر کرد و مردم زیادی از تلویزیون به جای رادیو استفاده کردند. ارتباطات مردم با کشورهای دیگر هم بیشتر و بیشتر شد. برنامه ها و شبکه های تلویزیونی، فرهنگ ها و آداب مردم کشورهای دیگر را نشان می دادند. فیلم های سینمایی، مستند، برنامه های علمی، ورزشی، کارتون، مسابقه های تلویزیونی و اخبار افراد زیادی را با هر سنی در ساعت های مختلف به سمت تلویزیون می کشاند. بعضی ها می گویند حتی تبلیغات تلویزیونی، قوی ترین تبلیغات هستند و روی مردم اثر زیادی می گذارند.

امروزه وقتی از ارتباطات حرف می زنیم، اولین چیزی که همه درباره ی آن صحبت می کنند، اینترنت است. اینترنت تقریباً در همه جای دنیا ارتباطات مردم را بیشتر و بیشتر کرده است. تلویزیون، رادیو و روزنامه هر کدام هنوز هم جای خودشان را دارند. اما اینترنت ساده، راحت و ارزان است. بنابراین مردم از آن راحت تر استفاده می کنند.

پیشرفت و اختراع و کامل کردن دستگاه های کامپیوتری مختلف، دنیای ارتباطات را هر روز عوض می کند. شاید روزی برسد که بگویند اینترنت ساده ترین وسیله ی ارتباطی روز است و وسیله های جدید تری را بسازند. به نظر شما اختراع بعدی دنیای ارتباطات چیست؟

بخش اول: درک مطلب

الف) با توجه به متن پاسخ درست را با علامت «د» و پاسخ نادرست را با علامت «ن» مشخص کنید.

- ۱. وقتی دستگاه چاپ اختراع شد، دنیای ارتباطات مثل امروز بود.
- ۲. اولین وسیله ی ارتباط با دنیای اطراف، روزنامه بود.
- ۳. اسم دیگر رادیو، جعبه ی جادویی است.
- ۴. در گذشته ارتباطات مردم از طریق تلویزیون خیلی بیشتر از رادیو بود.
- ۵. امروزه اینترنت ساده ترین وسیله ی ارتباطی است.

ب) با توجه به متن به پرسش های زیر پاسخ دهید.

۱. اختراع چه دستگاه هایی در اختراع دستگاه های ارتباطی دیگر مؤثر بود؟

.....

۲. تلویزیون چگونه ارتباطات مردم را بیشتر کرد؟

.....

۳. چرا اینترنت تقریباً در همه جای دنیا ارتباطات را بیشتر کرده است؟

.....

۴. دنیای ارتباطات چگونه هر روز عوض می شود؟

بخش دوم: تمرین واژگان

الف) واژه ها و عبارت های ستون اول را به هم معنی شان در ستون دوم وصل کنید.

۱. مخترع

جذب کردن

۲. رسانه

بهتر شدن

۳. پیشرفت

کسی که اختراع می کند.

۴. تغییر

مربوط به همه

۵. کشاندن

وسیله ی ارتباطی مثل تلویزیون و روزنامه

۶. عمومی

عوض شدن

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

داشتن - کردن - آمدن - گذاشتن

به وجود اختراع عوض

اثر بیشتر ارتباط

پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

..... ۱.

..... ۲.

..... ۳.

..... ۴.

..... ۵.

ت) درباره ی رسانه، چه کلمه هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ث) درباره ی برنامه های تلویزیون، چه کلمه هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ج) جاهای خالی جمله ها را با واژه ی مناسب پر کنید.

تغییر - تبلیغات - مخترع - رسانه - پیشرفت - عمومی - آداب

۱. شما دستگاه چاپ را می شناسید؟ می دانید چه کسی این دستگاه را ساخته

است؟

۲. تقریباً همه ی مردم از تلویزیون استفاده می کنند، بنابراین تلویزیون یک وسیله ارتباطی

..... است.

۳. با وسایل ارتباطی، ارتباطات مردم بیشتر شده است.

۴. فرهنگ و مردم کشورهای دیگر را می توانید در تلویزیون ببینید.
۵. زندگی مردم به خاطر بازرگانی در تلویزیون و اینترنت، عوض شده است.
۶. در کشور ما راحت ترین و ارزان ترین، تلویزیون است.
۷. با برنامه های تلویزیون، از این به بعد اخبار را می توانید در ساعت ۸ شب ببینید.

(د) جاهای خالی جمله ها را با شکل درست مصدرهای زیر پر کنید.

ارتباط داشتن - عوض کردن - به وجود آمدن - کشاندن - به وجود آوردن - اثر گذاشتن

گذشته ی نقلی

۱. اختراع وسایل ارتباطی جدید، تا حالا مشکلاتی را هم برای مردم
.....
۲. فیلم های پلیسی بر رفتار کودکان
.....
۳. تلویزیون با برنامه های جذاب و متنوعش، مردم را به سوی خودش
.....
۴. خیلی از مردم هنوز هم از اینترنت استفاده نمی کنند و فقط به وسیله ی تلویزیون با دنیای اطراف
.....
۵. اختراع هر وسیله ی ارتباطی، بر زندگی مردم
.....
۶. با وسایل ارتباطی، ارتباطات بین مردم، ارزان تر و ساده تر می شود.
۷. تبلیغات تلویزیونی می توانند فرهنگ یک جامعه را
.....

(د) در جمله های زیر، واژه ها یا عبارت های اریب به کدام واژه یا عبارت در متن بر می گردند؟

۱. تلویزیون، رادیو و روزنامه هنوز هم اهمیت دارند، اما اینترنت، راحت، ساده و ارزان است.
.....
۲. بعد از اختراع اینترنت، تغییر بزرگی در ارتباطات مردم به وجود آمد.
.....

.....

۴. با اختراع تلویزیون، ارتباطات مردم خیلی تغییر کرد.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

بخش سوم: خواندن بیشتر

زمان خواندن کتاب و ساعتی که مردم هر کشور یا منطقه ای برای کتاب خواندن استفاده می کنند در کشورهای مختلف فرق دارد. فرهنگ کتابخوانی در کشورهای مختلف متفاوت است. دلایلی مانند سواد، تحصیلات و فرهنگ مردم در کتاب خواندن مردم اثر دارد. بعضی از مردم می گویند چون کتاب گران است، نمی توانیم کتاب بخریم و بخوانیم. بعضی ها می گویند وقت کافی برای خواندن کتاب نداریم و ترجیح می دهند از وقت خودشان برای نگاه کردن فیلم و برنامه های تلویزیونی استفاده کنند.

اما شاید هیچ کدام از این دلیل ها درست نباشد. نوع کتاب هایی که مردم در یک جامعه می خوانند فکر و فرهنگ آنها را نشان می دهد. کتاب های تخیلی، علمی، رمان، اجتماعی و تاریخی هر کدام نشان می دهند که خواننده ی آن کتاب ها به چه چیزهایی فکر می کنند و به چه چیزهایی علاقه دارند.

معمولاً افراد وقتی هنوز دانشجو هستند، بیشتر کتاب می خوانند. اما بعداً فقط دوست دارند روزنامه بخوانند یا تلویزیون تماشا کنند و یا خودشان را با اینترنت سرگرم کنند.

شاید در مترو یا اتوبوس یا در ایستگاه های آنها، افراد کمی را ببینیم که مطالعه می کنند. کتاب های جیبی و کوچک، برای مطالعه در محیط های بیرون از خانه مناسب هستند. بعضی از نویسندگان کتاب های زیادی را خلاصه کرده اند. بنابراین حتی اگر وقت زیادی برای خواندن کتاب های بزرگ دنیا نداریم، می توانیم از خلاصه و کوتاه شده ی این داستان ها استفاده کنیم.

بخش اول

الف) از روی متن درس رو خوانی کنید. (۲ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

ح) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (۲ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان مناسب انتخاب کنید.

.....

ب) برای پاسخ های زیر یک سؤال مناسب بنویسید.

۱.؟

- دلایلی مانند سواد، تحصیلات و فرهنگ مردم در کتاب خواندن اثر دارد.

۲.؟

- گران بودن کتاب و نداشتن وقت کافی، دو تا از دلایلی هستند که بعضی ها کتاب نمی خوانند.

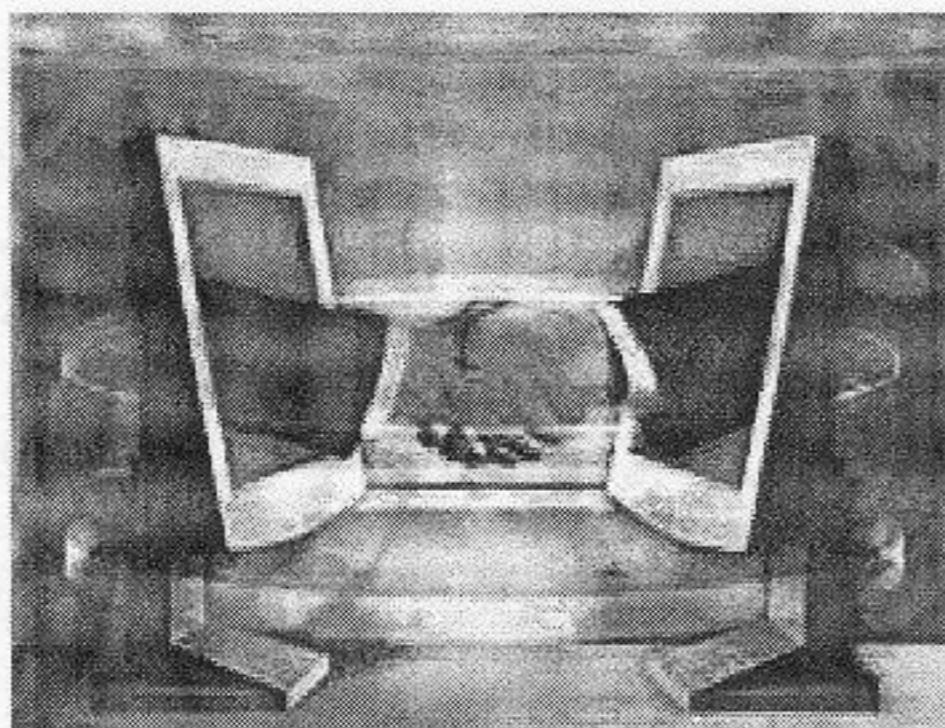
۳.؟

- نوع کتاب هایی که مردم یک جامعه می خوانند، فرهنگ آن جامعه را نشان می دهد.

۴.؟

- برای مطالعه در محیط های بیرون از خانه مناسب هستند.

تکنولوژی



پرسش های پیش از خواندن

۱. آیا شما به پیشرفت تکنولوژی علاقه دارید؟
۲. به نظر شما زندگی گذشته با زندگی امروزی چه فرقی کرده است؟
۳. در گذشته مردم از چه چیزهایی در خانه استفاده می کردند؟
۴. امروزه در یک زندگی معمولی مردم از چه چیزهای جدیدی استفاده می کنند؟

واژه های جدید

تکنولوژی	ترجیح دادن	پارکینگ	به جلو رفتن
عوض کردن	مجبور بودن	فضا	رایانه
اتاق پذیرایی	سیاره	ماشین لباسشویی	آشپزخانه
به وجود آمدن	ماشین ظرفشویی	پول درآوردن	رابطه

استفاده از وسایل جدید در خانه های امروزی زندگی مردم را عوض کرده است، در همه جای خانه از تکنولوژی جدید استفاده می کنیم؛ آشپزخانه، اتاق پذیرایی، حمام، دستشویی و حتی پارکینگ خانه ها. تکنولوژی و صنعت هر روز در دنیا پیشرفت می کنند و هر روز هم زندگی ما را عوض می کنند. ما هم آرام آرام با آنها به جلو می رویم.

بعضی ها فکر می کنند امروزه با تکنولوژی جدید مردم کمتر کار می کنند؛ یخچال، تلویزیون، مایکروفر، ماشین های لباسشویی و ظرفشویی و بقیه ی وسایل برقی دیگر زندگی مردم را آسان تر کرده است، اما مردم مجبورند برای خریدن وسایل جدید برای خانه هایشان در بیرون از خانه بیشتر کار کنند و پول بیشتری دریاورند. کار زیاد رابطه ی مردم را با هم کمتر کرده است. در گذشته مردم بعد از یک کار روزانه پیش خانواده یا دوستان خود بودند. اما امروزه بیشتر مردم ترجیح می دهند وقتشان را در اتاق های خودشان و در کنار رایانه هایشان بگذرانند.

سرعت پیشرفت تکنولوژی در دنیای امروز به قدری زیاد شده است که هر سال با سال گذشته فرق زیادی دارد. خیلی ها فکر می کنند که انسان به زودی به بیشتر آرزوهای قدیمی خود مانند شناختن فضا و رفتن به آن سریع تر می رسد. شاید در آینده ی نزدیک مردم برای تعطیلات خود سیاره های دیگر را انتخاب کنند. به نظر شما این تعطیلات به چه شکلی خواهد بود، مردم چه چیزهایی را خواهند دید و چه چیزهای جالبی در این سفرها وجود خواهند داشت؟

بخش اول: درک مطلب

الف) با توجه به متن پاسخ درست را با علامت «د» و پاسخ نادرست را با علامت «ن» مشخص کنید.

۱. تکنولوژی جدید زندگی مردم را عوض کرده است.
۲. مردم با استفاده از تکنولوژی جدید کمتر در خانه ها کار می کنند.
۳. مردم مجبورند برای خریدن وسایل جدید بیشتر کار کنند.

□ ۴. در گذشته مردم بیشتر دوست داشتند کنار خانواده هایشان باشند.

□ ۵. در آینده تفریح و گردش مردم فرق خواهد کرد.

(ب) با توجه به متن به پرسش های زیر پاسخ دهید.

۱. تکنولوژی در زندگی امروز مردم چه اثری داشته است؟

..... -

۲. تکنولوژی در زندگی معمولی ما در کجاها وجود دارد؟

..... -

۳. چرا مردم امروز مجبورند بیشتر کار کنند؟

..... -

۴. امروزه مردم بیشتر دوست دارند چه کارهایی انجام بدهند؟

..... -

۵. در آینده تعطیلات مردم چگونه خواهد بود؟

..... -

بخش دوم: تمرین واژگان

الف) واژه ها و عبارت های های ستون اول را به هم معنی شان در ستون دوم وصل کنید.

۱. تکنولوژی □ انتخاب کردن کسی یا چیزی از بین چیزهای دیگر

۲. پیشرفت کردن □ دستگاہی که لباس ها را می شوید

۳. ماشین لباسشویی □ محیط خارج از زمین

۴. ترجیح دادن □ کالاهایی که با دست ساخته می شوند

۵. فضا □ استفاده از علم و دانش در کارهای صنعتی و اقتصادی

۶. صنایع دستی □ کار ساختن و تولید کردن کالایی

۷. صنعت □ حرکت کردن به طرف جلو در صنعت و زندگی و ...

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

کردن - بودن - در آوردن - دادن - داشتن

پیشرفت.....	عوض.....	پول.....
ترجیح.....	وجود.....	مجبور.....

پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

۱.
۲.
۳.
۴.
۵.
۶.

ت) درباره ی وسایل خانه چه کلمه هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

ث) درباره ی تکنولوژی چه کلمه هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

ج) جاهای خالی جمله ها را با واژه ی مناسب پر کنید.

تکنولوژی - رابطه - رایانه - فضا - سیاره^۱ - تعطیلات^۲ - صنعت - آرزو

۱. در شهرهای بزرگ ی مردم با هم کم است.
۲. بیشتر مردم آرزو دارند از شان به خوبی استفاده کنند و به مسافرت بروند.
۳. وقتی بچه بودم، خیلی دوست داشتم به سفر کنم.
۴. مردم دوست دارند به های دیگر بروند و ببینند آیا کسی در آنجا زندگی می کند؟

۵. بعضی از مردم می گویند جدید زندگی مردم را آسان کرده است.
۶. ها هر روز در دنیا پیشرفته تر می شوند و ارتباط های اینترنتی را آسان تر می کنند.

۷. مردم دوست دارند به همه ی های خودشان برسند.
۸. استفاده از تکنولوژی جدید به کمک زیادی کرده است.

د) جاهای خالی جمله ها را با شکل درست فعل های زیر پر کنید.

پیشرفت کردن - عوض کردن - مجبور بودن - ترجیح دادن - رسیدن - در آوردن

۱. سال هاست که رایانه ها زندگی مردم را خیلی
۲. امروزه مردم به جای رابطه با دوست و همسایه در خانه هایشان بمانند.
۳. رییس از کارمند جدید ناراحت بود، پس کارمند بیشتر کار کند.
۴. بعضی از مردم خیلی کار می کنند، اما پول خوبی
۵. خیلی از مردم دوست دارند به آرزوهایشان
۶. کارخانه های جدید با دستگاه های جدید، خیلی خوب

د) در جمله های زیر واژه ها یا عبارات های اریب به کدام واژه یا عبارات در متن بر می گردند؟

۱. پدرم بیشتر دوست دارد برای تعطیلات به سفر برود.
۲. دنیای امروز هر روز به جلو حرکت می کند.
۳. دیشب در تلویزیون برنامه ای را درباره ی زندگی خارج از زمین دیدم.
۴. نظر من با نظر دوستم خیلی تفاوت دارد.
۵. دوست هایم باید هر هفته امتحان می دادند.

بخش سوم: خواندن بیشتر

صنعت شیشه سازی از زمان های قدیم در کشور ایران وجود داشته است. قدیمی ترین وسایل شیشه ای در ایران از چهار هزار سال پیش در منطقه جنوب ایران پیدا شده اند. قدیمی ترین شیشه های دنیا هم در حدود شش هزار سال پیش در مصر وجود داشتند. مردم آن زمان در آن موقع از شیشه گردنبند، دستبند و گوشواره می ساختند. در زمانهای قدیم از شیشه برای ساختن وسایل تزئینی مانند گلدانها، ظرف ها، شیشه های عطر و ... استفاده می کردند. سال های زیادی در ایران قدیم هم همینطور بود. اما بعد از اسلام از شیشه برای ساختن چراغها و شیشه های مسجد ها هم استفاده می کردند. شیشه کم کم وارد زندگی مردم می شد و تقریباً در همه جا از آن استفاده می کردند. خانه های قدیمی را با شیشه های رنگی تزئین می کردند و در منطقه های مختلف گرم و سرد، با رنگهای مختلفی که در شیشه ها استفاده می کردند، به گرم کردن یا خنک کردن خانه ها کمک بیشتری می کردند.

امروزه صنعت شیشه سازی یکی از مهمترین صنایع دنیا است. این صنعت در وسایل تزئینی، پزشکی، مهندسی و ارتباطات خیلی مهم است. امروزه ارتباطات با استفاده از شیشه سرعت خیلی زیادی پیدا کرده است. دنیای ارتباطات در ساختن وسایل الکترونیکی از شیشه استفاده می کند. شیشه خیلی سبک است، بنابراین در صنعت از آن زیاد استفاده می کنند.

بخش اول

الف) از روی متن درس رو خوانی کنید (۳ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

خ) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (۳ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان مناسب انتخاب کنید.

..... -

ب) برای پاسخ های زیر یک سؤال مناسب بنویسید.

..... ۱.

- در چهار هزار سال پیش.

..... ۲.

- شش هزار سال پیش در مصر.

..... ۳.

- برای ساختن وسایل تزئینی و گردنبد و دستبند و

..... ۴.

- چون شیشه های رنگی به گرم کردن و سرد کردن خانه ها کمک می کرد.

..... ۵.

- در دنیای پزشکی، مهندسی و ارتباطات استفاده می شود.

..... ۶.

- چون شیشه سبک است.

هنر



۱. شما به چه نوع هنری علاقه دارید؟
۲. در کشور شما چه هنرهایی وجود دارد؟
۳. قدیمی ترین هنرها چه هنرهایی هستند؟
۴. جدید ترین هنرها کدامند؟
۵. به نظر شما شناختن صنایع دستی یک کشور به شناختن فرهنگ آن کشور کمک می کند؟

واژه های جدید

منطقه	به وجود آوردن	قطبی	علاقه داشتن
وسایل تزئینی	لباس سنتی	قالی بافی	اقتصاد
شیشه گری	سفالگری	کاشی سازی	ظرفهای سفالی
قلم زنی	موسیقی	عکاسی	خاتم کاری
صنایع دستی	اقتصاد	تئاتر	فرهنگ

هنر در دنیا

از زمان های قدیم انسان دوست داشت از وسایل زیبا استفاده کند. او از سنگهای زیبا و رنگی برای خودش ظرف و وسایل تزئینی درست می کرد، در جاهای زیبا زندگی می کرد و به صداهای زیبا در طبیعت گوش می داد.

از گذشته های دور مردم هر منطقه ای از وسایل اطراف خودشان برای درست کردن وسایل زیبا استفاده می کردند. اکنون نیز در منطقه های جنگلی، گرم، بیابانی و حتی قطبی هم مردم وسایل زیبا را دوست داشتند و از طبیعت اطرافشان وسایل تزئینی درست می کردند.

مردم ایران هم همیشه علاقه داشتند از چیزهای زیبا در زندگی شان استفاده کنند. در بیشتر خانه های مردم ایران حتما وسایل زیبای هنری وجود دارد. وسایلی که با دست درست شده اند و رنگ و شکل زیبایی دارند. خیلی از این وسایل زیبای دستی هر روز بیشتر و بیشتر می شوند. هنرمندان وسایلی مانند لباس های سنتی، ظرف های سفالی و تزئینی را در شکل های جدید درست می کنند. فروشگاه های صنایع دستی همیشه به خاطر رنگ های مختلف و زیبای آنها دیدنی هستند. در زمان های قدیم رنگ بیشتر صنایع دستی طبیعی بود. صنایع دستی فقط به خاطر زیبایی شان مهم نیستند. بلکه بزرگتر شدن بازار صنایع دستی به اقتصاد کشور کمک زیادی می کند. با صنایع دستی هر کشوری می توانیم فرهنگ مردم آن کشور را هم بهتر بشناسیم.

پیشرفت هنر از زمان های قدیم تا حالا هنرهای مختلف دیگری را به وجود آورده است؛ نقاشی، قالی بافی، شیشه گری، سفالگری، قلم زنی، خاتم کاری، کاشی سازی و صنایع دستی مختلف. موسیقی و تئاتر هم از هنر های نمایشی قدیمی هستند که اکنون نیز وجود دارند. اما سینما،

عکاسی و بعضی از هنرهای دیگر جدید هستند. امروزه شاید سینما در دنیا مهم ترین و پرطرفدار ترین هنر باشد، نظر شما چیست؟

بخش اول: درک مطلب

الف) با توجه به متن پاسخ درست را با علامت «د» و پاسخ نادرست را با علامت «ن» مشخص کنید.

- ۱. در قدیم انسان از وسایل طبیعی اطراف خودش وسایل تزیینی درست می کرد.
- ۲. همه ی مردم دنیا دوست دارند از وسایل زیبا استفاده کنند.
- ۳. وسایل تزیینی معمولا فقط یک رنگ دارند.
- ۴. در بیشتر خانه های ایرانی وسایل زیبای هنری وجود دارد.
- ۵. هنر هر کشوری فرهنگ آن کشور را نشان می دهد.
- ۶. قلم زنی و خاتم کاری هنرهای جدیدی هستند.

ب) با توجه به متن به پرسش های زیر پاسخ دهید.

۱. در زمان قدیم مردم از چه چیزهایی وسایل تزیینی درست می کردند؟

.....

۲. چرا مغازه های هنرهای دستی زیبا هستند؟

.....

۳. چرا صنایع دستی مهم هستند؟

.....

۴. هنرهای قدیمی کدام هنرها هستند؟

.....

۵. هنرهای جدید کدام هنرها هستند؟

بخش دوم: تمرین واژگان

الف) واژه ها و عبارت های های ستون اول را به هم معنی شان در ستون دوم وصل کنید.

- | | |
|---|------------------|
| <input type="checkbox"/> وسایلی که با آن جایی یا چیزی را زیباتر می کنند | ۱. قالی بافی |
| <input type="checkbox"/> کسی که کارهای هنری می کند | ۲. فرهنگ |
| <input type="checkbox"/> کار بافتن قالی | ۳. اقتصاد |
| <input type="checkbox"/> کار مطالعه درباره ی پول و مصرف کالاها | ۴. وسایل تزئینی |
| <input type="checkbox"/> ظرف هایی که با آب و خاک درست می شوند. | ۵. ظرف های سفالی |
| <input type="checkbox"/> کار عکس گرفتن از چیزی یا جایی | ۶. عکاسی |
| <input type="checkbox"/> رسم ها و عادت های یک کشور یا گروهی از مردم | ۷. هنرمند |

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

داشتن - کردن - آوردن -

علاقه به وجود درست

وجود.....

پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

۱.

..... ۲

..... ۳

..... ۴

ت) درباره ی هنر چه کلمه هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

.....

ث) درباره یهنرهای دستی چه کلمه هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

.....

.....

ج) جاهای خالی جمله ها را با واژه ی مناسب پر کنید.

وسایل تزئینی - طبیعت - منطقه ی قطبی - ظرف های سفالی - اقتصاد - فرهنگ - عکاسی - موسیقی

۱. هنوز هم بعضی از مردم دوست دارند غذایشان را در بخورند.

۲. صنایع دستی به بزرگ شدن کشور کمک می کند.

۳. خیلی از مردم برای تعطیلات به می روند.

۴. زندگی کردن در خیلی سخت است. چون هوای آنجا خیلی سرد

است.

۵. مردم همیشه دوست دارند برای زیباتر کردن خانه ها از در خانه هایشان

استفاده کنند.

۶. صنایع دستی نشان دهنده ی یک کشور هستند.

۷. از برای درمان بعضی از بیماری ها استفاده می شود.

۸. بیشتر مردم دوست دارند با هنر خاطره های خودشان را نگه دارند.

چ) جاهای خالی جمله ها را با شکل درست فعل های زیر پر کنید.

علاقه داشتن - به وجود آوردن - وجود داشتن - شناختن

۱. بچه های امروزی بیشتر به بازی های کامپیوتری

۲. در زمان قدیم مردم وسایل تزئینی زیادی را و از آنها در زندگی خودشان استفاده کردند.

۳. در این شهر هیچ سینمایی تا مردم بتوانند فیلم های جدید را در آنجا ببینند.

۴. در گذشته مردم هنرهای زیادی را ولی الان از هنرهای جدید اطلاعی ندارند.

د) در جمله های زیر واژه ها یا عبارت های اریب به کدام واژه یا عبارت در متن بر می گردند؟

۱. مردم همیشه دوست دارند از چیزهایی که خانه شان را زیبا می کند، استفاده کنند.

۲. هر کشوری عاداتها و رسم های مخصوص خودش را دارد. فرهنگ

۳. مردم از ظرفهایی که با آب و خاک درست می شوند هنوز هم استفاده می کنند.

۴. وسیله هایی که با دست ساخته می شوند ، به اقتصاد کشور کمک می کند.

۵. کسانی که کارهای هنری انجام می دهند برای یاد گرفتن آن هنرها زیاد تلاش کرده اند.

بخش سوم: خواندن بیشتر

استاد محمود فرشچیان یکی از معروف ترین هنرمندان ایران است. او در سال ۱۳۰۸ در اصفهان به دنیا آمد. پدرش تاجر فرش بود و قالی بافی هم می کرد. استاد فرشچیان وقتی به مدرسه و دبیرستان می رفت، پیش استاد های بزرگ نقاشی اصفهان هنر نقاشی را هم یاد می گرفت. یکی از استاد های او، استاد عیسی بهادری در زندگی او خیلی تاثیر داشت.

استاد فرشچیان در زمان سربازی هم نقاشی می کرد. او در زمینه ی هنر مینیاتور و نقاشی ایرانی استاد بزرگی است. هنر مینیاتور خیلی دقیق و ظریف است. شناختن رنگها و استفاده ی درست از قلم نقاشی در این هنر خیلی مهم است.

در تهران موزه ای به اسم موزه ی استاد فرشچیان وجود دارد. کارهای بزرگ این استاد در آن موزه گذاشته شده اند. یک مجسمه ی سفید رنگ هم از ایشان در جلوی در موزه وجود دارد.

استاد فرشچیان اکنون در امریکا زندگی می کند و در طول سال چند بار به ایران می آید. تابلوهای معروفی از او در موزه ی استاد فرشچیان وجود دارند که بسیار بی نظیر و دیدنی هستند. موضوع اصلی این نقاشی ها عرفان و دین است.

تمرین

بخش اول

الف) از روی متن درس رو خوانی کنید (۲ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

ب) از بخش خواندن بیشتر روخوانی کنید (۲ دقیقه زمان برای روخوانی در نظر گرفته شده است).

بخش دوم

الف) برای متن بالا یک عنوان مناسب انتخاب کنید.

ب) برای پاسخ های زیر یک سؤال مناسب بنویسید.

۱.
- در اصفهان و در سال ۱۳۰۸.
۲.
- او تاجر فرش بود و قالی بافی هم می کرد.
۳.
- استاد عیسی بهادری.
۴.
- او در هنر مینیاتور و رشته ی نقاشی استاد معروفی است.
۵.
- دین و عرفان.

در جمله های زیر واژه هایی که زیر آنها خط کشیده شده است، چه معنایی دارند؟ گزینه ی درست را انتخاب کنید.

۱. همه ی دانشجویان به طرف کلاس ها رفتند.

الف) به سمتِ ب) داخلِ ج) اطرافِ

۲. یک گربه در خانه داریم که کارهای بامزه ای می کند.

الف) خوشمزه ب) جالب و خنده دار ج) مسخره

۳. من برای تهیه ی کیک تولد خیلی کار کردم.

الف) خوردن ب) آماده کردن ج) زیبا شدن

۴. مردم مشکلات زندگی در کویر را قبول کرده اند.

الف) پذیرفته اند ب) می دانند د) حل کرده اند

۵. من به خواندن افسانه های کشورهای مختلف علاقه دارم.

الف) دوست دارم ب) عادت دارم د) ارتباط دارم

۶. خواهرم در مسابقه کتاب خوانی اول شد.

الف) برنده شد ب) اولین بار خواند د) اولین کتاب را خواند

۷. یکی از بچه هایی که در کوچه بازی می کردند سنگ را به طرف پنجره پرتاب کرد.

الف) پرواز کرد ب) انداخت د) بُرد

۸. بازار تهران مجموعه ی بزرگی از بازارهای مختلف است.

الف) ساختمان های بزرگ

ب) بخش های زیاد ولی شبیه از یک چیز یا جا

د) میدان های معروف

۹. در تهران در هر منطقه یک مرکز خرید وجود دارد.

الف) جای خرید در وسط شهر ب) محل خرید و فروش ج) جایی که می توانید بیشتر کالاها را بخرید

۱۰. امروزه بیشتر مردم به جای کتاب از سی دی استفاده می کنند ولی کتاب هنوز جای خود را دارد.

الف) به جای سی دی است ب) ارزشمند است د) خرید و فروش می شود.

۱۱. همیشه جهانگردان زیادی به شهر اصفهان می روند.

الف) کسانی که علم زیادی دارند ب) کسانی که تعطیلات زیادی دارند

د) کسانی که زیاد به کشورهای دیگر مسافرت می کنند.

۱۲. یکی از راه های لاغر شدن مصرف کردن آب است.

الف) خرج کردن ب) استفاده کردن د) جمع کردن

۱۳. شما برای زندگی در این کشور به پول احتیاج دارید.

الف) نیاز دارید ب) خرج می کنید ج) استفاده می کنید

۱۴. چه کسی برق را اختراع کرد.

الف) ساخت ب) برای اولین بار به وجود آورد ج) پیدا کرد

۱۵. کالای خوب احتیاجی به تبلیغات ندارد.

الف) آگاه کردن دیگران از خوبی های چیزی ب) تعمیر و بازسازی کردن د) تمیز و مرتب کردن

۱۶. کتاب های جیبی برای مطالعه در اتوبوس و تاکسی خوب هستند.

الف) کتاب هایی که کوتاه شده و کوچک

ب) کتاب هایی که در جیب می گذارند

ج) کتاب هایی که جلد دارند

۱۷. امروز یک کتاب داستان خواندم و آن را خلاصه کردم.

الف) داستان را کوتاه کردم

ب) در کتاب خانه گذاشتم

ج) به دیگران دادم

۱۸. نمی دانم عینکم را کجا گذاشتم.

ج) پیدا کردم

الف) قرار دادم ب) بُردم

۱۹. پول در آوردن در زندگی امروزی خیلی سخت است.

ج) پس انداز کردن

ب) خرج کردن پول

الف) به دست آوردن پول

پول

۲۰. امروزه مردم وسایل برقی زیادی می خرند.

الف) چیزهایی که با برق کار می کند

ب) چیزهایی که برق می گیرد

ج) چیزهایی که برق تولید می کنند

۲۱. تکنولوژی جدید زندگی مردم را عوض کرده است.

ج) تغییر داده است

الف) سخت کرده است ب) آسان کرده است

۲۲. مسافران خارجی وقتی به ایران می آیند دوست دارند صنایع دستی بخرند.

الف) چیزهایی که با دست کار می کند

ب) چیزهایی که با دستگاه درست می کنند

د) چیزهایی که با دست درست می کنند

۲۳. من در ایران مجبور هستم زبان فارسی یاد بگیرم.

الف) شاید

ب) می خواهم

د) باید

۲۴. همه ی مردم در خانه هایشان وسایل تزیینی دارند.

الف) چیزهایی که برای تعمیر استفاده می کنند

ب) چیزهایی که با دست درست می کنند

ج) چیزهایی که برای زیبایی جایی استفاده می کنند

۲۵. تابلوهای معروفی در این موزه وجود دارد.

الف) زیبا

ب) مشهور

د) گران قیمت

بخش دوم

یکی از واژه ها در گروه خودش نیست. دور آن خط بکشید.

۱. یخچال / دستشویی / تلویزیون / ماشین لباسشویی وسایل خانه هستند.

۲. همه ی خانه ها آشپزخانه / اتاق پذیرایی / حمام / رایانه دارد.

۳. دیروز عروس و داماد به طلافروشی رفتند و گردن بند / دست بند / گوشواره / کمر بند

خریدند.

۴. خاتم کاری / قلم زنی / آهنگری / مینیاتور از هنرهای معروف ایرانی هستند.

۵. شیر / بپر / پلنگ / خروس از حیوانات وحشی هستند.

۶. مادرم به هنرهای کشاورزی / خیاطی / خانه داری / قالی بافی علاقه دارد.

۷. ما در خانه مان همه نوع حیوان مثل گوسفند / گنجشک / سگ / خرگوش داریم.

۸. گردباد / سیل / زلزله / باران از اتفاق های طبیعی هستند.

۹. دوستم به ورزش های گروهی مثل والیبال / بسکتبال / فوتبال / کاراته علاقه دارد.

۱۰. در همه ی شهرهای ایران بازار / مرکز خرید / مرکز تجارت / کاروانسرا وجود دارد.

بخش سوم

جاهای خالی با واژه ی مناسب پر کنید.

الف) خراب - خرابی - خراب کردن

۱. خانه های روستاییان به خاطر سیل بود.

۲. ساعت است باید آن را تعمیر کنم.

۳. کارگران خانه های قدیمی را و خانه های جدیدی ساختند.

ب) ناگهان - ناگهانی

۱. داشتم تلویزیون تماشا می کردم که برق رفت.

۲. علی به خاطر خبر تصادف برادرش مریض شد..

ت) سرعت - سریع

۱. ماشین شما از ماشین من بیشتر است؟

۲. بعد از تمام شدن کلاس خیلی به خانه رفتند.

ث) پیشرفت - پیشرفت کردن

۱. دانشجویان این کلاس در یادگرفتن زبان فارسی خیلی زیاد بوده است.
۲. شما برای در این رشته باید خیلی درس بخوانید.

ج) احتیاج - احتیاج داشتن

۱. آن مرد به دلیل مالی دزدی می کرد.
۲. تو برای زندگی در یک کشور خارجی به کمک پدر و مادرت؟

چ) تزیین - تزیین کردن

۱. خانه ی شما در جشن تولد خیلی زیبا بود.
۲. چرا هیچ کس برای خانه به شما کمک نمی کند؟

ح) علاقه - علاقه داشتن

۱. دخترها به کارهای هنری بیشتر از پسرهاست.
۲. شما به چه ورزشی بیشتر؟

خ) عکس - عکس گرفتن - عکاسی

۱. در این موزه های باارزش و زیبایی هست.
۲. دیروز به رفتم و عکس ها را ظاهر کردم.
۳. در موزه ها ممنوع است.

د) زیبا - زیبایی

۱. این روستا از بالای کوه خیلی است.
۲. این اتاق به خاطر تابلوهای زیبای آن است.

ذ) دقیق - دقت - دقت کردن

۱. چرا تو هنگام رانندگی؟
۲. خواهرم در انجام دادن تکلیف هایش خیلی است.

۳. شما زمان امتحان خیلی کم است.

(ر) هنر - هنرمند - هنری

۱. من به کارهای خیلی علاقه دارم.

۲. کسی که این نقاشی را کشیده است خیلی است.

۳. زیبایی این ساختمان سازنده ی آن را نشان می دهد.